

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

مبانی دینی استکبارستیزی

و اصول مواجهه با نظام سلطه و استکبار جهانی

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تدوین: مجتمع فرهنگی پژوهشی اوقاف
به کوشش مؤسسه فرهنگی راه فخرالائمة (علیهم السلام)
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف
قطع: رقی

نوبت چاپ: پاییز ۱۳۹۲

شمارگان: ۵،۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خیابان شهلا (صفائیه)، کوچه ممتاز، کوی ۷، پ ۳۲،

مجتمع فرهنگی پژوهشی، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۳۷۷۴۶۴۳۱ - ۰۲۵، نمابر: ۳۷۷۳۷۱۳۱ - ۰۲۵

غیر قابل فروش

اهدایی معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

مبانی دینی استکبارستیزی

واصول مواجهه با نظام سلطه و استکبار جهانی

فصل اول:

ویژگی‌ها و شاخصه‌های رفتاری مستکبران

۱. تعریف استکبار و مصادیق آن ۱۲
۲. ویژگی‌ها و خصوصیات مستکبران ۱۶
 - ۱-۲. پیمان شکنی (بی‌اعتنایی به تعهدات و قراردادهای) ۱۶
 - ۲-۲. هدایت مستکبران از سوی شیطان ۱۷
 - ۳-۲. رویگردانی از حق ۱۸
 - ۱-۳-۲. تکذیب آیات الهی ۱۸
 - ۲-۳-۲. تکذیب حق طلبان و افترا زدن به آنها ۱۹
 - ۴-۲. زورگویی، استضعاف ملت‌ها و تحقیر ارزش‌های الهی ۲۰
 - ۵-۲. جهان‌خواری (داعیه‌ی تسلط بر جهان) و استعمارگری ۲۳
 - ۶-۲. ارباب مخالفان، خشونت و سفاکی ۲۵
 - ۷-۲. دنیاپرستی و ترویج فرهنگ مادی ۲۷
 - ۸-۲. حماقت و نادانی ۲۸
 - ۹-۲. دروغ‌گویی، شایعه‌پراکنی و اختلاف‌افکنی ۲۹
 - ۱۰-۲. خدعه و نیرنگ، افساد با شعار اصلاح ۳۱

فصل دوم:

اصول مواجهه با نظام سلطه و استکبار جهانی

۱. اصل هوشیاری و دشمن‌شناسی ۳۴
- ۱-۱. شیطان؛ سرسلسله دشمنان انسان ۳۴
- ۲-۱. عواقب انکار وجود دشمن و دشمنی او ۳۵

- ۱-۳. استکبار جهانی؛ از مصادیق اولیای شیطان..... ۳۵
- ۱-۴. لزوم هوشیاری و عدم غفلت یا تغافل نسبت به دشمن..... ۳۷
۲. اصل مرعوب نشدن و فریب نخوردن..... ۳۹
- ۱-۲. تاکتیک تهدید، ارباب و جنگ روانی مستکبران..... ۳۹
- ۲-۲. مرجفون چه کسانی هستند؟..... ۴۰
- ۳-۲. لزوم هوشیاری در برابر نیرنگ و نرمش تاکتیکی دشمن..... ۴۴
۳. اصل ضدیت و مقاومت در مبارزه..... ۴۶
- ۱-۳. هدف نهایی؛ نابودی همه مستکبران عالم..... ۴۶
- ۲-۳. دستور دین چیست؟ نصیحت؛ استدلال منطقی یا مبارزه؟..... ۴۷
۴. اصل حفظ عزت و عدم سازش و مذاکره..... ۴۹
- ۱-۴. تعریف و شرایط مذاکره..... ۴۹
- ۱-۲-۴. مذاکره؛ با چه کسی؟ بر سر چه چیزی؟..... ۴۹
- ۲-۴. قاعده قرآنی برائت و نفرت از مشرکین..... ۵۲
- ۱-۲-۴. چرا مرگ بر آمریکا؟!..... ۵۲
- ۳-۴. قاعده «نفی سیل»..... ۵۶
- ۴-۴. چرا مذاکره و رابطه با آمریکا مردود است؟..... ۵۸
- ۵-۴. بررسی صلح حدیبیه؛ اصل یا استثناء؟..... ۶۵
- ۱-۵-۴. سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مواجهه با کفار و مشرکین..... ۶۵
- ۲-۵-۴. آیا در حدیبیه رویه پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تغییر کرد؟..... ۶۶
- ۳-۵-۴. حرکت به سمت مکه به قصد جنگ بود یا صلح؟..... ۶۷
- ۴-۵-۴. آیا جهاد و صلح دو استراتژی هم وزن هستند؟..... ۶۹
- ۵-۵-۴. بیعت گرفتن از مسلمانان برای صلح؟..... ۷۱
- ۶-۴. بررسی مفهوم نرمش قهرمانانه..... ۷۲
- ۱-۶-۴. ریشه داشتن برخی تحلیل‌های روز، در تحلیل اشتباه از حدیبیه..... ۷۲
- ۲-۶-۴. آیا اصل مبارزه مخصوص زمان اقتدار است؟..... ۷۳
- ۳-۶-۴. آیا نرمش قهرمانانه عقب نشینی از مواضع قبلی نظام است؟..... ۷۷

- ۷۷..... ۴-۶-۳-۱. نرمش قهرمانانه؛ یک تاکتیک، نه استراتژی
- ۸۲..... ۴-۶-۳-۲. نظر فقهی رهبر معظم انقلاب در موضوع مهاده.....
- ۸۴..... ۴-۷-۱. بررسی صلح امام حسن (علیه السلام).....
- ۸۴..... ۴-۷-۱. یک تاکتیک قهرمانانه؛ نه سازش ذلیلانه.....
- ۸۸..... ۴-۷-۲. عاشورا تکرار خواهد شد؛ نه صلح امام حسن (علیه السلام).....
- ۹۰..... ۵. اصل عدم تقیه.....
- ۹۰..... ۵-۱. تعریف تقیه.....
- ۹۰..... ۵-۲. تقیه در عصر ائمه (علیهم السلام).....
- ۹۴..... ۵-۳. جایگاه تقیه در دوران معاصر.....
- ۹۸..... ۶. اصل عدم حسن ظن و اعتماد.....

فصل سوم (ضمیمه):

گوشه‌ای از جنایات استکبار جهانی؛ آمریکا

- ۱۰۲..... مقدمه (جنایات مستکبران؛ از دیروز تا امروز.....)
- ۱۰۴..... الف) جنایات‌های صورت گرفته علیه ملت ایران.....
- ۱۰۴..... ۱. جنایات سیاسی.....
- ۱۰۵..... ۲. جنایات فرهنگی.....
- ۱۰۵..... ۱-۲. تحریم صدا و سیمای ایران و شبکه‌های بین المللی آن.....
- ۱۰۶..... ۲-۲. ساخت فیلم‌های ضد ایرانی.....
- ۱۰۸..... ۳. جنایات اقتصادی.....
- ۱۰۸..... ۱-۳. بلوکه کردن دارائی‌های ایران در آمریکا.....
- ۱۰۸..... ۲-۳. تحریم بانک‌ها، موسسات و ارگان‌های ایرانی.....
- ۱۱۰..... ۳-۳. تحریم شرکت‌های طرف قرارداد با ایران.....
- ۱۱۰..... ۳-۴. تحریم نفت و گاز ایران.....
- ۱۱۱..... ۴. جنایات امنیتی - نظامی.....
- ۱۱۱..... ۴-۱. کودتای ۲۸ مرداد.....

- ۲-۴. کودتای نوژه ۱۱۱.
- ۳-۴. حمله نظامی به طیس ۱۱۲.
- ۴-۴. ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران ۱۱۲.
- ۵-۴. کمک به عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران ۱۱۳.
- ۶-۴. ایجاد فتنه و اغتشاش در ایران ۱۱۴.
- ۷-۴. بمب گذاری و کشتار مردم بی گناه ۱۱۷.
- ۸-۴. ترور دانشمندان ایرانی ۱۱۹.
- ب) جنایات‌های صورت گرفته علیه اسلام و کشورهای اسلامی ۱۲۰.**
۱. کاهش جمعیت در دنیا ۱۲۰.
۲. تولید ویروس ایدز ۱۲۱.
۳. ماجرای ۱۱ سپتامبر؛ بهانه‌ای برای آغاز اسلام هراسی در جهان ۱۲۲.
۴. اشغال نظامی افغانستان به بهانه مبارزه با تروریسم ۱۲۲.
۵. حمله به عراق با هدف دفاع از اسرائیل ۱۲۲.
- ۱-۵. کشتار مردم بی‌دفاع در عراق ۱۲۳.
- ۲-۵. به تاراج بردن منابع انرژی عراق ۱۲۴.
- ۳-۵. ترور نخبگان و دانشمندان عراق ۱۲۵.
- ۴-۵. ایجاد فجایع فرهنگی در عراق ۱۲۵.
- ۵-۵. تهدید و توقیف اموال و دارایی‌های کشورهای اسلامی ۱۲۶.
۶. نسل‌کشی مسلمانان در میانمار ۱۲۷.
۷. تهاجم به لبنان برای در هم شکستن مقاومت حزب الله ۱۲۷.
۸. حمله به غزه و ارتکاب جنایات جنگی ۱۲۸.
۹. استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در کشتار مسلمانان ۱۲۹.
۱۰. آموزش تروریست و تأسیس گروه‌های شبه نظامی (طالبان و القاعده) ۱۲۹.
۱۱. ترویج فحشا و بی بند و باری در کشورهای اسلامی ۱۳۰.
۱۲. به خدمت گرفتن رسانه برای رسیدن به اهداف شوم خود ۱۳۱.
۱۳. توزیع مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان ۱۳۲.

۱۴. ممنوعیت استفاده از نمادهای اسلامی ۱۳۲
۱۵. اهانت به قرآن ۱۳۳
۱۶. اهانت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) ۱۳۴
۱۷. ایجاد و ترویج فرقه‌های ضاله ۱۳۵
- ۱۷-۱. شیطان پرستی ۱۳۵
- ۱۷-۲. فرقه‌های شبه مذهبی (بابیت، بهائیت و وهابیت) ۱۳۶
۱۸. تجهیز و حمایت همه جانبه از وهابی‌های سلفی ۱۳۸
- ۱۸-۱. جنایات وهابی‌های سلفی در کشورهای اسلامی ۱۳۹
- ۱۸-۱-۱. تخریب مساجد، تکایا، مشاهد شریفه ۱۴۰
- ۱۸-۱-۲. قتل عام عزاداران حسینی ۱۴۲
۱۹. ایجاد اختلاف و تفرقه بین مذاهب و گروه‌ها ۱۴۳

فصل چهارم (خاتمه):

وظیفه مسلمانان در برابر دشمنان اسلام

۱. اهتمام به امور مسلمانان و مظلومان جهان ۱۴۷
۲. ضرورت حفظ وحدت با اهل تسنن ۱۴۸
۳. شناخت دشمنان امروزی اسلام ۱۵۰
۴. نفرت و انزجار درونی از دشمنان اسلام ۱۵۱
۵. ابراز دشمنی و جهاد با مستکبران ۱۵۲

مقدمه

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَهُ»^۱

پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران در طول سه دهه شکوهمند و عزت آفرین به تمامی جهانیان، چیزی جز مقابله با نظام سلطه و استکبار جهانی به سرمداری آمریکا و صهیونیسم نبوده است. این مهم، به فضل و منّ الهی و رهبری‌های داهیان و مقتدرانه امام خمینی (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی (علیه السلام) و نیز، ایمان استوار و صبر انقلابی مردم شریف این مرز و بوم، به زیبایی هرچه تمام‌تر تحقق یافته است. برای تقویت بنیان‌های قوی «اصل استکبارستیزی» و این مواجهه مقدس، ضرورت ایجاب می‌نماید با ماهیت، ابعاد و آسیب‌ها و آفت‌های این واجب اسلامی و تکلیف قرآنی حیات بخش بیشتر آشنا شویم.

از آنجایی که یکی از ستون‌های اصلی ایمان، جهاد بوده و یکی از اصلی‌ترین شعبه‌های جهاد فی سبیل الله، «سَنَانُ الْفَاسِقِينَ» است^۲ و از طرفی، آمریکا مصداق بارز و نماد روشن فسق و فجور در این عصر است؛ و نیز طبق نص صریح کریمه «وَلَا يَرَاوُنَّ يِقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا»^۳ ممکن نیست کفر حربی و فسق جهانی

۱. بقره، آیه ۱۹۳.

۲. امالی مفید، ص ۲۷۸.

۳. مشرکان پیوسته با شما جنگ می‌کنند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند. (بقره، آیه ۲۱۷)

لحظه‌ای از عداوت و دشمنی با اسلام و امت اسلامی دست بردارد، شناخت دشمن و دشمنی او، امر واجبی است که هیچ‌گاه از اهمیت و ضرورت آن کاسته نخواهد شد. مجموعه مختصر پیش رو - که به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه تألیف گردیده است - می‌تواند گامی در جهت آشنایی مخاطبان ارجمند با مفاهیم قرآنی استکبار ستیزی و مرور اجمالی بر مبانی دینی آن باشد؛ انشاءالله. رسالت عظیم امت اسلامی در اقامه امر به معروف و نهی از منکر که همانا مبارزه با کفر و استکبار جهانی و عدم پذیرش استیلای آن است، ایجاب می‌نماید تا آحاد جامعه و جوانان غیور امت اسلامی در این مسیر، نهایت جهد و تلاش خالصانه خویش را به کار ببندند و برای احقاق حقوق مظلومان و مستضعفان جهان و مطالبه خون شهیدان نهضت عظیم بیداری اسلامی، از اصل قوم نبرد و ضدیت با ظالمان و زورگویان کافر و مشرک، غفلت نورزند.

در خاتمه، ضمن شکر نعمت بی‌بدیل ولایت و رهبری عزتمند و اقتدار آفرین امام مسلمین - حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (دام‌الله‌عزله) - و آرزوی نصرت و فتح نهایی برای لیبیک گویان به ندای حضرتش در سراسر جهان، به مقام شامخ شهدای این آرمان مقدس و عظیم، تعظیم می‌نماییم. همچنین از تلاش و همت مؤسسه راه فخرالائمه (علیهم السلام) که ما را در انجام این مهم یاری نموده‌اند، قدردانی می‌نماییم.

معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

فصل اول: ویژگی ها و شاخصه های رفتاری مستکبران

۱. تعریف استکبار و مصادیق آن
۲. ویژگی ها و خصوصیات مستکبران



۱. تعریف استکبار و مصادیق آن

استکبار و مشتقاتش از مفرداتی هستند که در آیات شریفه قرآن کریم بسیار استعمال شده است. می‌توان گفت این کلمه یکی از کلیدواژه‌های ادبیات وحی، هنگام نقل داستان‌ها و وقایعی است که در آن متمرّدین و گردن‌کشان، نقش اول را داشته‌اند. از محوری‌ترین آیات قرآنی در رابطه با شرح نافرمانی شیطان از امر الهی، این آیه است:

«وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوْا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوْا اِلَّاۤ اِبْلِیْسَۙ اَبٰی وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكٰفِرِیْنَ»^۱ و چون به ملائکه گفتیم برای آدم سجده کنید پس همه سجده کردند بجز ابلیس که از این کار امتناع کرد و کبر ورزید و او از کافران بود.

«کبر»، «تکبر» و «استکبار» از نظر مفهوم لغوی هم خانواده و به هم نزدیکند. که همه اینها ریشه در قلب معیوب^۲ دارد. «کبر» حالت

۱. بقره، آیه ۳۴.

۲. چنانچه قلب اگر معیوب باشد و آفت خودبینی و خودخواهی در آن متمکن شود، کبر در آن حاصل شود. و آن حالتی است نفسانی که حالت بزرگ دیدن خود و بالاتر دیدن خود از دیگران است. و اگر بر طبق این حالت نفسانی رفتار کند، و در ظاهر بزرگی فروشد بر بندگان خدا، گویند: تکبر کرد. و اگر از

خاصی است که در انسان به واسطه خودشگفتی و اعجاب از خویش، حاصل می‌شود. در این حالت انسان خود را از دیگران برتر می‌بیند. بزرگ‌ترین کبرها نیز خود بزرگ بینی در برابر خداوند است که نتیجه امتناع از قبول حق است.^۱ لغت «تکبر» نیز دارای همان مفهوم برتری ناحق است. البته غیر از این معنای مذموم، دارای معنای پسندیده‌ای است که از صفات حضرت حق است و جز برای او استفاده نمی‌شود.^۲

ابلیس در هنگام امتناع و تخلف از دستور پروردگار برای سجده بر حضرت آدم (علیه‌السلام) خود را بزرگ می‌پنداشت و برای خود جایگاه خاصی را تصور می‌نمود که هرگز لیاقتش را نداشت. این حالت که از ردائیل باطنی است، «استکبار» نامیده می‌شود. به همین جهت متکبر و کبر همیشه معنای مذمومی را ندارد؛ ولی استکبار همیشه معنای ناپسندی را به همراه دارد، چون استکبار طلب بزرگی کردن است و مستکبر مدعی جایگاه رفیعی است که استحقاق آن را ندارد. مستکبر یا نسبت به خالق و یا در برابر مخلوق برتری جویی می‌کند. او در برابر خدا طلبکارانه جایگاهی را برای خود می‌پندارد، چون خود را در مقایسه با خالقش بی نقص می‌داند.

روی این کبرپناه نفسانی نافرمانی و سرکشی کند، گویند: استکبار نمود. پس استکبار نافرمانی و سرکشی حاصل از کبر است، و آن در مقابل استسلام است که انقیاد صوری از روی تسلیم باطنی است. پس، نه هر انقیادی استسلام است و نه هر نافرمانی و سرکشی استکبار است.» (امام خمینی (قدس سره)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۹۷ و ۳۹۸).

۱. بنگرید به: محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۴۳۱ و ۴۳۲.

۲. در آیه شریفه ۲۳ سوره حشر حضرت حق این گونه توصیف شده است: «الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ»؛ یعنی صفات پسندیده خداوند متعال در هر حالتی بر صفات نیکوی غیر از او برتری دارد و واقعا هم این خصوصیت در ذات او موجود است. (بنگرید به: حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق، غلامرضا خسروی، ۴ جلد، مرتضوی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش، ص ۲۹۵-۲۹۴).

هنگامی هم که با کسی مانند خودش مستکبرانه رفتار می‌نماید، دلیلش این است که هرگز خودش را مانند او محتاج و فقیر نمی‌داند تا شخصیتش را با دیگری یکسان ببیند.^۱

به بیان دیگر «استکبار، یعنی گردن کلفتی و قلدری و آدمکشی و شرم نکردن و ابا نکردن و تجاوز توأم با وقاحت و سر را بالا گرفتن و سینه را سپر کردن»^۲ که ضد آن انقیاد و تسلیم پذیری نسبت به حق است.^۳ استکبار و مستکبرین از ابتدای تاریخ بشریت خط مقابله با حق و اصحاب آن را تشکیل داده اند و در مقاطع مختلف دوران‌های تاریخی ماهیت و هویتشان را در قالب مصادیق گوناگون حفظ نموده اند:

«اولین مستکبر در تاریخی که قرآن برای ما ترسیم می‌کند، ابلیس است: «أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ». او، اولین مستکبر است. ممکن نیست فرض کنیم که یک مسلمان یا مؤمن یا موحد، حتی یک روز یا یک لحظه، از دشمنی با ابلیس و شیطان منصرف بشود. اصلاً خط اسلام، یعنی خط ضد ابلیس و شیطان. در طول دعوت انبیا، مستکبران کسانی بودند که دعوت الهی و توحید را قبول نکردند و با آن به مقابله برخاستند و زور گفتند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ» وقتی

۱. بنگرید به: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ۲۰ جلد، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۳۸۶ و ۳۸۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با روحانیون، مسئولان و گروهی از اقشار مختلف مردم شهرهای دامغان، رفسنجان، بندرگز، شهریار و زاهدان، مسئولان و کارکنان هواپیمایی جمهوری اسلامی، مسئولان و کارکنان سازمان حفاظت اطلاعات ارتش و مسئولان و مربیان نهضت سوادآموزی، ۱۳۶۸/۱۰/۶.

۳. بنگرید به: شرح اصول الکافی (صدرا)، محمد بن ابراهیم صدر الدین شیرازی، ۴ جلد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ اول.

پیامبر سخن حق می‌گوید و مردم را به حق دعوت می‌کند، مستکبران می‌گویند: اگر زیاد حرف بزنی، تو را اخراج می‌کنیم! این لحن زورگویانه، در مقابل داعی به حق است. این، معنا و تصویری روشن از استکبار است که در دنیای امروز، همان نظام سلطه می‌باشد.^۱

۱. بیانات معظم له در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، به مناسبت سیزدهم آبان ماه (روز ملی مبارزه با استکبار)، ۱۳۶۸/۸/۱۰.

۲. ویژگی‌ها و خصوصیات مستکبران

۲-۱. پیمان شکنی (بی‌اعتنایی به تعهدات و قراردادهای)

مستکبران هر عصر، همان پیشوایان جبهه کفر و باطل اند که در بسیج تمام نیروها و استعدادهای شیطانی علیه حق از هیچ کوششی فرو گذار نیستند. در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های بنیادی آنها، پیمان شکنی و عدم وفای به قراردادهای و عهدشان با مسلمانان معرفی شده است. باور به این که مستکبران و سردمداران کفر به هر نوع تعهد دوجانبه و هر پیمان‌نامه‌ای متعهد باقی خواهند ماند و آن را محترم می‌شمرند، سرابی بیش نیست. چرا که تنها ابزاری که شاید آنها را نسبت به پیمان‌ها متعهد نماید، جنگ و نبرد علیه آنها و نه خوش گمانی و اعتماد به قول و قرارهایی است که غدارهای مستکبر خود را به آن وفادار نشان می‌دهند:

«وَ إِنْ نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلَمَّةَ الْكُفْرِ

۱. «امریکایی‌ها به شدت غدار و پیمان شکن هستند به گونه‌ای که حتی با هم پیمانان نزدیک خود در منطقه، دوستی حقیقی ندارند بنابراین به هیچ یک از وعده‌های آنان نمی‌توان و نباید اعتماد کرد» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با نخست وزیر عراق ۱۳۸۷/۱۰/۱۵).

إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ»^۱ و اگر پیمان‌هایشان را پس از تهددشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه و عیب جویی گشودند، در این صورت با پیشوایان کفر بکنید که آنان را [نسبت به پیمان‌هایشان] هیچ تعهدی نیست، باشد که [از طعنه زدن و پیمان شکنی] باز ایستند.

۲-۳. هدایت مستکبران از سوی شیطان

ابلیس که خود سرحلقه مستکبرین و گردنکشان عالم است؛ وظیفه هدایت، دست‌گیری و خط‌دهی به دیگر مستکبران را بر عهده دارد و بنا بر محتوای آیات شریفه قرآن، او یاران و دوستان خویش را با القای رهنمودهای پنهانی و یا آشکار،^۲ به سوی انجام جرم و جنایت علیه رهبران حق و رهروان آنها یاری می‌رساند:

«وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَكَايُودُونَ إِلَىٰ

۱. توبه، آیه ۱۲.

۲. «قریش در دار الندوه اجتماع کردند و درباره کشتن رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مشورت نمودند، ابلیس لعین بصورت پیر مردی از قبیله مضر نزد آنان آمد و آراء آنان این‌طور تصویب شد که از هر قبیله‌ای از آنان یک نفر با شمشیر خود خارج شود، و کلبه آنان به یک ضربت پیغمبر خدا را بکشند. این اقدام در آن سالی بود که حضرت ابو طالب و خدیجه کبری از دنیا رفته بودند. خدای عزیز پیغمبر خود را از این مشورت شوم خبردار کرد، آن حضرت را دستور داد که از مکه معظمه به سوی مدینه خارج گردد و علی بن ابی طالب علیه السلام را به جای خود بخواباند، پیغمبر خدا این دستور را عملی کرد.» (بنگرید به: محمد بن مسعود، عیاشی، تفسیر العیاشی، ۲جلد، چاپ اول، المطبعة العلمیة، تهران، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۵۳؛ و نیز: علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر القمی، ۲جلد، چاپ سوم، دار الکتاب، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۲؛ و نیز: محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد محقق و مصحح، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، چاپ اول، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۵۰؛ و نیز: محمد بن الحسن، طوسی، الأمالی، ۱ جلد، چاپ اول، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۰).

أُولَئِكَ هُمُ الْمُجَادِلُونَ وَ إِنِ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ؛^۱ و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید! این کار گناه است و شیاطین به دوستان خود مطالبی مخفیانه القا می‌کنند، تا با شما به مجادله برخیزند اگر از آنها اطاعت کنید، شما هم مشرک خواهید بود.

۲-۳. رویگردانی از حق

۲-۳-۱. تکذیب آیات الهی

شیوه رفتاری مستکبران تاریخ از همان ابتدا که در برابر آیات الهی و نشانه‌های هدایت خدایی قرار می‌گرفتند؛ تکذیب و انکار بوده است. خداوند تکذیب و مقاومت در برابر حقایق و نشان‌های خویش را عادت فرعونیان معرفی می‌نماید:

«كَذَّابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَآخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛»^۲ (عادت آنان در انکار و تحریف حقایق)، همچون عادت آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند. آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت و خداوند، شدید العقاب است.

ابوجهل در برابر دعوت پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نشانه‌ای مانند معجزات پیامبران اولوالعزم پیشین که سخن ایشان را از جانب خدا اثبات نماید، مطالبه نمود و به اذن خدا تمام آن معجزات همان‌گونه که او طلبیده بود، در برابر چشمان او و همراهانش اتفاق افتاد اما بهره‌ای از این

۱. الأنعام، آیه ۱۲۶.

۲. آل‌عمران، آیه ۱۱.

مستکبر عصر رسالت، جز تکذیب و انکار نشد.^۱ همان فرعون مآبی هم اکنون نیز در رفتار و گفتار سردمداران دیکتاتور کاخ سفید و سیاست مداران خودخواه غربی تبلور یافته است.

۲-۳-۲. تکذیب حق طلبان و افترا زدن به آنها

یکی از حربه‌های قدیمی دشمنان علیه مکاتب و نظام‌های توحیدی، افترا^۲ و اتهام دروغ‌گویی به جبهه حق است. آنها برای از کار انداختن نفوذ کلمه حق در میان ملتها و توده‌ها، چاره‌ای جز تکذیب رهبران الهی ندارند. اگر فرعون با وارونه‌نمایی حقیقت، و تبلیغات کذب؛ موسی (علیه‌السلام) را دروغگو معرفی ننماید و در صدق راهی که ولی حق مردم را به آن دعوت می‌نماید با تکذیب او تردید نیفکند، وسعتی برای جولان دادن و قدرت‌نمایی ندارد. این آیه شریفه بیانگر این ویژگی فرعونیان است:

«وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِي مُوسَى وَإِنِّي لأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ»^۳ فرعون گفت: ای جمعیت اشراف! من خدایی جز خودم

۱. بنگرید به: احمد بن علی، طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محقق و مصحح محمد باقر خراسان، جلد، چاپ اول، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۴۰.
۲. «دائماً مشغول افترا زدند به جمهوری اسلامی. دائماً راجع به این که در جمهوری اسلامی حقوق بشر دارد از بین می‌رود و جاهای دیگر نه! حقوق بشر سر جای خودش هست. امریکا سر جای خودش هست و رؤسای استکبار حفظ می‌کنند حقوق بشر را! فقط در ایران است که حقوق بشر از بین می‌رود! این برای این است که، مضطرب‌اند اینها. از اسلام اضطراب دارند، از این که اسلام پیشبرد بکند اینها می‌ترسند. از این جهت، این طور می‌گویند و این موجب تقویت شما بشود.» (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۱۸).

۳. قصص، آیه ۳۸.

برای شما سراغ ندارم. (اما برای تحقیق بیشتره) ای هامان، برایم آتشی بر گل بیفروز (و آجرهای محکم بساز)، و برای من برج بلندی ترتیب ده تا از خدای موسی خبر گیرم هر چند من گمان می‌کنم او از دروغگویان است.

در روایات آمده است گروه مشرک مستکبر جاهلیت عرب هم هنگامی که رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در کنار کعبه مشغول بیان آیات وحی بود، برای توقف نهضت در حال پیشرفت اسلام، چاره‌ای جز تهمت زنی به ایشان نیافتند و از میان ولید بن مغیره مخزومی، ابوالبختری عاص بن هشام، ابو جهل، عاص بن وائل، عبد الله بن حذیفه مخزومی زبان به تکذیب رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گشود.^۱ هنوز صدای همان مشرکان عصر جاهلیت در نطق‌ها و سخنرانی‌های به ظاهر متمدنانه مشرکان علیه اسلام و قرآن به گوش می‌رسد.^۲

۲-۴. زورگویی، استضعاف ملت‌ها و تحقیر ارزش‌های الهی

یکی دیگر از خصایص و علائم ذاتی قدرتمندان و مستبدان تاریخ، زورگویی و حقیر شمردن دیگران است. آنها هم در بیان، مردمی را که بر آنها تسلط دارند حقیر می‌شمارند، هم از هیچ اقدامی برای استخفاف و

۱. بنگرید به: الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۳۶.

۲. «من تعجب می‌کنم چرا این‌ها از گذشتگان خودشان و از این شانزده سال، عبرت نمی‌گیرند؟! دائم علیه جمهوری اسلامی و ملت و مسئولین ایران باوه‌گویی و دروغ‌پراکنی می‌کنند! سران و بزرگان آن‌ها، دائم راجع به جزایر خلیج فارس، تسلیحات ایران، انرژی اتمی و سلاح شیمیایی دروغ‌پراکنی می‌کنند. اگر روزنامه‌ها بنویسند، آدم می‌گوید خب؛ روزنامه‌نگارند. برای نشان مجبورند دروغ بگویند! رؤسای مجلس و رئیس جمهورشان می‌گویند! انسان تعجب می‌کند که چرا یک نظام، باید این قدر دچار انحطاط و نکبت معنوی شود، که به درون این مزبله‌ی دروغ‌گویی بیفتند!» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در «صحن امام خمینی» حرم حضرت علی بن موسی الرضا (ع) ۱۳۷۴/۱/۳).

خوار کردن ملت‌ها و انسان‌ها غفلت نمی‌کنند.^۱ رمز حیات آنها در به ذلت کشاندن کسانی است که در برابر آنها مقاومت می‌کنند و برای این که برای همیشه بر منابع و استعدادها و امکانات ملت تحت سیطره خویش مسلط باقی بمانند، باید نسل و حرث آنها را این گونه خوار نمایند:

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»؛^۲ فرعون در آن سرزمین برتری جست و مردمش را فرقه فرقه ساخت. فرقه‌ای را زبون می‌داشت و پسرانشان را می‌کشت و زنانشان را زنده می‌گذاشت که او از تبهکاران بود.

مستکبران با استفاده از جنگ روانی از هیمنه دروغی خود بت^۳ قدرتمندی می‌سازند و با وادار کردن انسان‌ها به کرنش و اطاعت‌پذیری، آنها را بنده خویش می‌کنند:

«فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛^۱ فرعون قومش را

۱. «مستکبرین، جهان را از آن دید خاص استکباری خود و آن بیماری روحی که در آنها هست نگاه می‌کنند. و این بیماری موجب این شده است که توده‌های بزرگ ملت‌ها را اینها از جهان حساب نمی‌کنند» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۸۸).

۲. قصص، آیه ۴.

۳. «امروز البته از «لات» و «منات» و «عزی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناک تر از آن، بت‌های زر و زور استکبار و نظام‌های جاهلی و استکباری است که همه فضای زندگی مسلمان را در کشورهای اسلامی فرا گرفته است. بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمانان، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می‌شوند، بت قدرت امریکا است که هم شیون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمانان را در قبضه گرفته و ملت‌ها را خواه و ناخواه در جهت منافع و اغراض خود - که نقطه مقابل مصالح مسلمانان است - حرکت می‌دهد. عبادت، همین اطاعت بی‌چون و چراست که امروز در برابر خواست استکبار و در رأس آن امریکا، بر ملت‌ها تحمیل می‌شود و آنان با شیوه‌های گوناگون، به سمت آن سوق داده می‌شوند». (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در کنفرانس بین‌المللی حمایت از مردم فلسطین ۱۳۷۰/۷/۲۷).

دلیل و زبون داشت تا همه مطیع و فرمان‌بردار او شدند و آنها مردمی تبه‌کار بودند.

قرآن این دسته مغرور را این گونه معرفی می‌نماید که هرگاه پیامبران الهی آنها را به سوی پذیرفتن مکتب توحیدی و ارزش‌های خدایی فرا می‌خواندند، داعیان حق و یاران مستضعف او را حقیر و ناچیز می‌شمردند:

«فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَ مَا تَرَاكَ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئِ الرَّأْيِ وَ مَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ»؛^۲

اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، جز گروهی اراذل ساده‌لوح، مشاهده نمی‌کنیم و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی‌بینیم بلکه شما را دروغگو تصور می‌کنیم.

بی‌منطقی، ظلم و کوچک دانستن پیروان حق و محرومان عالم، اجزاء لاینفک رفتار مستکبران است. اصولاً «بنای استکبار و زورگویی در عالم این است که همه دولت‌ها و به تبع آنها همه ملت‌ها را وادار کند تا منطبق زور و ظلم و بی‌انصافی او را بپذیرند و از همان راه حرکت کنند.»^۳ میراث فرعون - این نماد قرآنی استکبارورزی^۴ و قدرت‌طلبی - هم اکنون

۱. زخرف، آیه ۵۴.

۲. هود، آیه ۲۷.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار گروهی از کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته‌ی معلم ۱۳۸۱/۲/۱۱.

۴. «ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَ أَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَاسْتَجَبُوا وَ كَانُوا قَوْمًا عَالِينَ فَقَالُوا أ نُّؤْمِنُ بِشِرْتَيْنِ إِثْمَانًا وَ قَوْلُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ»؛ سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و دلیلی روشن فرستادیم بسوی فرعون و اطرافیان اشرافی او اما آنها تکبر کردند، و آنها مردمی برتری‌جوی بودند. آنها گفتند: آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها بردگان ما هستند؟! (مؤمنون، آیات ۴۵ تا ۴۷).

در دستان فرارنده معاصر و نظام سلطه بین‌المللی است. سلطه طلبان امروز برای دیگر ملت‌ها حق حیات قائل نیستند^۱ و انسان‌ها را برده خویش می‌پندارند و سعی دارند تا ملت‌های اهل مقاومت را با تحقیر و خوار شمردن از میدان ایستادگی بیرون کنند.^۲

۲-۵. جهان خواری (داعیه‌ی تسلط بر جهان) و استعمارگری

ادعای تسلط بر تمام جهان و استعمار و استثمار سرمایه‌های جوامع بشری نیز ریشه در همان خودبرتربینی و استعلائی منفی مستکبران دارد. مستکبران همواره قلمروی حاکمیت خویش را نامحدود دانسته و با

۱. «واقعیت این است که دول استعماری... خصوصاً آمریکا... عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت‌ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت‌ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمول‌ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام‌های دست‌نشانگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. و منافع جهان‌خواران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد.» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۹).

۲. «هر تبری از هر طرف رها شود به سوی ایران و به جرم اسلامی بودن آن است و هر صدایی از هر گوشه جهان از هر حلقوم و از هر موج رادیویی برای منطقه بلند شود در رأس برنامه‌هایشان تضعیف و توهین و تحقیر ایران است.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۶۸).

«این قدرتهای خادع حلیه‌گر مکار درجه‌ی اول دنیا همه امروز متوجه جمهوری اسلامی‌اند و سیاستشان در مورد جمهوری اسلامی این است که این نظام و ملت ایران را تحقیر و استهزاء و تخطئه کنند و بگویند شما اشتباه می‌کنید که برطبق عرف پذیرفته‌شده‌ی دنیا عمل نمی‌کنید» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه ۲۰/۱۱/۱۳۷۴)

استضعاف کشیدن صاحبان اصلی ممالک، ثروت‌های خدادادی آن را چپاول می‌نمایند و دست رنج تلاش و کوشش ملت‌ها را استعمار می‌کنند و زمین را جولانگاه اعمال مستکبرانه خود قرار می‌دهند.

«وَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَ مَا كَانُوا سَابِقِينَ»^۱؛ و فرعون و هامان و قارون هم با آنکه موسی با معجزات باهره و روشن برای هدایتشان آمده بود سرکشی و طغیان نموده و در روی زمین به فساد پرداخته، نتوانستند بر قهر خداوندی سبقت گرفته و راه نجاتی بدست نیاوردند.

قارون‌ها و فرعون‌ها و هامان‌ها، همیشه اصلی‌ترین عامل فساد در جهان هستند، فقط شکل و قالب استعمارگری و جهان‌خواری‌شان در هر مقطع تاریخی متفاوت است. اما فرعون‌گری که همان داعیه گسترش هیمنه خویش بر همه زمین^۲ و استعمار دیگران است، هیچ‌گاه در منش مستکبران محو نگردیده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی بر همین مبنا دولت آمریکا را این‌گونه معرفی می‌نماید:

«آنچه که امروز دولت امریکا دنبال می‌کند، در روح و معنا، همان چیزی است که استعمارگران در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم دنبال می‌کردند. آن روز هم دولت‌های اروپایی حرفشان این بود که ما به منابع حیاتی این کشورها احتیاج داریم. پس، وارد می‌شویم و استعمار می‌کنیم.»^۳

۱. عنکبوت، آیه ۳۹.

۲. «إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُرْسِفِينَ»؛ فرعون، فرعون در زمین جاه طلب و مسرف بود. (یونس، آیه ۸۳).

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) در ۱۴/۳/۱۳۷۴.

۶-۲. ارباب مخالفان، خشونت و سفاکی

قدر مآبی، تهدید و ارباب، یکی از حربه‌های حکام مستبد و جبههٔ باطل علیه طرفداران و حامیان جبهه حق و خارج ساختن ایشان از میدان مبارزه و مقاومت در برابر ستمگری و جنایات مستکبران است.^۱ فرعون قبل از هر کاری با تهدید به شکنجه و مرگ زجرآور قصد داشت ساحران نو ایمان درگاهش را با ترس از موسی (علیه‌السلام) جدا نماید:

«قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرٌ كُفُّوا أَلْسِنَهُمْ السَّحَرُ فَلَا قُطْعَانَ
أَيْدِيكُمْ وَ أَرْجُلِكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَ لَأَصْلَبِنَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَ لَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا
أَشَدُّ عَذَاباً وَ أَلْبَسَ»؛^۲ (فرعون) گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اذن دهم
به او ایمان آوردید؟! مسلماً او بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته
است! به یقین دستها و پاهایتان را به طور مخالف قطع می‌کنم و شما
را از تنه‌های نخل به دار می‌آویزم و خواهید دانست مجازات کدام یک
از ما دردناکتر و پایدارتر است.

البته آنها هیچ‌گاه از قتل، غارت، جنایت و ذبح بی‌گناهان و مظلومانی
که در چنبرهٔ ظلم و طغیانشان گرفتار بودند، و از سفاکی علیه یاوران جبههٔ
حق و کسانی که در مقابل آنها ایستادگی می‌کنند، ابایی نداشته‌اند. از طلیعهٔ
تاریخ بشریت تاکنون کار همیشگی^۳ جنایتکاران قدرت طلب ریختن خون
عدالت‌طلبان و موحدان بوده است:

۱. «ابر قدرت‌ها خصوصیت شان همین است که سعی می‌کنند ملت‌ها را با ارباب، با تهدید و با ترساندن،
از میدان خارج کنند؛ می‌دانند که با ملت‌ها نمی‌شود کشتی گرفت.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت علی علیه‌السلام ۱۳۸۷/۴/۲۶).

۲. طه، آیهٔ ۷۱.

۳. «یکفرون» و «یقفلون» دلالت بر استمرار دارند. یعنی کفر و جنایت‌گری همیشه لازم و ملزوم یکدیگر
بوده‌اند و کشتار انبیای الهی و مؤمنانی که علیه ظلم می‌ایستند، کار همیشگی مستکبران جهان است.
(بنگرید به: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۳).

«إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يُأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»^۱؛ همانا کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و از مردم کسانی را که امر به قسط و عدل می‌کنند به قتل می‌رسانند، آنها را به عذابی دردناک بشارت ده.

تنها تفاوت مصادیق استکباری جهان معاصر با ادوار تاریخی گذشته بشری از حیث جنایت‌گری و سفاکی، در این است که کفار امروزی با این که دستشان تا مرفق در خون مظلومان و مستضعفان و حق‌طلبان جهان قرار دارد، اما خونسرد و آرام مدعی داعیه‌های بزرگ هستند و باید متوجه بود که «این مجموعه‌ای که امروز دارند داعیه حاکمیت بر دنیا را بر روی دوش خود حمل می‌کنند و مظهر فاجعه‌آفرینی و ضدیت با حقوق انسان و وحشی‌گری کامل هستند، ادعا می‌کنند که طرف‌دار حقوق بشرند!... واقعاً برای نسل بشر امروز ننگی از این بالاتر نیست که یک چنین انسان‌هایی، یک چنین وحشی‌هایی؛ گرگ‌های خون‌آشام و درنده، ادعا کنند که طرف‌دار حقوق بشرند.»^۲ در حقیقت «زیر این ظاهر انسانی تمیز، مرتب، ادکلن‌زده و و کراوات و پاپیون بسته، یک سگ وحشی خوابیده است»^۳ و نباید این ظاهر آراسته و دل‌فریب ما را از آن باطن جلادانه غافل نماید.

۱. آل عمران، آیه ۲۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی ۱/۰۴/۱۳۸۳.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار طلاب و اساتید مدرسه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله مجتهدی ۱۳۸۳/۳/۲۱.

۷-۲. دنیاپرستی و ترویج فرهنگ مادی

اتراف^۱ و ثروت‌اندوزی نامشروع^۲ که از شاخصه‌های قرآن برای معرفی حاکمیت‌های ستمگر و ناحق است، در تمام کنش‌های نظامات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی دولت‌ها و حکومت‌های جهنمی و استکباری ریشه دوانده است. تمدن و فرهنگ مادی‌ای که نظام سلطه‌گر^۳ جهانی بنیان‌گذار آن در دو سده اخیر بوده است، به تمام معنا بر محوریت حیات مادی استوار گشته است. می‌توان در این آیه شریفه ویژگی‌های محوری تمدن شرک‌آلود و دنیا پرستانه استکباری را یافت:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ»؛^۴ بدانید که زندگی پست (دنیا) بازی و سرگرمی و زیور و فخر فروشی در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است.

هم اکنون همین فرهنگ دنیاپرستی و غفلت از معنویت مستکبران مانند تیغی دو دم و حتی خطرناک تر از سلاحشان،^۵ نسل‌ها و حرث‌های

۱. «إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ»؛ آنان (اهل جهنم) پیش از آن در دنیا از ثروتمندان طغیان‌گر بودند. (واقعه، آیه ۴۵).

۲. «يَوْمَ يُخَمِّي عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْرَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُرِفُوا مَا كُنْتُمْ تُكْذِرُونَ»؛ روزی که در آتش جهنم گداخته شود و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ کنند. این است آن چیزی که برای خود اندوخته بودید. حال طعم اندوخته خویش را بچشید. (توبه، آیه ۳۵).

۳. «این غرب یا شرق که سلطه پیدا کرده است بر همه ممالک اسلامی، مهمش این سلطه فرهنگی بوده است.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۱۹).

۴. حدید، آیه ۲۰.

۵. «فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه‌کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ فرهنگ استعماری و انگلی است. و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از این اسلحه این قلدرها بدتر است.» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۶).

ملت‌ها را نشانه رفته است و «دست‌های سردمداران و شبکه‌های اختاپوسی مادی، از یکی دو قرن پیش، دنیا را به سوی مادی‌گری سوق داده و ملت‌ها را در منجلاب مادی‌گری غرق کرده است. امروز دنیا در جهت‌گیری خود و راهی که قدرت‌ها و دولت‌ها برای آن پیش‌بینی می‌کنند، نه تنها هیچ جنبه معنوی ندارد، بلکه به طرف مادی‌گری حرکت می‌کند و معنویات را از انسان‌ها سلب می‌نماید.»^۱

۲-۸. حماقت و نادانی

قرآن کریم حماقت و سفاهت را از ویژگی‌های اصلی مشرکینی می‌داند که از پذیرش دین حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) سر باز می‌زنند و متکبرانه و لجوجانه در برابر موحدان و مؤمنان صف آرای می‌کنند:

«وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ»^۲ و چه کس از آیین پاک ابراهیم روی گرداند به جز مردم بی‌خرد؟! زیرا ما ابراهیم را در دنیا (به شرف رسالت) برگزیدیم و البته در آخرت هم از شایستگان است.

رهبران مشرک سلطه‌گر دولت‌های زورگوی امروز نیز از آنجا که توحید را نپذیرفته‌اند و تمام کوشش آنها غلبه بر موحدان و محو آثار دینداری در جهان است، مصداق کامل نادانی و سفاهت‌اند. علاوه بر منش متکبرانه و اعجاب نفسی^۳ که در آنها وجود دارد؛ موضع‌گیری‌ها،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۷۴.

۲. بقره، آیه ۱۳۰.

۳. قال علی علیه السلام: «مِنَ اِخْتَالِ فِي وِلَايَتِهِ اَبَانٌ عَن جَمَاعَتِهِ»؛ هر کس متکبرانه حکومت کند کم عقلی و حماقت خویش را نمایان ساخته است. (لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ) (لیثی)، مصحح: حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، ناشر، دار الحدیث، قم ۱۳۷۶ ش، ص ۴۴۰.

برنامه ریزی‌ها و تدابیر ایشان جز بر محور نادانی و حماقت قابل تفسیر نیست.^۱

۲-۹. دروغ‌گویی، شایعه‌پراکنی و اختلاف افکنی

غیر از ویژگی «تکذیب» حقانیت موحدان و اتهام دروغ‌گویی به مؤمنان که توضیح آن گذشت،^۲ کافران مستکبر خود دروغ‌گو و کذاب هستند. خداوند در قرآن کریم مشرکان و مستکبران را مطیع و پیرو خیالات و اوهام می‌داند و به همین جهت بر زبان آنها جز دروغ و گزافه‌گویی جاری نمی‌شود:

«إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تُخْرِصُونَ»؛^۳ همانا شما (مشرکان) جز از خیالات باطل پیروی نمی‌کنید و جز به گزافه و دروغ سخن نمی‌گویید. آنها همیشه در صحبت کردن و قضاوت نمودن حق را نمی‌گویند و همان‌گونه که گذشت^۴ چون شیطان آنها را - که دوستانش هستند - هدایت می‌کند، آنها هم القائات ابلیس را - که جز دروغ و کذب نیست - بر زبان می‌آورند. این خصوصیت مستکبرین در این آیات این‌گونه شرح داده شده است:

«هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَ

۱. «امروز بر اثر گستاخی و بی‌پروایی حماقت‌آمیز زمامداران آمریکا و انگلیس، نقاب خدعه و نفاق آنان شکاف برداشته و نفرت از این مستکبران، به دست خودشان دل ملت‌ها و جوانان مسلمان را انباشته است.» (پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به کنگره عظیم حج ۱۳۸۳/۱۰/۲۹).

۲. بنگرید به: فصل اول از همین اثر، دروغ‌گو شمردن حق‌گویان.

۳. انعام، آیه ۱۴۸.

۴. بنگرید به: فصل اول از همین اثر، هدایت مستکبران از سوی شیطان.

أَكْفُرُهُمْ كَاذِبُونَ»^۱ آیا به شما خبر بدهم شیاطین بر چه کسی نازل می‌شوند؟ آنها بر هر دروغگوی گنهکار نازل می‌گردند شیاطین آنچه را می‌شنوند توأم با دروغ‌های بسیار به دوستان خود القاء می‌کردند، و اکثرشان دروغگو هستند.

امروزه نیز دروغ، تار و پود نظام‌های ظالم را تشکیل داده است و «دنیای امروز، دنیای دروغ، دنیای زور، دنیای شهوترانی و دنیای ترجیح ارزش‌های مادی بر ارزش‌های معنوی است... صاحبان قدرت، یک نظام و بساط مادی‌ای در دنیا چیده‌اند که در رأسش قدرتی از همه دروغ‌گوتر، فریب‌کارتر، بی‌اعتناتر به فضایل انسانی و نسبت به انسان‌ها بی‌رحم‌تر مثل قدرت امریکا است.»^۲ آنها به وسیله شایعه پراکنی که شیرازه اش بر دروغ استوار است، سعی می‌کنند امیدها را به یأس تبدیل کنند و یا چهره‌ای وارونه از یک ملت مقاوم در جهان نشان دهند. «مثلاً موضوع تضييع حقوق بشر که ممکن است عده‌ای در دنیا آن را واقعاً باور کنند، از جعلیات همین‌هاست می‌گویند: حقوق بشر در ایران، تضييع می‌شود... می‌گویند: ایران تروریست است... مقصود از این تبلیغات و شایعه‌سازی‌ها چیست؟ مقصود این است که آن وجهه‌ی عظیمی را که انقلاب اسلامی در میان مسلمانان و حتی غیرمسلمانان دنیا پیدا کرده است از بین ببرند. منشأ همه‌ی اخبار دروغ و غلطی که در خبرگزاری‌ها و تبلیغات است، این‌هاست.»^۳

۱. شعراء، آیات ۲۳۳-۲۳۱.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان گردان‌ها، گروهان‌ها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در سالروز شهادت امام سجاد (ع) ۱۳۷۱/۴/۲۲.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه‌ی سوم رمضان ۱۴۱۵، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴.

آنها برنامه منسجمی هم برای تکه تکه کردن اتحاد امت اسلامی داشته‌اند و دارند و اختلاف افکنی بین مسلمانان، شیوه دیرینه شان است. در حالی که «یکی از دستورات قرآن این است که احاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند؛ دست در دست یکدیگر بگذارند. وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا... [و] نقطه مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. یک عده، یک عده‌ی دیگر را تکفیر کنند، لعن کنند، خود را از آنها بری بدانند.»^۱

۱۰-۲. خدعه و نیرنگ، افساد با شعار اصلاح

کار جبهه باطل و کافر - اگر سد مقاومتی از ایمان و ایستادگی جبهه حق در مقابل خود نبیند - فتنه انگیزی و فساد در زمین است:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»^۲ و آنان که کافر شدند نیز بعضی دوستدار و مددکار یکدیگرند، و شما مسلمانان اگر آن را که خدا دستور داده است کار نبندید، همانا فتنه و فساد بزرگ روی زمین را فرا خواهد گرفت.

مستکبران خودخواه همیشه مدعی‌اند که بهترین راه زندگی انسان‌ها همان نسخه‌ای است که در دست آنها است و نظام فکری و عملکرد رفتاری فاسد خویش را برترین برنامه به سعادت رساندن و اصلاح توده‌ها و ملت‌ها می‌دانند. فرعون مستبد مدعی بود که:

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با شرکت‌کنندگان مسابقات بین‌المللی قرآن کریم
۱۳۹۲/۳/۱۸.

۲. انفال، آیه ۷۳.

«قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَ مَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ»؛^۱ فرعون گفت: من جز آنچه را معتقدم به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی‌کنم.»

فراعنه دلسوز معاصر!! نیز جهان را دهکده کوچکی می‌پندارند که آنها به عنوان فرمانروایانش ادعای اصلاح و ارتقای سیاسی - اجتماعی آن را دارند اما «کیست نداند که شعار طرفداری از حقوق بشر و دموکراسی سردمداران کاخ سفید، فریب و دروغ رسوائی بیش نیست؟»^۲

۱. غافر، آیه ۳۹.

۲. پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۸۰/۱۱/۲۳.

فصل دوم:

اصول مواجهه با نظام سلطه و استکبار جهانی

۱. اهتمام به امور مسلمانان و مظلومان جهان

۲. ضرورت حفظ وحدت با اهل تسنن

۳. شناخت دشمنان امروزی اسلام

۴. نفرت و انزجار درونی از دشمنان اسلام

۵. ابراز دشمنی و جهادت با مستکبران



۱. اصل هوشیاری و دشمن شناسی

۱-۱. شیطان؛ سرسلسله دشمنان انسان

هر قدر که مقصد و منتهای یک حرکت، متعالی و ارزشمندتر باشد، موانع و گردنه‌های مسیر رسیدن به آن مقصدِ والا، سخت‌تر و سهمگین‌تر خواهد بود. در مسیر حرکت انسان موحد^۱ و جامعه توحیدی به سوی آرمان‌ها و مقاصد الهی، موانع آن - یعنی دشمنانش - ضرورتی و دشمنی‌های آنها سخت‌تر خواهد بود. منطق وحی، شیطان رجیم را سرسلسله دشمنان انسان در راه حرکت به سوی خداوند متعال و رضایت او، معرفی می‌نماید:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ»^۲؛ در حقیقت، شیطان دشمن شماست، شما [نیز] او را دشمن بگیرید. [او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند.

۱. «قَالَ فِيمَا أُعْزِمْتِي لِأَقْعِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ شیطان گفت که چون تو مرا گمراه کردی من نیز البته در کمین بندگان در سر راه راست تو می‌نشینم. (اعراف، آیه ۱۶).

۲. فاطر، آیه ۶.

۲-۱. عواقب انکار وجود دشمن و دشمنی او

لذا در مرحله اول، انکار وجود دشمن و در مرحله بعدی منکر دشمنی او شدن، ساده لوحی و حماقت است. به خاطر همین خدا به انسان امر می‌کند همانند ابلیس که انسان را دشمن خویش می‌داند، او را دشمن بداند. آمادگی و هوشیاری در مقابل ترفندها و حیل‌های شیطانی که جز به گمراهی^۱ کشاندن انسان به امر دیگری راضی نمی‌شود و از همه مهم‌تر با او دشمنی کردن، تنها رمز ماندگاری و حیات انسان است و اگر لحظه‌ای در فرمان قرآن کریم تردید نماید و یا این دستورالعمل الهی برای حفظ از تباهی را سبک شمارد، بعد از نابودی ناپیستی کسی جز خودش را ملامت نماید.^۲

۳-۱. استکبار جهانی؛ از مصادیق اولیای شیطان

با مقدمه ای که گذشت، باید گفت اولیای شیطان - کفار، مشرکین و مستکبرین^۳ - هم که فرمانبردار و جزء حزب او هستند و مانند ولی

۱. «قَالَ فِعْرَتَكَ لِأَغْوَيْتَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»؛ شیطان گفت: به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد. (ص، آیه ۸۲).

۲. «وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْوَظُونِي وَلَا تُلْوَظُونِي وَأَنْتُمْ بَمُصْرِحِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ چون کار به پایان آید، شیطان گوید: خدا به شما وعده داد و وعده او درست بود و من نیز به شما وعده دادم ولی وعده خود خلاف کردم، و برایتان هیچ دلیل و برهانی نیاوردم جز آنکه دعوتتان کردم شما نیز دعوت من اجابت کردید پس مرا ملامت مکنید، خود را ملامت کنید. نه من فریادرس شما، نه شما فریادرس من. از اینکه مرا پیش از این شریک خدا کرده بودید بیزارم، زیرا برای ستمکاران عذابی است دردآور. (ابراهیم، آیه ۲۲).

۳. «الَّذِينَ آمَنُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»؛ آنان که ایمان آورده‌اند در راه خدا می‌جنگند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند.

خودشان اهل جهنم اند، در دشمنی با دین خدا و انسانیت تفاوتی با فرمانده خود ندارند. بر این اساس، بایستی خوب بدانیم و بفهمیم کفر و شرکی که هم اکنون جهانی شده است، در اجرای توطئه‌ها و حيله‌های ابلیس علیه حق مداران لحظه ای درنگ نمی‌کند و به وحی الهی یقین پیدا کنیم که صهیونیسم و شرک بین المللی در عداوت با اهل ایمان اهل مسامحه نیست! که:

«لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا»^۱؛ همانا دشمن‌ترین مردم نسبت به مسلمانان را یهود و مشرکان خواهی یافت.

مقصد رفیع^۲ انقلاب اسلامی ما از ابتدای تکوّن و شکل‌گیری در عصر مبارزات علیه طاغوت پهلوی و در سه دهه تثبیت و استمرار، همان مقصد مبارک انبیای عظام که اقامه قسط^۳ و عدل در زمین بود، معین گردید. این هدف عالی در تشکیل حکومت اسلامی تبلور می‌یافت و با توضیحاتی که گذشت، چون چشم‌انداز نهایی مجاهدت‌ها و ایثارگری‌ها در انقلاب اسلامی منحصر در احیای «کلمه الله» شد، لذا از همان طلیعه انقلاب دشمنانش شیطانی‌تر و دشمنی آنها سرسختانه‌تر بود. به بیان روشن‌تر:

پس شما با یاران شیطان بجنگید، که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان [در برابر اراده خدا و پایداری شما] سست و بی‌پایه است. (نساء، آیه ۷۶).

۱. مانند، آیه ۸۲.

۲. «مقصد عالی ما، مقصد اصلی ما، مقصدی بود که خدای تبارک و تعالی آن را به ما امر کرده، و آن این که حکومت باید حکومت الهی باشد، اسلامی باشد.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۲۷).

۳. «اقامه‌ی دین، وظیفه است. حاکمیت دین، هدف مهم همه‌ی ادیان است؛ «لِيقوم الناس بالقسط» قیام به قسط، قیام به عدل و حاکمیت الهی، هدف بزرگ ادیان است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۳۷۰/۵/۳۰).

«برای ما و دشمنان مان، مسئله، اسلام است. ما به خاطر اسلام با استکبار مواجهیم. استکبار جهانی، که در رأس آن امریکا و در ذیلش همه دستگاه‌های شیطانی مسلط عالم یا حتی دستگاه‌های غیر مسلط - که برای منافع استکبار کار می‌کنند - قرار دارد، هدفش از مواجهه با ایران اسلامی، فقط اسلام است و بس. هیچ مسأله‌ی دیگری در میان نیست.»^۱

ما با دشمنی روبرو هستیم که بر اساس مفاهیم و معارف قرآنی پیرو، ولی و حزب شیطان است. آنها جبهه متراکمی از صفوف پی در پی کفار و مشرکین و صهیونیست‌های عنود علیه موجودیت انقلاب اسلامی تشکیل داده‌اند و اصل هوشیاری و دشمن شناسی اقتضا می‌کند بدانیم، فقط در صورتی که مقصدمان - اسلام - را تغییر و یا تنزل دهیم، از تراکم صفوف مقابل کم می‌شود و از شدت لجاجت‌ها و عنادورزی هایشان کاسته می‌شود.

۱-۴. لزوم هوشیاری و عدم غفلت یا تغافل نسبت به دشمن

قرآن و روایات، تاکتیک مواجهه با چنین دشمنی را مراعات اصل هوشیاری و عدم غفلت و یا تغافل نسبت به او می‌داند:

«قال علی (علیه السلام) مَنْ نَامَ عَنْ عَدُوِّهِ أَنْبَهْتَهُ الْمَكَايِدُ»؛^۲ هر که نسبت به دشمنش در خواب باشد با مکر و حيلة او بیدار می‌شود.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با گروه‌های مختلف مردم و میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی ۱۲/۱۱/۱۳۶۸.

۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، جلد دفتر تبلیغات، ایران، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۳۴.

در واقع، رویارویی جبهه حق و باطل یک مبارزه تمام عیار است که هر گروهی در این نبرد به خواب رود شکست خواهد خورد؛ چرا که فرمود:

«إِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرْقُ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يُنَمَّ عَنْهُ»^۱ همانا برادر جنگ، بیداری و هوشیاری است، هر آن کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید.

از همین رو دشمن، منشأ و مبدأ دشمن شناسی، یعنی باور به دشمنی دشمن را هدف می‌گیرد، لذا «اولین کار دشمن این است که تبلیغ می‌کند هیچ دشمنی وجود ندارد! چطور نظام اسلامی دشمن ندارد؟! جهان‌خواران را از این سفره به یغما رفته سال‌های متمادی، محروم کرده است؛ معلوم است که دشمن اند، می‌بینیم که دشمنی می‌کنند در تبلیغات، در محاصره‌ی اقتصادی هر کاری که می‌توانند در تقویت دشمن علیه نظام، می‌کنند؛ صریح هم می‌گویند!»^۲

۱. نهج البلاغه دشتی، نامه ۶۲

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۴/۳/۱۳۷۸.

۲. اصل مرعوب نشدن و فریب نخوردن

۲-۱. تاکتیک تهدید، ارباب و جنگ روانی مستکبران

همیشه سردمداران کفر و شرک زمانه در اوهام خود این‌گونه سیر می‌کنند که می‌توانند با تهدید و ارباب، قلب‌های مطمئن^۱ - که شالوده مقاومت در برابر آنها را شکل داده است - را متزلزل کنند و چون خود را مالکان مطلق همه چیز می‌دانند، می‌پندارند محدودیت سازی و تهدیدهایشان علیه دیگران، زندگی آنها را نابود می‌کند. حضرت امام (قدس سره) می‌فرمود:

«اداره کنندگان کاخ سفید باید بدانند که دنیا عوض شده است، و قدرت‌های شیطانی از حربه‌های استعماری کهنه و نو خلع سلاح شده‌اند. کارگزاران سیاست امریکا باید طرز تفکر و سیاست‌های خود را تغییر دهند. و گمان نکنند اداره کل جهان در دست آنهاست، و همه

۱. «افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله، اینهاست که پیروزی می‌آورد. پیروزی را شمشیر نمی‌آورد، پیروزی را خون می‌آورد. پیروزی را افراد و جمعیت‌های زیاد نمی‌آورد، پیروزی را قدرت ایمان می‌آورد.» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص

کشورها چشم و گوش بسته در اختیار آنان هستند. باید توجه کنند که قطع رابطه و تحریم اقتصادی و لیست‌های دروغین آنها دنیا را بر کشوری تنگ نخواهد کرد.^۱

۲-۲. مرجفون چه کسانی هستند؟

اما همیشه در میان جامعه اسلامی کسانی هستند که از تهدیدها و ارباب‌های دشمن می‌ترسند. در حقیقت تمام سرمایه دشمن برای کارگر شدن ارباب‌هایش، همین ترسوها و سست ایمان‌ها هستند. جنگ روانی مستکبران به تنهایی بر اکثریت جامعه اسلامی که به راه و آرمان و رهبری خویش ایمان دارند بی اثر است؛ اما آنچه به عنوان زمینه ساز تأثیر ارباب‌ها می‌تواند در جامعه عمل کند، کاری است که ترسوها با اشاعه ترس خود در میان مردم انجام می‌دهند. اغراق و تصویر سازی ذلیلانه از قدرت دشمن و بزرگ نمایی بیش از حد تهدیدها و سرانجام مقاومت در برابر آن از سوی ترسوها، مانند زهری مهلک می‌تواند ساخت مستحکم درونی یک ملت را فرو بپاشد:

«لَيْسَ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنْغَرِيْبَكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»^۲؛ البته (بعد از این) اگر منافقان و آنان که در دلهایشان مرض (و ناپاکی) است و هم آنها که در مدینه (بر ضد اسلام) تبلیغات سوء می‌کنند (و دل اهل ایمان را مضطرب و هراسان می‌سازند) دست (از این زشتی و بدکاری) نکشند، ما هم تو را بر (قتال) آنها بر انگیزیم (و بر جان و مال آنها مسلط

۱. صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۳۳۰.

۲. احزاب، آیه ۶۰.

گردانیم) که از آن پس جز اندک زمانی در مدینه در جوار تو زیست
توانند کرد.

کار مرجفون^۱ در مدینه ایجاد دلهره و اضطراب در دل مؤمنان مبارز
بود تا دست از مبارزه با لشکر کفر و شرک بردارند. مرجفون هم اکنون
نیز خود را به خاطر ایمان ضعیف از لحاظ روحی تسلیم رجزخوانی‌های
امریکا^۲ می‌کنند و در تلاشند با امکانات و موقعیت‌هایی که در اختیار
دارند، مرض روحی جبن و ترس را میان مردم منتشر کنند.^۳ قاعده قرآنی

۱. «مرجفون یعنی کسانی که مرتب مردم را می‌ترسانند. یک جامعه‌ی تازه تأسیس شده‌ی اسلامی، با آن
همه دشمن، آن همه بسیج قرآنی، آن همه بسیج نبوی، همه باید برای دفاع از کشور و از این نظام
عظیم انسانی و مردمی، از لحاظ روحی آماده باشند؛ اما یک عده مثل خوره به جان مردم بیفتند و
روحیه‌ها را تضعیف کنند؛ این‌ها مرجفونند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم فارغ‌التحصیلی
گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۷۷/۶/۱۲).

۲. «باید به این نکته توجه کرد که همه‌ی رجزخوانی‌های امریکا از سر قدرت نیست. البته آن‌ها خود را
بزرگ‌ترین قدرت دنیا تلقی می‌کنند. قطعاً تجهیزات نظامی‌شان هم پیشرفته است، پول بسیاری هم در
اختیار دارند؛ اما این موارد دلیل قدرت‌مندی واقعی در میدان عمل نیست... پول و سلاح مدرن داشتن
دلیل قدرت واقعی نیست. بعضی از رجزخوانی‌ها نشانه‌ی ترس است. وقتی بعضی از آدم‌های ترسو در
تاریکی قرار می‌گیرند، از ترس سوت می‌زنند! افرادی که از بیرون به آن‌ها می‌نگرند، خیال می‌کنند آن‌ها
سرخوش و بی‌خیال راه می‌روند و برای خود سوت می‌زنند؛ در حالی که از ترس مبادرت به این کار
می‌کنند! بعضی از این رجزخوانی‌ها مثل همان سوت زدن آدم ترسو در تاریکی شب است.» (بیانات رهبر
معظم انقلاب اسلامی در ۱۳۸۲/۱/۱).

۳. در مقالعی از تاریخ انقلاب اسلامی، کسانی مصداق روشن «المرجفون فی المبنه» شدند. به عنوان
نمونه بهزاد نبوی نایب رئیس مجلس ششم در مصاحبه‌ی ای در سال ۱۳۸۱ گفت: «...در واقع هیچ منطق
و عقل سلیمی حکم نمی‌کند که یک کشور جهان سومی - حتی اگر همه ملت پشتیبان حکومتش
باشد و همه این ملت مسلح - به جنگ نظامی با امریکا، ابرقدرت جهان روند. در واقع خدا و تاریخ،
سرمداران ملتی که آن کشور را به جنگ با ابرقدرت جهان بکشاند، نخواهد بخشید. این سخنان را که
می‌گوییم، شاید جبهه بگیرند که فالانی از امریکا می‌ترسد، بله به خاطر کشورم، مردم و انقلابم از
امریکای تا بن دندان مسلح می‌ترسم.» (روزنامه اعتماد، ۲۸ مهر ۱۳۸۱ به نقل از کرامتی، محمدتقی،

تقابل با ارباب مستکبران و تضعیف روحیه‌ها و اراده‌ها توسط مرجفون، قوت ایمان و آرامش دل است. چرا که «در شرایط مرعوب شدن، ترسیدن، مضطرب شدن، متلاطم شدن، حتی باورهای قطعی انسان هم از یاد می‌رود. انسان مرعوب، این‌طور است. «جبن»، هم عقل را از کار می‌اندازد، هم عزم را. انسان مرعوب و جبن، نه درست می‌تواند فکر کند، نه درست می‌تواند عزم و ارادهٔ خودش را به کار بیندازد؛ دائم یک‌قدم به جلو برمی‌دارد و یک‌قدم به عقب.»^۱

آفت ترس و جبن از قدرت دشمن و جاری شدن اثرات آن در تصمیم‌گیری‌های نامعقول که ریشهٔ آن هم در برتری دادن زندگی دنیایی بر حیات جاودانهٔ اخروی است، از صدر اسلام تا کنون صفوف جبههٔ حق را در مقاطعی متزلزل کرده است. مرض ترس، خواسته یا ناخواسته ذلت‌پذیری را به همراه می‌آورد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) سربازان ترسوی کوفی را این‌گونه توبیخ می‌کند:

«أَفْ لَكُمْ لَقَدْ سَمِمْتُ عِتَابَكُمْ . أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوْضًا وَ بِالذُّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا إِذَا دَعَوْتُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدَوْتُمْ دَارَتِ أَعْيُنُكُمْ كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي غَمْرَةٍ وَ مِنَ الذُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ يُرْتَجِ عَلَيْكُمْ حِوَارِي فَتَعْمَهُونَ . [فَكَأَنَّ] وَ كَانَ قُلُوبُكُمْ مَأْلُوسَةً فَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ»^۲؛ نفرین بر شما کوفیان! که از فراوانی سرزنش شما خسته شدم آیا به جای زندگی جاویدان قیامت به زندگی زود گذر دنیا رضایت دادید؟ و به جای عزت و سر

۱. وسوسهٔ شیطان بزرگ، همای غدیر، چاپ دوم، قم ۱۳۸۳، ص ۳۴۶ و برای مطالعهٔ بیشتر در این زمینه بنگرید به: همان منبع، ص ۳۴۸-۳۳۴.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳/۷/۱۳۸۲.
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، ۱، جلد، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، خطبهٔ ۳۴.

بلندی، بدبختی و ذلت را انتخاب کردید؟ هر گاه شما را به جهاد با دشمنان دعوت می‌کنم، چشمانتان از ترس در کاسه می‌گردد، گویا ترس از مرگ عقل شما را ربوده و چون انسان‌های مست از خود بیگانه شده حیران و سرگردانید. گویا عقل‌های خود را از دست داده و درک نمی‌کنید.

همچنین قرآن می‌فرماید مشرکِ مستکبر، زیبا سخن می‌گوید و نام خدا و ارزش‌های الهی و انسانی را بر زبان جاری می‌کند؛ اما همه اینها جز فریب دادن افکار عمومی چیز دیگری نیست. سرشت و ذات او با نفرت و دشمنی با حق و منادیان آن آمیخته شده است و ساده اندیشی است کسی سخنان و مدعیات مستکبران را در دفاع از ارزش‌ها و احترام به قوانین فطری انسانی که ریشه در منجلاب خدعه و نیرنگ دارد را باور نماید و به آن اعتماد نماید:

«وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا * اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ»؛^۲ و [مشرکان] با سخت‌ترین سوگندهایشان به خدا سوگند خوردند که اگر بیم دهنده‌ای به سوی آنان آید، هدایت یافته‌ترین‌ها خواهند بود؛ پس چون [پیامبری] بیم دهنده برای آنان آمد، آنان را [دعوت او] جز نفرت و دوری از هدایت

۱. «حقوق بشر! همه‌اش شعر. همه این حرف‌هایی که این دولت‌های بزرگ می‌زنند و جامعه‌هایی درست کرده‌اند برای حقوق بشر، برای امنیت، برای چه، نه امنیتشان به امنیت آدم می‌برد و نه حفظ حقوق بشرشان به حفظ حقوق آدم می‌برد همه‌اش برای این است که این ملل ضعیف را بلعند. این همه مساعی که ملاحظه می‌کنید در هر یک این ابرقدرت‌ها، یک صدایی است، یک نظامی هست، نظام این است که این بلاد شرق را به بلاد ضعیف راه اینها بلعند.» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۱۸).

۲. فاطر، آیات ۴۲ و ۴۳.

نیفزود. این نفرت به سبب گردن‌کشی و تکبر آنان در زمین و نیرنگ زشتشان بود و نیرنگ زشت جز اهلش را احاطه نمی‌کند.

۲-۳. لزوم هوشیاری در برابر نیرنگ و نرمش تاکتیکی دشمن

هر وقت که سلاح ارباب و تهدید و قلدری مستکبران بر اراده و مقاومت ملت‌های مقابل آنها کارگر نیفتاده است، اسلحه نیرنگ و خدعه را به کار انداخته‌اند:

«او [امریکا] که گاهی با اشغال نظامی و پیاده کردن چتربازان در لانه جاسوسی و گاهی با محاصره اقتصادی و منزوی کردن کشور، ما را تهدید می‌کرد و از آن نتیجه نگرفت، اکنون دست به یک نقشه سیاسی و یک نیرنگ شیطانی زده است و با نرمش و چاپلوسی می‌خواهد ما را اغفال کند و قمار سیاسی خود را از رقیبان خود با نیرنگ به ملت ما، ببرد.»^۱

نرمش و چاپلوسی مستکبر، مخصوصاً در میدان نبرد دیپلماسی^۲ نباید مردم و مسئولین نظام اسلامی را از ماهیت اصلی او که همان دشمنی سرسختانه با اسلام و قرآن و انسانیت است غافل نماید. فریب نخوردن از تاکتیک نیرنگ مدارانه دشمن در نیکی و مهربانی چند روزه، قاعده‌ای است که می‌توان از این کلام امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در مواجهه با دشمن استفاده نمود:

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۲۰.

۲. «میدان دیپلماسی، میدان یک نبرد واقعی است؛ منتها نبردی که پشت میز و با لبخند و با گفتن صبح بخیر و شب بخیر انجام می‌گیرد! وجود ارتباطات دیپلماتیک، هرگز نباید به معنای اعتماد به دشمن تلقی شود؛ نباید اعتماد کرد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای هفتم تیر ۱۳۷۹/۴/۷).

«لَا تَعْتَرَنَّ بِمُجَامَلَةِ الْعَدُوِّ فَإِنَّهُ كَالْمَاءِ وَ إِنْ أُطِيلَ إِسْحَانُهُ بِالنَّارِ لَا يَمْتَنِعُ [لَمْ يَمْنَعُ] مِنْ إِطْفَائِهَا»^۱؛ با نرمش و نیکی دشمن فریب مخور! چون او مانند آب می ماند، هر چند که با آتش گرم می شود، اما این مانعی نیست برای این که آتش را خاموش نماید.

آمریکا از ابتدا رهبری جبهه دشمنان انقلاب اسلامی را بر عهده داشته است تا با توسل به اعمال ظالمانه، آتشی را که انقلاب اسلامی بر دامان زیاده خواهی های او در جهان انداخته است، خاموش نماید و جز ریشه کنی نظام جمهوری اسلامی مقصود دیگری ندارد. هر چند که:

«گاهی هم حرف های به ظاهر آشتی جویانه ای در این مدت زدند؛ اما هر وقت که لبخندی به روی مسئولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجری در پشت سرشان مخفی کرده اند؛ از تهدید دست برداشته اند؛ نیتشان عوض نشده است. خنده تاکتیکی، لبخند و روی خوش تاکتیکی، فقط بچه ها و کودکان را فریب می دهد.»^۲

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۳۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانش آموزان در آستانه ۱۳ آبان ۱۳۸۸/۸/۱۲.

۳. اصل ضدّیت و مقاومت در مبارزه

۳-۱. هدف نهایی؛ نابودی همه مستکبران عالم

بر اساس معارف قرآنی و مبانی دینی ما، جهت‌گیری کلی حیات سیاسی - اجتماعی مسلمانان باید به سوی ریشه کنی سردمداران کفر و شرک، پیروان و مظاهر آنها در جهان باشد.^۱ سنگ بنا و بنیاد هر فتنه‌ای در تاریخ حیات انسانی را طاغوت‌ها و جبارها نهاده‌اند و تحقق مقصود انبیا و اولیای الهی - که حاکمیت فراگیر حق در عالم است - همیشه با فتنه انگیزی، فساد، طغیان و سرکشی آنها روبرو بوده است. به همین خاطر قرآن کریم به پیروانش دستور می‌دهد هدف نهایی، نابودی همه مستکبران و گردنکشان عالم است:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»^۲ و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و بس، و اگر (از فتنه) دست

۱. «ما داعیعی محو نظام سلطه را داریم.» (بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها (۱۳۸۹/۴/۲)

۲. بقره، آیه ۱۹۳.

کشیدند تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.

۳-۳. دستور دین چیست؟ نصیحت؛ استدلال منطقی یا مبارزه؟

کفار، دشمنان دین خدا در روی زمین اند و در هر عصر و مکانی که باشند، در انسجام و صف آراییی نیروهای شیطانی علیه نابودی دین حق کوتاهی نمی‌کنند. با این توضیح، چه وظیفه‌ای بر عهده مسلمانان و معتقدین به قرآن کریم و پیروان رسول الله الاعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است؟ بی‌تفاوتی نسبت به فجایع و مفاسدی که هر روز در اقصی نقاط عالم به دست کفر و شرک بین المللی در جریان است؟ یا با ساده‌اندیشی و خوش خیالی آنها را با منطق و استدلال به آرامش دعوت نمودن و از ایشان خواهش کردن که دیگر از جنایت علیه بشریت و ریختن خون کودکان و زنان و مظلومان مسلمان و غیر مسلمان در گوشه و کنار عالم دست بردارید؟!

اگر هنوز وحی الهی و سبیره رسول خدا و اهل بیتش (علیهم‌السلام) را فصل الخطاب و حجت بدانیم، تکلیف‌مان در این موضوع روشن است. مواجهه با دشمنان اسلام دارای قانون مشخص و معینی است که کسی حق شکستن و یا تاویل غلط آن را ندارد. قاعده همیشگی شکل برخورد با کفر و شرک و نفاق، جهاد و مبارزه همه جانبه و شدت عمل علیه آنها است. دقیقاً مانند کاری که آنها علیه مستضعفان و مظلومان انجام می‌دهند:

«وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^۱
با مشرکان، دسته جمعی پیکار کنید، همان‌گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

۱. توبه، آیه ۳۶.

ایستادگی و مقاومت و علیه کفار مستکبر، بدون ترحم مبارزه نمودن، امری است که خدا به پیامبرش (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) خطاب نموده است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ
 بئْسَ الْمَصِيرُ»^۱ ای پیامبر! با کافران و منافقان بجنگ و با آنان به
 شدت رفتار کن، جایگاهشان جهنم است که بد سرانجامی است.

درس قرآن، مبارزه و جهاد علیه استکبار است و «این درس را نباید فراموش کنیم که باید در مقابل ابرقدرتها مقاومت کرد.»^۲ لذا بر اساس همین آیات شریفه قرآن و بر مبنای منطق تغییر ناپذیر دین «می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم.»^۳

پایبندی به اصل قرآنی مقاومت، ضدیت با نظام سلطه^۴ و مبارزه با آمریکا، از ارکان هویتی انقلاب اسلامی است که آن را به عنوان رمز حیات و ماندگاری در برابر ظلم، به دیگر مظلومان جهان داده است و «جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد.»^۵

۱. توبه، آیه ۳.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۴۸۵.

۳. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۸.

۴. «داعیه‌ی ما... «ضدیت با نظام سلطه» است. ما می‌گوییم دنیا را سلطه‌گران عالم تقسیم کرده‌اند به دو قسم: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. ما با این مخالفیم. سلطه‌گران غلط می‌کنند که بر دنیای غیر کشور خودشان می‌خواهند سلطه پیدا کنند.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با خانواده‌های شهداء، ایثارگران و جانبازان ۱۳۸۶/۲/۲۷).

۵. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۱.

۴. اصل حفظ عزت و عدم سازش و مذاکره

۴-۱. تعریف و شرایط مذاکره

مذاکره یک روش صلح آمیز همراه با قدرت چانه زنی، جهت حصول یک توافق مشترک بین دو یا چند کشوری است که با یکدیگر اختلاف دارند و برای حفظ و دست یابی به منافع مشترک ناگزیرند از بخشی از خواسته‌ها و منافع خویش بگذرند و به یک امتیاز حداقلی بسنده کنند.^۱

۴-۲-۱. مذاکره؛ با چه کسی؟ بر سر چه چیزی؟

با تعریفی که دربارهٔ مختصات و ویژگی‌های مذاکره گذشت، ناگفته روشن است که به صورت طبیعی هیچ کدام از ویژگی‌های تحقق مذاکره نظام اسلامی - که حرکت و رشدش بر اساس مبانی دینی بوده است - با ابرقدرت‌های مستکبر و مشرک وجود ندارد. انقلاب اسلامی باید از کدام یک از اصول و بنیان‌های وجودی اش که استکبار با آنها ضدیت دارد دست بردارد تا بتواند در میز مذاکره با آمریکا برای رسیدن به یک منفعت مشترک چانه‌زنی نماید؟!

۱. بنگرید به: کرامتی، محمدتقی، و سوسه شیطان بزرگ، همای غدیر، چاپ دوم، قم ۱۳۸۳، ص ۲۶.

به عنوان نمونه همان گونه که گذشت، آنچه از طلیعه انقلاب اسلامی همچون خاری در چشم مستبدان و ظالمان جهانی قرار داشته است، عنصر مقاومت و مبارزه انقلاب اسلامی علیه ظلم و جور و زیاده خواهی آنها در جهان بوده است که هم اکنون و با هویدا شدن بیشتر خیزش‌های بیداری اسلامی، الگو بودن انقلاب اسلامی^۱ در این جهت، آشکارتر نیز گردیده است و ملت‌های مسلمان با الهام از آرمان‌های انقلاب اسلامی، با قوت قلب گام در راه قیام الله^۲ علیه حاکمیت‌های جائزانه و وابسته به آمریکا نهاده اند. حال دوباره تأمل کنیم که:

«مذاکره، یعنی چه؟ صرف این که شما بروید با امریکا بنشینید حرف بزنید و مذاکره کنید، مشکلات حل می‌شود؟ این‌طوری که نیست. مذاکره در عرف سیاسی، یعنی معامله. مذاکره با امریکا، یعنی معامله با امریکا. معامله، یعنی داد و ستد؛ یعنی چیزی بگیر! چیزی بده! تو از انقلاب اسلامی، به امریکا چه می‌خواهی بدهی، تا چیزی از او بگیری؟ آن چیزی که شما می‌خواهید به امریکا بدهید، تا در مقابل از او چیزی

۱. «یکی از چیزهایی که بلاشک در این حوادث مؤثر بود، الگوسازی و گفتمان‌سازی انقلاب اسلامی بود. انقلاب اسلامی برای مسلمان‌ها الگو شد؛ اولاً با پیدایش خود، بعد با تشکیل موفق نظام جمهوری اسلامی که توانست یک نظامی را با یک قانون اساسی کامل ارائه کند و آن را به کرسی بنشاند و تحقق ببخشد، و بعد ماندگاری این نظام در طول سی و دو سال که نتوانند به او ضربه بزنند، و بعد استحکام و تقویت هرچه بیشتر این نظام - که نظام جمهوری اسلامی امروز از لحاظ عمق و ریشه، قابل مقایسه‌ی با ده سال پیش، بیست سال پیش و سی سال پیش نیست.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹).

۲. «امروز که ملت‌های مسلمان، پس از چند قرن انحطاط و رکود و ذلت، در چهارگوشه‌ی جهان اسلام، به بیداری و قیام لله گراییده‌اند و عطر آزادی و استقلال و بازگشت به اسلام و قرآن، در فضای بسیاری از کشورهای اسلامی منتشر گشته است، بیش از همیشه مسلمانان نیاز دارند که پیوند خود را با آن گذشته‌ی نورانی و معجزنشان، با دوران قیام لله و مبارزه‌ی اسلامی دوران نخستین اسلام مستحکم کنند.» (پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶).

بگیرید، چیست؟ ما چه می‌توانیم به امریکا بدهیم؟ او از ما چه می‌خواهد؟^۱

اصل تعهد و پابندی به اسلام و همین طور تشجیع ملت‌های مسلمان علیه منافع نامشروع آمریکا و اسوه بودن مبارزه و ایستادگی جمهوری اسلامی علیه استکبار قطعاً جزء اولین اصولی است که ما باید کمی از آن عقب نشینی کرده و آن را به طرف مقابل واگذار کنیم، در حالی که از این نکته غافلیم که:

«برای امریکا مهم است که ایران اسلامی که از روز اوّل به دلایل روشنی در مقابل امریکا ایستاد و تسلیم امریکا نشد و گفت که با امریکا مذاکره نمی‌کنم، حالا بگوید که بسیار خوب، چشم، ما هم مذاکره می‌کنیم! می‌گویید بفرما! ابرقدرتی کامل شد! این منطقه‌ای هم که زیر بار نمی‌رفت، زیر بار آمد؛ اینجا هم عتبه را بوسیدند! بنابراین، صرف مذاکره برایشان خیلی مهم است... این که مذاکره با ایران برای امریکا اهمیت دارد، این است که حرکت جمهوری اسلامی و ملت ایران موجب شد که احساسات اسلامی در هر گوشه دنیا بیدار شود؛ در آسیا، در آفریقا و حتی در اروپا، مسلمانان با نام اسلام، احساسات اسلامی خودشان را سر دست گیرند و مبارزه‌ای را به نحوی شروع کنند. بعضی از این مبارزات، مبارزات سیاسی با دولت‌هاست. بعضی از این مبارزات، مبارزات اصلاحی است؛ بالاخره مشغول مبارزه هستند. همه این‌ها، از این قلّه جمهوری اسلامی و امام و این ملت، سرازیر شده‌اند.»^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با گروه کثیری از معلمان و مسئولان امور فرهنگی کشور و جمعی از کارگران، به مناسبت روز معلم و روز جهانی کارگر ۱۳۶۹/۲/۱۲.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۰/۲۶.

۴-۲. قاعده قرآنی برائت و نفرت از مشرکین

پس وقوع مذاکره نیاز به بسترسازی و زمینه چینی مناسبی دارد تا بتوان به حداقل نتایج پیش بینی شده مذاکره دست یافت. یکی از آن زمینه‌ها، ایجاد نوعی تساهل و تسامح در نگاه به رفتار و عملکرد طرف مقابلی است که با او اختلاف داریم. در حالی که نوع نگاه ما به سردمداران کفر و شرک و جریان شیطنانی استکبار، بر اساس قاعده قرآنی «برائت و نفرت از مشرکین» پایه گذاری شده است و اجازه نداریم حتی برای لحظه ای از این آتش نفرت و کینه نسبت به دشمنان خدا و کافران کم کنیم:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآئُؤُا مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبُغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ»^۱ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم. ما نسبت به شما کافریم و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید.»

۴-۲-۱. چرا مرگ بر آمریکا؟!

حال سؤالی که اینجا به وجود می آید، این است که آیا می توان هم زمان، از عمل به این اصل قرآنی غافل نبود و هم بسترهای گفت و گو با مستکبران که تعدیل نفرت و عداوت و بدبینی در رابطه با آنها است را مهیا نمود؟! یا این که مشرکین خود زمینه از بین بردن دشمنی ها را

۱. ممتحنه، آیه ۴.

فراهم کرده‌اند؛ که طبق آیه شریفه، ایمان به خدا و تعهد به ارزش‌های الهی و انسانی است! و ما هم مدعی شویم آنها به خدا ایمان آورده‌اند و از گذشته خویش پشیمان گشته‌اند و دیگر نباید به آنها مرگ و ننگ فرستاد و از ایشان دوری جست!

ابراهیم انقلاب اسلامی ما - حضرت امام خمینی (قدس الله نفسه الزکیه) - در بیزاری جستن و براءت از مشرکین و مستکبرین، اسوه حسنه کسانی است که در فعل و نه قول، هنوز با او همراهند و این اصل توحیدی را معیار رفتار سیاسی خویش قرار داده‌اند. براءت و نفرت از کفر و شرک را او در این عصر فریاد زد و فرمود:

«فریاد براءت ما، فریاد براءت همه مردمانی است که دیگر تحمل تفرعن امریکا و حضور سلطه طلبانه آن را از دست داده‌اند و نمی‌خواهند صدای خشم و نفرتشان برای ابد در گلوهایشان خاموش و افسرده بماند و اراده کرده‌اند که آزاد زندگی کنند و آزاد بمرند و فریادگر نسل‌ها باشند. فریاد براءت ما، فریاد دفاع از مکتب و حیثیات و نوامیس، فریاد دفاع از منابع و ثروت‌ها و سرمایه‌ها، فریاد دردمندانه ملت‌هایی است که خنجر کفر و نفاق، قلب آنان را دریده است... فریاد براءت ما، فریاد امتی است که همه کفر و استکبار به مرگ او در کمین نشسته‌اند و همه تیرها و کمان‌ها و نیزه‌ها به طرف قرآن و عترت عظیم نشانه رفته‌اند و هیئات که امت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سیراب‌شدگان کوثر عاشورا و منتظران وراثت صالحان به مرگ ذلت بار و به اسارت غرب و شرق تن در دهند و هیئات که خمینی، در برابر تجاوز دیوسیرتان و مشرکان و کافران به حریم قرآن کریم و عترت رسول خدا و امت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پیروان ابراهیم حنیف ساکت و آرام بماند و یا نظاره‌گر صحنه‌های ذلت و حقارت مسلمانان باشد، من

خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم، قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می‌دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرنه‌های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهانخواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می‌نمایند سلب خواهد کرد.^۱

امام انقلاب ما که قصد داشت اگر تنها هم بماند، راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی را ادامه دهد و خواب راحت را از دیدگان جهانخواران سلب نماید، از این که مرگ و نفرت و ننگ بر آمریکا را نیز دائماً بر زبان جاری سازد، ابایی نداشت^۲ و در سخنان و پیام‌هایش می‌فرمود:

«ننگ و نفرت بر امریکای جنایتکار و دست‌نشانندگان و هواداران آن»^۳؛ «مرگ و نفرین بر ابرقدرتان، به خصوص امریکای جنایتکار که اکثر فتنه‌های منطقه به دست کثیف او تحقق می‌یابد»^۴

۱. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۶۸.

۲. آیت الله هاشمی رفسنجانی همچنین با یادآوری حذف شعار «مرگ بر آمریکا» و این که امام با حذف این شعار موافق بودند و واکنش‌های تند بعدی و جوسازی‌های به عمل آمده در این خصوص تأکید می‌کند: «تمام مطلب همان بود که نوشته بودم. الان هم دقیقاً یادم نیست که چه نوشتم. به هرحال موافق نبودیم که در مجامع عمومی مرگ کسی را شعار دهیم. مثلاً در اجتماعات ما «مرگ بر بنی صدر» شعار داغ مردم بود که در نماز جمعه خواهش کردم که نگویند «مرگ بر بازرگان» بود که خواهش کردم نگویند «مرگ بر شوروی» بود که گفتم الان با شوروی مشکل آنچنانی نداریم. درباره آمریکا هم گفته بودم. من ذاتاً با حرف‌های تند و فحاشی‌ها مخالفم و آن‌ها را مفید نمی‌دانم.» مأخذ: پایگاه رسمی اطلاع رسانی آیت الله هاشمی رفسنجانی: <http://www.hashemirafsanjani.ir/>

۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۴۱۹.

۴. صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۶۹.

«مرگ و نفرت بر جهانخواران شرق و غرب خصوصاً امریکای جنایتکار»^۱

او اعلان برائت از مشرکین را منحصر در هیچ زمان و مکانی نمی‌دید و در پیامشان به کنگرهٔ عظیم حج در سال ۱۳۶۶ خطاب به امت اسلامی این گونه نوشتند:

«اعلان برائت کهنه شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود، که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسهٔ خناسان و شبهات تردیدآفرینان و متحجرین و منحرفین گوش فرا ندهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملت‌ها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حیل‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند»^۲

اظهار زبانی نفرت از استکبار در ادبیات مقاومتی انقلاب اسلامی که در شعار «مرگ بر آمریکا» تبلور یافته است، نشان از عمق تنفر و ضدیت قلبی مردم ما از آمریکا است و مانعی برای امکان دوبارهٔ تسلط نظام سلطه بر ایران اسلامی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی عمق راهبرد دفاعی این شعار از منافع ملی کشور را این چنین تحلیل می‌نمایند:

«مبارزه با استکبار، یک شعار همیشگی است. منتها مطلب اساسی این است که یک ملت هوشمند، همیشه برخورد با شعارها را درست انتخاب می‌کند. یک‌وقت، انسان فقط شعاری را دائماً بر زبان جاری و

۱. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۴۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۱۵.

تکرار می‌کند؛ این کار زیادی نیست. یک‌وقت، شعار را می‌شکافد، در آن تعمق می‌کند و بر اساس آن، کار انجام می‌دهد؛ این درست است. در شعار مبارزه با استکبار - که امروز گفتم تجسم استکبار، دولت متجاوز امریکاست - خود آمریکایی‌ها و دولتمردان امریکایی، از اول انقلاب تا به حال، راههایی را طی کردند، برای این که این شعار را از فضای کشور ایران بزدایند. چرا؟ چون تا این شعار وجود دارد، تا ذهن مردم از «مرگ بر امریکا» پُر است، تسلط دوباره‌ی امریکا بر این کشور و منابع آن، ممکن نیست. پس، تا وقتی که فضای کشور، از ضدیت با دولت متجاوز امریکا - به صورت تبیین شده - پُر باشد، امریکا قاعدتاً دیگر راهی به این کشور ندارد. نه می‌توانند در سیاست این کشور دخالت کنند، نه به منابع اقتصادی این کشور تسلط یابند و نه حضور فرهنگی در اینجا داشته باشند. اگر بخواهند به این کشور برگردند، راهش این است که اول، این شعار را حذف کنند؛ اول دشمنی ملت ایران با نظام سلطه و با سلطه‌گر و به طور مشخص با امریکای مستکبر را از بین ببرند.»^۱

۴-۳. قاعده «نفی سبیل»

در منظومه اندیشه حضرت امام (قدس‌سره) که تجلی اسلام ناب محمدی در این عصر است، مذاکره و رابطه با شیطان بزرگ که در اثر عدول و عقب‌نشینی از موازین اسلامی و انقلابی و ویران کردن خانه عزت دینی رخ می‌دهد، در اوهام و خیالات ساده لوحان یا مغرضان وسیله‌ای است برای تنش زدایی و اعتمادسازی و تعامل با دنیا، اما در حقیقت باز کردن معبری برای تسلط و قیومیت دوباره امریکا بر ایران اسلامی است:

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی ۱۳۷۵/۸/۹.

«اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را با دست‌های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی‌فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما ضعیف؛ آنها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی...!!»^۱

این کار، هم بی توجهی و زیر پا گذاشتن منافع ملی است و هم طبق اصول ثابت قرآن و احکام اسلامی، ارتکاب فعل حرام و نامشروع است. قرآن مبنای روشنی در این موضوع دارد و آن راضی نبودن خدا به تسلط کفار و مشرکین بر اهل ایمان است:

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۲؛ هیچ گاه خدا نمی‌خواهد که کافران بر اهل ایمان راه سلطه داشته باشند.

فقه‌های اسلام بر طبق این آیه شریفه قاعده ای را در فقه تأسیس نموده اند به نام «قاعده نفی سبیل»^۳ که با استفاده از آن و آیات و روایات دیگر، هر فعل و اقدامی را که باعث باز شدن راهی برای سلطه کفار و مشرکین بر جامعه اسلامی گردد، حرام و نامشروع می‌دانند. لذا مذاکره و رابطه ای که سرانجامش در بهترین وجه و خوش گمانی، همان می‌شود که در کلام حضرت امام ره گذشت، راهی است برای تسلط دوباره

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۰.

۲. نساء، آیه ۱۴۱.

۳. بنگرید به: محمد حسین بجنوردی، قواعد فقهیه، ده مجلد، چاپ اول، نشر الهادی، قم، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۳؛ و نیز: علی مشکینی، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، چاپ چهارم، انتشارات الهادی، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۰۳.

مستکبر مستبدی که بیش از سه دهه تمام راه‌های سلطه جویی اش بر این کشور مسدود بوده است.

حال اگر ما به هر دلیلی در عمل به واجب دینی افروخته نگه داشتن شعله بغض و کینه از استکبار؛ برای ساختن زمینه‌های اولیه یک مذاکره - به ظاهر معقول - سستی نماییم و آن را وسیله ای برای فتح باب مراد و دوستی با دشمن نماییم، آیا آنها هم در اصول خویش برای ایجاد بستر سازنده یک مذاکره و رابطه صحیح تجدید نظر می‌نمایند و با احترام و عزت با دولت و ملت ما برخورد می‌نمایند؟! جواب این پرسش را از حکمت کلام وحی در قرآن مجید بجوییم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صدورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»؛^۱ هان ای مؤمنین! غیر مسلمانان را دوست مخصوص و محرم اسرار خویش نگیرید؛ زیرا آنان از فساد و تباه نمودن امور شما کوتاهی نمی‌کنند و هرچه را که باعث رنج و زحمت شما گردد، دوست می‌دارند؛ عداوت و کینه از زبانشان هویدا گشته و آنچه که در دل کتمان نموده‌اند بیش از اینها است، ما نشانه‌ها و دلایل را بر شما روشن نمودیم، اگر شما تعقل نمایید.

۴-۴. چرا مذاکره و رابطه با آمریکا مردود است؟

با دلایلی که گذشت و همچنین با توجه به این که استکبار هیچگاه از اصل دین ستیزی خود کوتاه نمی‌آید و در راستای عمل به اصول انکار

۱. ممتحنه، آیه ۱۱۸.

ناپذیر خط اسلام و امام (قدس سره)، رهبر معظم انقلاب اسلامی وضعیت مذاکره با استکبار را این گونه تبیین می‌فرماید:

«مبنائاً به مذاکره معتمد؛ اما مذاکره با که و بر سر چه؟ مذاکره برای رسیدن به یک قدر مشترک؛ دو طرف باید همدیگر را قبول داشته باشند؛ یک حدّ وسطی هم وجود داشته باشد؛ مذاکره کنند تا به این حدّ وسط برسند. آن طرفی که شما را اصلاً قبول ندارد، با اصل وجود شما به عنوان جمهوری اسلامی طرف است، با او چه مذاکره‌ای می‌توانید بکنید؟! او صریحاً می‌گوید که با نظام دینی مخالف است؛ با نظام جمهوری اسلامی به خصوص، مخالف است.»^۱

کسانی هستند که همیشه موضوع مذاکره با آمریکا را با ذوق و شوق، پلی برای ارتباط و برقراری صلح و آشتی^۲ با او می‌بینند و عقیده دارند که مذاکره و ارتباط با ابرقدرت جهان حلال همه مشکلات کشور است.^۳ در

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷.

۲. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی همیشه جریان های سیاسی و افرادی برای مذاکره و رابطه با شیطان بزرگ، مشتاقانه سخن گفته اند و قدم برداشته اند. برای مطالعه در این زمینه بنگرید به: کرامتی، محمدتقی، وسوسه شیطان بزرگ، همای غدیر، چاپ دوم، قم ۱۳۸۳ و همچنین الفت پور، علی، چهل تدبیر مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی، معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹-۱۱۴ و منابع معتبر دیگر تاریخ انقلاب اسلامی.

۳. «خیال نکنید که حالا اگر با آمریکا رابطه برقرار شد، یا مذاکره شد، دیگر از سوی آمریکا، اندکی حرف نازک تر از گل هم به جمهوری اسلامی گفته نخواهد شد؛ نه. بسیاری از کشورها با آمریکا رابطه هم دارند، خیلی هم روابطشان علی الظاهر در سطح جهانی خوب و صمیمی و مؤدبانه است؛ درعین حال آمریکا هر جایی که لازم باشد، ضربه خودش را می‌زند؛ محاصره اقتصادی می‌کند، تحریم می‌کند! آمریکایی ها مستکبرند. آدم مستکبر و دولت مستکبر، دنبال سبز کردن حرف خودش است. بنابراین، این طور نیست که رابطه برای کشور ما فایده‌ای داشته باشد؛ که اگر رابطه نباشد یا مذاکره نباشد، این مشکلات به وجود خواهد آمد و اگر این مذاکره و رابطه انجام شد، مشکلات از بین خواهد رفت؛ نه! نه

حالی که ماهیتاً «رابطه با امریکا مردود است؛ به سبب این که امریکا یک دولت استکباری و متجاوز و ظالم است و با اسلام و جمهوری اسلامی در حال معارضه و محاربه است.»^۱ آنها حق ندارند سستی کنند و بر خلاف نص صریح قرآن کریم، مشرکین و کفار را به صلح دعوت نمایند و تصور کنند نزاع ما با امریکا^۲ روزی خاتمه خواهد یافت و قهر ما با امریکا و ذات استکباری و ظالمانه اش ابدی نیست:^۳

«فَلَا تَهْنُؤُوا وَ تَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَ اللَّهُ مَعَكُمْ وَ لَنْ يَبْرِكُمْ أَعْمَالُكُمْ»؛^۴ پس هرگز سست نشوید و (دشمنان را) به صلح دعوت نکنید در حالی که شما برترید، و خداوند با شماست و چیزی از اعمالتان را کم نمی‌کند.

قهر و خشم، مبارزه و نبرد علیه ظلم و فتنه انگیزی امریکا پایان ندارد، چون «دست امریکا و سایر ابرقدرت‌ها تا مرفق به خون جوانان ما و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان فرو رفته است. ما تا آخرین قطره

امریکا برای ایجاد مشکلات آن‌چنان دستش باز است و نه رابطه و مذاکره این چنین معجزه‌گری‌ای برای رفع مشکلات دارد. هیچ‌کدام از این‌ها نیست؛ بسته به توان ملت است، بسته به غرضه یک حکومت است، بسته به اقتدار و عزت‌خواهی ماست که بتوانیم در مقابل امریکا بایستیم و برطبق اراده و برطبق مصالح کشورمان اقدام کنیم.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۰/۲۶).

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۱/۳/۱۴.
۲. «در این نزاعی که، مبارزه‌ای که الآن بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و امریکا نیست، بین اسلام است و کفر. چنانچه غلبه کنند خدای نخواستگه اینها بر نهضت ما- که نخواهند کرد- این غلبه، غلبه بر اسلام است، غلبه بر مسلمین است.» (صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۰۵).
۳. «ایران دستش را پیش امریکا ان شاء الله تا ابد دراز نمی‌کند، و لو این که فانی بشود.» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۴۰).
۴. محمد، آیه ۳۵.

خون خویش با آنان شدیداً می‌جنگیم؛ چرا که مرد جنگیم... و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست. و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم.»^۱

چشمان نافذ حضرت امام (قدس سره)، تغییر در سرشت آمریکا برای شروع یک رابطه منطقی را برای همیشه ناممکن می‌دید و برای فهماندن ساده این موضوع به همه، از مثل رابطه گرگ و بره^۲ استفاده می‌کردند. یعنی خوی استکباری آمریکا بسان گرگی است که دریدن دیگران در ذاتش نهفته است و اگر قرار باشد رابطه ای بین ما با این دولت مستکبرِ ظالم ایجاد شود، نسبتی جز رابطه گرگ و بره یا رابطه ظالم و مظلوم متصور نیست و ما براساس تعالیم اسلام و معارف تشیع حق نداریم مبارزه و مقاومت را رها کنیم، خواری و ذلت را بپذیریم و زیر بار ظلمِ ظالم برویم. وقتی لشکر ظالم معاویه به شهر انبار عراق حمله کردند و فرماندار امیرالمؤمنین (علیه السلام) را شهید و مردم مسلمان و مظلوم را غارت نمودند. حضرت برای تحریض جامعه جهت مبارزه علیه ستم معاویه خطبه مفصلی را خواندند که در بخشی از این خطبه فرمودند:

«إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَمَنْ تَرَكَهُ أَلْبَسَهُ اللَّهُ الذِّلَّةَ»^۳ جهاد و مبارزه علیه طاغوت‌ها دری از ابواب بهشت است که اگر کسی آن را رها نماید خدا لباس خواری بر او بپوشاند.

۱. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۱۴۷.

۲. «خیال نکنید که روابط ما با آمریکا... برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گرگ است! رابطه بره با گرگ، رابطه صلاحمندی برای بره نیست.» (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۶۰).

۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳۹۰.

ترک مبارزه و انتخاب سازش سخت نیست:

«کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهانخواران را نمی‌دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!... اگر بند بند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.»^۱

روشن است که استواری و ثابت قدم ماندن در پیمودن مسیر مکتب حسینی^۲ دارای سختی‌ها، رنج‌ها، مرارت‌ها، مجاهدت‌ها، اسارت‌ها و شهادت‌ها است؛ اما:

«ملت مقاوم ما از روز اول مبارزه‌اش می‌دانست که با تمام قدرت‌ها و ابرقدرتها دست به گریبان است و باید بداند که تمام ایادی داخلی و خارجی قدرت‌ها و ابرقدرتها خصوصاً آمریکای جنایتکار برای شکست ما از تمام امکاناتش استفاده خواهد نمود، ولی چاره چیست که کوه مصیبت‌ها در مقابل حیثیت اسلامی - ایرانی ما چون کاهی است و مردم ما باید خود را آماده این درگیری حسینی تا پیروزی کامل بنمایند،

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۸.

۲. در قاموس مرام و منش حسینی پاکان و غیور مردان اگر بین خواری و پافشاری بر عقیده مخیر بمانند. خواری و ذلت را از خود دور می‌دانند: «أَلَا وَ إِنَّ الدَّعِيَّ اِنَّ الدَّعِيَّ قَدْ رَكَزَ مِمَّا بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ اَلْمَلَةِ [السَّلَةِ] وَ الدَّلَةِ وَ هَتَاهَاتِ مِمَّا الدَّيْنَةُ بِأَيِّ اَللَّهِ ذَلِكَ وَ رَسُوْلُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورٌ طَابَتْ وَ اَنْوُفٌ حَمِيَّةٌ وَ نُفُوسٌ اَبِيَّةٌ وَ اَنْ تُؤْتَرَ طَاعَةَ النَّامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ»؛ هان؛ هم اکنون این فرد ناپاک زاده (ابن زیاد) پسر ناپاک زاده در انتخاب دو چیز پافشاری می‌کند: یا عقیده و ایمان، و یا پذیرش خواری و مذلت، در حالی که هر گونه پستی از ما بدور است. خداوند و پیامبر و مؤمنان، و نیز پاکدامنان، و افراد با غیرت، و شخصیت‌های سربلند نمی‌پسندند که طاعت فرومایگان را بر قتلگاه بزرگواران ترجیح دهیم. (ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۱، جلد، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۱).

که مرگ سرخ به مراتب بهتر از زندگی سیاه است. و ما امروز به انتظار شهادت نشسته‌ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند و بار مسئولیت استقلال واقعی را در تمامی ابعادش به دوش کشند و با افتخار پیام رهایی مستضعفین را در جهان سر دهند.^۱

تاریخ پر افتخار انقلاب اسلامی قبل و بعد از پیروزی اش نیز گویای این مطلب است که راحت طلبی^۲ و عافیت جویی مبداء مجاهدت‌ها و تلاش‌ها نبوده است، بلکه اسلام خواهی، عزت طلبی در مقابل مستبدان و مستکبران، استقلال و قطع سلطه زورگویان مقصد نهایی حرکت مردم بوده است. در تمام این سال‌ها نیز آحاد جامعه اسلامی به بیعت با رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و دفاع از اسلام و ولی فقیه زمان متعهد بوده‌اند و راه نجات خویش را از نابودی، استواری بر این بیعت مقدس در همه حالات یافته‌اند. ملت ما در عصر غیبت امام معصوم (علیه السلام) مصداق مسلمانی شدند که بر مفاد بیعت شان با پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) باقی مانده‌اند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنْتُ أَبَايَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ، وَ الْبَسْطِ وَالْكَرْهِ إِلَى أَنْ كَثُرَ الْإِسْلَامُ وَ كَثَفَ» قَالَ: «وَ أَخَذَ عَلَيْهِمْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَمْنَعُوا مُحَمَّدًا وَ ذُرِّيَّتَهُ مِمَّا يَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَهُمْ وَ ذُرَارِيَّتَهُمْ، فَأَخَذَتْهَا عَلَيْهِمْ؛

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۰۸.

۲. «ملتی که می‌خواهد زنده باشد و می‌خواهد مستقل باشد و نوکر نباشد، وابسته نباشد و می‌خواهد آزاد باشد و تحت سلطه نباشد، این ملت باید مهیا باشد برای همه چیز. اگر راحت طلبی را می‌خواهد ملت، از زمان محمد رضا بهتر از همه این بود که ظهر بیابند نماز بخوانند با امام جماعتشان و امام جماعت برود سراغ کارش و شما بروید سراغ کسبتان. راحت طلبی این را اقتضا می‌کرد، حالا هم باز همان رژیم بود و همان بساط بود و شما هم ناتان را می‌خوردید و آبتان را می‌خوردید و شمیراتان را هم می‌رفتید و کارهای عادی‌تان را انجام می‌دادید.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۵۲۳ - ۵۲۲).

نَجَا مَنْ نَجَا، وَ هَلَكَ مَنْ هَلَكَ»؛^۱ امام صادق علیه السلام روایت می کند که: امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود: من از مردم برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در سختی و آسانی و رغبت و اکراه بیعت می‌گرفتم تا این که گروه اسلام زیاد گشته و انبوه شد. فرمود: و نیز از آنها بیعت می‌گرفتم که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرزندان او را حفظ کنند هم چنان که خود و فرزندانشان را حفظ می‌کنند، و این عهد را برایشان گرفتم، پس نجات یافتگان نجات یافتند و هالکان هلاک گشتند.

انکون نیز حفاظت از اصل برائت از مشرکین و عزت طلبی و صدق بیعتی که با خون شهدای انقلاب اسلامی به رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و اسلام و خط امام (قدس سره) اعلام گردیده است، استقامت می‌طلبید. لذا واجب است «بیعتی که با امام کردیم، با انقلاب کردیم، این بیعت را باید پاس بداریم. آن کسانی که بیعت با امام راه، بیعت با انقلاب راه، بیعت با جمهوری اسلامی را می‌شکنند، به خودشان ضرر می‌زنند: «فمن نكث فإنما ينكث على نفسه و من أوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما»^۲ این بیعت را ما باید حفظ کنیم، نگه داریم.»^۳

۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - دارالحدیث)، ۱۵ جلد، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق، ج ۱۵، ص ۵۹۲.

۲. «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُوتِهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ به راستی کسانی که با تو بیعت می‌کنند بی‌شک با خداوند بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌های آنان است، پس هر کس پیمان شکند، بی‌شک به زیان خویش پیمان شکسته است، و هر کس به آن چه با خداوند عهد بسته است وفا کند، به زودی اجری بسیار بزرگ به او خواهد بخشید. (فتح، آیه ۱۰).

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار معلمان استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲.

۴-۵. بررسی صلح حدیبیه؛ اصل یا استثناء؟

با توضیحات مبسوطی که دربارهٔ دو اصل «ضدیت، مقاومت و مبارزه» و «برائت، عزت و عدم سازش و مذاکره» گذشت، باید علل و حقایق اتفاقاتی را که به ظاهر خلاف این اصول واقع شده است را با توجه به آیات و روایات و تحلیل‌های حضرت امام (قدس سره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی بررسی نماییم:

۴-۵-۱. سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مواجهه با کفار و مشرکین

در سیرهٔ پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که تمامی زوایایش از منطلق وحی الهی و عصمت کبرای نبوت منشعب است، قاعدهٔ مواجهه با کفار و مشرکین، مبارزه و نبرد برای ریشه کنی و غلبه بر آنها است.^۱ مستندات این مدعا آیات متعددی است که بعد از تاسیس حکومت نبوی و قدرتمندی مسلمانان، دربارهٔ اذن جهاد^۲ و توییح مسلمانانی که در این امر سستی می‌ورزند^۳ نازل شده است. شاهد آن هم تعداد ۲۶ غزوه و ۳۵ تا

۱. «وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ با کافران بجنگید تا اثری از فتنه باقی نماند و تمامی دین، خاص پروردگار گردد و اگر از کفر خود دست کشیدند، خداوند به آنچه می‌کنند آگاه است. (انفال، آیه ۳۹).

۲. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ أَنْ يَخْرُجُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِيُحِثَّ بِهِمْ وَ لَنْ يَخْرُجُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لِيُحِثَّ بِهِمْ»؛ به مسلمانان که مورد قتل (و غارت) قرار گرفته‌اند رخصت (جنگ با دشمنان) داده شد، زیرا آنها از دشمن سخت ستم کشیدند و همانا خدا بر یاری آنها قادر است. (حج، آیه ۳۹).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تُأْفِكُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَ رَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جهت چیست که چون به شما امر شود که برای جهاد در راه خدا بی‌درنگ خارج شوید (چون بار گران) به خاک زمین سخت دل بسته‌اید؟ آیا راضی به زندگانی دنیا عوض آخرت شده‌اید؟ در صورتی که متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندکی بیش نیست. (توبه، آیه ۳۸).

۶۶ سیره ای است که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در دوران ده ساله حکومتش علیه مستکبرین زمانه داشته است.^۱

۴-۵-۲. آیا در حدیثیه رویه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تغییر کرد؟

در سال ششم هجری حضرت به قصد زیارت خانه خدا با مسلمانان از مدینه به سوی مکه حرکت نمود. اتفاقاتی که در این سفر افتاد، در کتب سیره به «غزوه حدیبیه» و یا مشهورتر از آن «صلح حدیبیه» معروف و مشهور گردیده است. با تأمل دقیق در آیات سوره فتح - سوره‌ای که به تشریح ماجرای حدیبیه می‌پردازد - دلایل تصمیم حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) را که به مهاندنه^۲ و صلح با مشرکین منجر شد، روشن می‌شود.

آنچه در نگاه اول نسبت به این واقعه باید معلوم شود، این است که هر چند حرکت پیامبر از مدینه به سوی مکه به مهاندنه با کفار - که استثنایی است بر قاعده جنگ و جهاد علیه آنها^۳ - ختم شد، اما ما به هیچ عنوان

۱. بنگرید به: آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، دانشگاه تهران، چاپ ششم، تهران ۱۳۷۸ ش، ص ۲۴۷-۲۳۸.

۲. «گاه، جنگ و جهاد به آتش بس منجر می‌شود که از آن در فقه به مهاندنه و هدنه تعبیر می‌شود. این لغت در اصل به معنای سکون است و اصطلاحاً برای بیان صلح موقت میان مسلمانان و گروهی از کافران حربی به کار می‌رود. لذا برآن، مواده و معاهده که گویای حالت ناپایدار است، اطلاق می‌شود.» درس خارج فقه رهبر معظم انقلاب اسلامی با موضوع مهاندنه. جهت مطالعه بیشتر بنگرید به:

<http://farsi.khamenei.ir/page?id=7100>

۳. «عمده آنچه می‌توان برای این مطلب بدان استناد کرد، همان نکته‌ای است که پیش تر در باب مناسب میان حکم و موضوع گفتیم و نتیجه گرفتیم که «صلح، استثنایی است بر قاعده جهاد». تأملی کوتاه در آیات فراوان قرآن و روایات بی‌شمار در باب جهاد، گواه این مطلب است.» درس خارج فقه رهبر معظم انقلاب اسلامی با موضوع مهاندنه جهت مطالعه بیشتر بنگرید به:

<http://farsi.khamenei.ir/page?id=7100>

نباید تصور کنیم ایشان دیگر آن پیامبر فرمانده بدر و احد و خندق نبوده‌اند و بعد از شش سال مداوم درگیری و جنگ و مبارزه با مشرکین، به این نتیجه رسیدند که جنگ و جهاد اشتباه بوده است و می‌توانستند از طریق مذاکره و صلح با کفار، مسائل فیما بین اسلام و کفر را حل کنند؛ بلکه:

«صلح حدیبیه به هیچ وجه شعار جنگ بدر و احد را تخطئه نمی‌کرد، پیغمبر شعار جنگ با کفار و مشرکین را که پس نگرفته بود. موضع پیغمبر تغییر نکرده بود.»^۱

۳-۵-۴. حرکت به سمت مکه به قصد جنگ بود یا صلح؟

از سوی دیگر کلید تحلیل صحیح کلیت جریان صلح حدیبیه این است که بتوانیم قصد اولیه پیامبر را از حرکت به سوی مکه بیابیم. برخی از نویسندگان دربارهٔ محرک اصلی حرکت پیامبر و مسلمانان به سوی مکه، چنین نظری دارند:

«پیامبر برای تحمیل صلح بر دشمن به منطقه آمده بود، لذا باید از یک سو از موضع قوی با دشمن برخورد می‌نمود، و از یک سو باید با هوشیاری کامل مانع از هرگونه سنگ اندازی در راه صلح شود و از دیگر سو باید از موضعی قوی و برتر با مسئله برخورد نماید.»^۲

این تحلیل که پیامبر از ابتدای حرکت شان از مدینه با استراتژی از پیش تعیین شده، به قصد تحمیل صلح بر دشمن به سوی قلمروی قریش آمده بودند و برای رسیدن به این مقصود راه‌های فرار مشرکین از

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۷/۴/۳۱.

۲. تحلیلی از دکتر سعید جلیلی: صلح حدیبیه؛ مصداق نرمش قهرمانانه؛ یادداشت برگرفته از کتاب سیاست خارجی پیامبر، تالیف: سعید جلیلی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴ منبع: سایت خبری تحلیلی تریبون مستضعفین به این آدرس: <http://www.teribon.ir/archives/231861>

صلح را به هر طریقی بستند تا به هر نحوی به هدف قبلی خویش - صلح - دست پیدا کنند، با شواهد قرآنی موجود در سوره فتح و گزارش‌های تاریخی در تضاد است. یعنی باید نشانه‌های یک حرکت مسالمت آمیز مبتنی بر دستیابی به صلح با دشمن، از همان ابتدای خروج از مدینه و در بین مسیر برای دیگران هویدا می‌شد. قطعاً کسی نباید از همراهی با یک کاروان بی تنش که برای برداشتن سنگ‌های رسیدن به صلح با دشمن راه افتاده است، واهمه‌ای داشته باشد. در حالی که طبق آیات ۱۱ و ۱۲ سوره مبارکه فتح، گروه‌هایی از اعراب دعوت پیامبر را مبنی بر ملحق شدن به کاروان زیارت خانه خدا رد و عذرتراشی کردند، چون می‌دانستند حرکت پیامبر و همراهانشان، فقط یک حرکت مسالمت جویانه نیست و احتمال شهادت و کشته شدن در همراهی با این کاروان وجود دارد. به همین خاطر بعضی از مفسران تخلف غیر قابل پذیرش آنها از امر رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در همراه شدن به سوی مکه را، تخلف از جهاد دانسته اند:^۱

«سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِآلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعاً بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَ زَيَّنَّ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَ ظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا»^۲؛ به زودی متخلفان از اعراب بادیه‌نشین (عذرتراشی کرده) می‌گویند: «(حفظ) اموال و خانواده‌های ما، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم)،

۱. بنگرید به: ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۴۱۷-۴۱۴.

۲. فتح، آیات ۱۱ و ۱۲.

برای ما طلب آموزش کن!» آنها به زبان خود چیزی می‌گویند که در دل ندارند! بگو: «چه کسی می‌تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند هر گاه زبانی برای شما بخواهد، و یا اگر نفعی اراده کند (مانع گردد)؟! و خداوند به همه کارهایی که انجام می‌دهید آگاه است!» بلکه شما پنداشتید که رسول و مؤمنان به او (همه کشته می‌شوند و) به سوی (وطن و) اهل بیت خود دیگر بر نخواهند گشت و این خیال در دل شما به خطا جلوه کرد و بسیار گمان بد و اندیشه باطلی کردید و مردمی در خور قهر و هلاکت بودید.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با قصد زیارت خانه خدا با مسلمانانی که به امر ایشان مسلح شده بودند، از مدینه خارج شدند و حرکت ایشان به سمت مکه برای مذاکره صلح با کفار و مشرکین قریش نبود تا بعد از استراتژی پرهزینه جنگ در سال‌های گذشته، هم اکنون با اتخاذ استراتژی تحمیل صلح^۱ به مشرکین مکه، چند صباحی از فشار و تهدید و تحمیل جنگ علیه مسلمانان دست بردارند.

۴-۵-۴. آیا جهاد و صلح دو استراتژی هم وزن هستند؟

با این نظریه، گویی جنگ و صلح دو استراتژی هم وزن هستند که فقط نوع کاربری آنها بسته به شرایط موجود فرق می‌کند. اما همان طور که گذشت، جهاد علیه کفار یک «قاعده» و «اصل» است و مهاده و

۱. «تهدیدهای پیامبر نشانگر آن است که اگرچه استراتژی پیامبر برقراری صلح بود اما تهدید به جنگ به عنوان یک تاکتیک ارزنده در جهت استراتژی صلح بکار گرفته شد و پیامبر از آن به عنوان وسیله‌ای موثر استفاده کردند و از طریق همین تاکتیک بود که توانستند دشمن را به تسلیم و راضی شدن به صلح وادارند.» تحلیلی از دکتر سعید جلیلی: صلح حدیبیه؛ مصداق نرمش قهرمانانه؛ یادداشت از برگرفته از کتاب سیاست خارجی پیامبر، تالیف: سعید جلیلی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۴:

صلح «امری موقت»، که در نسبت با جنگ و نبرد، تنها می‌تواند یک «استثنا» باشد. از این رو هیچ‌گاه نباید به قاعده، مانند استثنایش نگاه کرد و آنها را دو استراتژی هم‌سنگ تلقی کرد؛ یا این که پنداشت پیامبر در حدیبیه از جنگ و تهدید به آن، فقط به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد صلح بهره‌برده است. لذا حرکت پیامبر از همان ابتدا یک حرکت جهادی و رزمی - البته با شکلی متفاوت - بوده است که خدا بر اساس مصلحت خویش - که یکی از آنها حفظ جان مسلمانان ناشناخته‌مکه بوده است^۱ - سرانجام این حرکت را بدون خون‌ریزی برای مسلمانان مقدر فرمود و فتح مبین را برای پیامبرش خواستار شد.^۲ از این رو:

«خدای متعال به مسلمانان این‌طور می‌فرماید که اگر سروکار شما با کفار و مشرکان، به جنگ و شمشیر هم کشیده می‌شود، شما آن‌ها را مغلوب می‌کردید. این سنت الهی است؛ این قانون لایتخلف‌پروردگار در عالم آفرینش است؛ و لو قاتلکم الذین کفروا لولوا الابدان ثم لا یجدون ولیا و لا نصیرا سنة الله الّتی قد خلقت من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا»^۳

۱. «هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ الْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مِنْهَا لُ وَ لَوْ لَا رَجُلٌ مُؤْمِنُونَ وَ نِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّهُمْ فَتَصِيَّبُكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَعْدَ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ آنها کسانی هستند که کافر شده‌اند و شما را از زیارت مسجدالحرام و رسیدن قربانی‌هایتان به قربانگاه باز داشتند؛ و اگر مردان و زنان با ایمانی در این میان، بدون آگاهی شما، زیر دست و پا از بین نمی‌رفتند، که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می‌رسید خداوند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد؛ هدف این بود که خدا هر کسی را می‌خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر مؤمنان و کفار در مکه از هم جدا می‌شدند، کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم. (فتح، آیه ۲۵).

۲. بنگرید به: ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۳۸۰-۳۷۹.

۳. «و اگر کافران با شما مسلمین به جنگ برخیزند از قتال شما پشت گردانیده و فرار کنند و دیگر هیچ ناصر و یآوری برای خود نیابند. سنت الهی (و قانون نظام ربّانی) بر این بوده (که حق بر باطل غالب شود) و ابدأ در سنت خدا تغییری نخواهی یافت.» (فتح، آیات ۲۲ و ۲۳).

۴-۵-۵. بیعت گرفتن از مسلمانان برای صلح؟

دلیل محکم دیگری که اثبات می‌نماید، حرکت رسول‌الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به سوی مکه به هیچ عنوان صلح اولیه با دشمن نبوده است، بیعتی است که قبل از رسیدن به مکه و رویارویی با مشرکین از مسلمانان همراه خویش مبنی بر مقاومت و ایستادگی در صورت نبرد با کفار، گرفت. جریان این بیعت که به بیعت رضوان معروف گردیده است، در این آیه شریفه اشاره شده است:

«لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا؛ خدا از مؤمنان آن هنگام که در زیر درخت با تو بیعت کردند، خشنود گشت و دانست که در دلشان چه می‌گذرد. پس آرامش بر آنها نازل کرد و به فتوحی نزدیک پاداششان داد.»^۲

همچنین حضرت در واکنش به خبری که بعضی از اصحابشان از صف‌آرایی کفار قریش آوردند، قصد خود را فقط انجام عمره اعلام نمودند و این که اگر قریش موافقت نکردند که حضرت بعد از مدت معینی بعد از بازگشت از همان جا به مدینه، برای زیارت خانه خدا بیایند و هنوز سر ستیز داشتند، بر سر دعوت شان به اسلام خواهند ماند و آن قدر با مشرکین می‌جنگند تا رگ‌های گردنشان قطع شود.^۳

آخرین سخن ما در این مجال کوتاه این است که بر اساس روایتی که مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده اند، پیامبر در مسیر

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره)

۱۳۷۹/۳/۱۴.

۲. فتح، آیه ۱۸.

۳. بنگرید به: ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۳۹۷.

بازگشت از حدیبیه وقتی با اعتراض و ابهام بعضی از اصحابش در مورد پیروزی در این واقعه مواجه شدند، دلیل آن را تقاضای صلح از جانب کفار دانست که رها آورد این اقدام عزت مندانه، فتح و ظفر بدون جنگ برای مسلمین شد.^۱ لذا بر اساس دلایل و شواهدی که گذشت، حرکت مقتدرانه پیامبر از مدینه در قالب یک سپاه رزمی که از تک تک آنها برای مقاومت و نبرد در برابر دشمن تعهد گرفته شده بود و رعبی که بر اثر شجاعت و ایمان به خدا و نه تکیه بر تجهیزات و محاسبات لازم به ظاهر معقولانه در دل دشمنان مستکبر افتاد، باعث شد آنها دوباره شکست بدر و احد و خندق را این بار به گونه‌ای دیگر بچشند.

۴-۶. بررسی مفهوم نرمش قهرمانانه

۴-۶-۱. ریشه داشتن برخی تحلیلهای روز، در تحلیل اشتباه از حدیبیه

بعضی از محققان نیز با مبنایی که به همان نظریه خروج پیامبر از مدینه برای انجام مذاکرات صلح برگشت دارد، جمله رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورد «نرمش قهرمانانه در عالم دیپلماسی» را این گونه تحلیل می نمایند که ما هم اکنون در شرایط صلح حدیبیه هستیم.^۲ قبل از نقد این تحلیل، ابتدا بیانات رهبر انقلاب در این موضوع را دقیق بخوانیم:

۱. بنگرید به: ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۴۰۳.

۲. «حجت‌الاسلام سلیمانی با تأکید بر این که هم به لحاظ تحلیل کارشناسی و هم بر اساس سخنان مقام معظم رهبری... ما در مرحله صلح حدیبیه هستیم، چون در حدیبیه گسترش اسلام در گرو ایمن شدن قبائل نسبت به قریش بود. در حال حاضر نیز گسترش فرهنگ و اندیشه و انقلاب اسلامی در دنیا در گرو این است که برخی از قدرت‌های جهانی محدودیت‌ها را نسبت به ایران کم کنند.» گفت و گوی

«ما مخالف حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی نیستیم؛ چه در عالم دیپلماسی، چه در عالم سیاست‌های داخلی. بنده معتقد به همان چیزی هستیم که سال‌ها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما... بفهمند که دارند چه کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجه داشته باشند.»^۱

در این تحلیل هم، حدیبیه بستری برای مذاکرات صلح و امتیاز دهی و امتیاز گرفتن پیامبر از مشرکان معرفی شده است^۲ که دلایل و شواهد ردّ این نظریه - که پیامبر برای ساختن شرایط یک مذاکره منجر به صلح، که در آن لاجرم باید امتیازی داد و امتیازی گرفت، از مدینه خارج نشدند - در بخش قبلی مفصل بیان شد.

۴-۶-۲. آیا اصل مبارزه مخصوص زمان اقتدار است؟

در ادامه تحلیل مذکور از مفهوم نرمش قهرمانانه، گفته شده است:

«رهبر معظم انقلاب مذاکره را به طور کلی رد نمی‌کنند و می‌فرمایند مذاکره باید در زمانی باشد که ما یک کشور قوی و مقتدر در صحنه جهانی باشیم تا اگر پشت میز مذاکره می‌نشینیم، مذاکره ما رابطه

تفصیلی حجت الاسلام جواد سلیمانی امیری با خبرگزاری بین المللی تسنیم؛ «نرمش قهرمانانه مذاکره بی‌قیدوشرط با آمریکا نیست/ در شرایط صلح حدیبیه هستیم، نه صلح امام حسن(ع)» آدرس:

<http://www.tasnimnews.com/Home/Single/144411>

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۲/۰۶/۲۶.

۲. «رسول خدا(ص) در صلح‌نامه‌ای که با قریش داشتند، امتیازاتی به آنها دادند و امتیازاتی از آنها گرفتند»، گفت و گوی تفصیلی حجت الاسلام جواد سلیمانی امیری با خبرگزاری بین المللی تسنیم؛

<http://www.tasnimnews.com/Home/Single/144411>

گِ رگ و میش نباشد که همواره میش مجبور است امتیاز دهد که در صلح حدیبیه چنین حالتی ایجاد شد.^۱

این سخن اولاً؛ قیاس مع الفارقی بین شرایط کنونی جمهوری اسلامی و صلح حدیبیه است. ثانیاً؛ دلیل حقیقی عدم مذاکره ما با آمریکا این نیست که چون ما قبل از این در شرایط ضعف به سر می‌بردیم و هم اکنون در موضع قدرت قرار گرفتیم و طرح نرمش قهرمانانه امروز دلالت بر این قوت می‌نماید. خود رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان صریحی در باب وضعیت قدرت مندی و نفوذ جمهوری اسلامی و ارتباط آن با مذاکره دارند که منطقی ترین پاسخ به این شبهه است:

«امروز بحمد الله دولت ایران، دولتی عزیز و مقتدر است و در سطح جهانی به عنوان یک کشور مقتدر و عزیز شناخته شده است؛ رئیس کنفرانس اسلامی است. در بسیاری از کنفرانس‌های جهانی، به عنوان یک عضو محترم شناخته شده است؛ دولت‌ها برایش احترام قائلند، ملت‌ها برایش احترام قائلند. امروز ما از چه بترسیم؟ چرا بترسیم؟ چرا خیال کنیم که اگر با همین وضعی که در این نوزده سال داشتیم، ادامه دهیم، چنین و چنان خواهد شد؟ آمریکا احتیاج دارد. آمریکا امروز آن قوت و قدرت ده سال، پانزده سال قبل را هم ندارد... امروز آمریکایی‌ها از لحاظ دیپلماسی و سیاست خارجی، در موضع ضعفند؛ در موضع قدرت نیستند. می‌خواهند در حال ضعفشان، همان هیبت ابرقدرتی را علیه ما و در مقابل ملت ایران به کار ببرند!... رابطه و مذاکره، برای ملت ایران و برای نهضت جهانی مضر است. اولین ضرر این است که آمریکایی‌ها با ورود در این میدان، این‌طور تفهیم خواهند کرد که

جمهوری اسلامی از همه حرف‌های دوران امام و دوران جنگ و دفاع مقدس و دوران انقلاب صرف نظر کرده و گذشته است. اولین چیزی که آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند، این است، اولین مطلبی که در دنیا شایع می‌کنند، این است که انقلاب اسلامی تمام شد و پایان گرفت؛ کما این که هنوز هیچ چیز نشده، همین حرف‌ها را زمزمه می‌کنند!^۱

با این بیان معلوم می‌شود اگر رهبر معظم انقلاب اسلامی تنها مانع مذاکره با آمریکا را عدم قدرت و نفوذ جمهوری اسلامی می‌دیدند، در سال ۱۳۷۶ که در ارزیابی شان کشور را مقتدر و آمریکا را در ضعیف معرفی نموده‌اند، باید اجازه مذاکره را صادر می‌نمودند! در حالی که ایشان عدم مذاکره با آمریکا را هم در کلامی که گذشت و هم در بیانات مفصل دیگرشان وابسته به دلایل دیگری می‌دانند که لازم است از تمامی آنها آگاه باشیم.

در قسمت پایانی این مصاحبه آمده است:

«وظیفه رهبر جامعه اسلامی این است که وقتی می‌خواهد جامعه را هدایت کند و مقابل کفار قرار بدهد به طوری که بتواند بر آنها غلبه کند، باید بتواند جامعه را به آن نقطه برساند، سپس اقدام کند. رسول‌الله و ائمه نیز همین‌گونه اقدام می‌کردند.»^۲

این نظر نیز بی هیچ مبنای اصولی، هم نسبت به تصمیمات رسول خدا و ائمه (علیهم‌السلام) و هم نسبت به رهبر جامعه اسلامی در این عصر اظهار شده است. اگر به زعم ایشان وظیفه اولیای دین علیه کفار و مشرکین، این

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۰/۲۶.

۲. گفت و گوی تفصیلی حجت الاسلام جواد سلیمانی امیری با خبرگزاری بین المللی تسنیم؛

بود که جامعه خویش را ابتدا به نقطه ای که اطمینان به پیروزی و غلبه ظاهری بر دشمن وجود دارد برسانند، سپس علیه دشمنان دین و انسانیت اقدام کنند؛ باید انبیای الهی و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه (علیهم السلام) و حضرت امام خمینی (قدس سره) در انقلاب اسلامی قبل از این که قدم در راه مبارزه علیه طاغوت‌ها و مستکبران گذارند، جامعه خویش را متقاعد می‌نمودند که چون غلبه و پیروزی حتمی است، مبارزه کنید و الا اگر توانایی و اطمینان به پیروزی و غلبه نبوده، مقاومت و ایستادگی و مبارزه معنایی نداشت و رساندن جامعه به این نقطه، وظیفه ایشان بوده است! در حالی که جامعه اسلامی باید به این نقطه برسد که به وعده الهی برای یاری کسانی که او را یآوری می‌کنند، حتمی است^۱ و به آن ایمان بیاورند و این اصل را باور کنند که در نبرد ایمانی با دشمنان محاسبات و معادلات ظاهری برای غلبه حتمی نقش چندانی ندارند؛ چرا که:

«كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»^۲ چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده است.

و غلبه و مغلوب شدن ظاهری، فرع بر عمل به مبارزه و قیام فردی و گروهی علیه مستکبران است، که اگر به این تکلیف عمل شود، آنچه حاصل می‌شود، یکی از دو نیکی است.

۱. «لَيُضِرَّنَّ اللَّهُ مَنْ يُضِرُّهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ و خدا هر کس را که یاریش کند، یاری می‌کند و خدا توانا و پیروزمند است. (حج، آیه ۴۰).

۲. بقره، آیه ۲۴۹.

۴-۶-۳. آیا نرمش قهرمانانه عقب نشینی از مواضع قبلی نظام است؟

غیر از آنچه گذشت، نویسندگان دیگری نیز بعد از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع فرماندهان سپاه پاسداران، مقصود تمثیل ایشان از تاکتیک ویژه ای که در عرصه دیپلماسی باید در بعضی از مواقع برای منکوب کردن حریف استفاده شود - نرمش قهرمانانه - را اعلام نوعی عقب نشینی از مواضع مستحکم نظام اسلامی از استکبارستیزی و مبارزه با آمریکا، نوعی سازش و شرایط را همان شرایط صلح حدیبیه یا صلح امام حسن (علیه السلام) بازسازی کردند و تحلیل‌ها و نظریات فراوانی برای اثبات این مدعا نوشته و گفته شد.^۱

دلایل ما برای نفی این مدعا از این قرار است:

۴-۶-۱. نرمش قهرمانانه؛ یک تاکتیک، نه استراتژی

رهبر معظم انقلاب اسلامی تعبیر «نرمش قهرمانانه» را درباره حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی به کار برده اند. یعنی مقصود ایشان از این تعبیر، روشن ساختن یکی از تاکتیک‌های «نبرد دیپلماتیک»

۱. به عنوان مثال بنگرید به: «از حدیبیه تا تهران»، مصطفی اعتزالی، سایت خبری تحلیلی عصر ایران، آدرس: <http://www.asriran.com/fa/news/278410>.

«از صلح حدیبیه تا مقتضیات دهه ۹۰ خورشیدی، فقه حکومتی درباره "نرمش قهرمانانه" چه می‌گوید؟»، عبدالرحیم ابادری، سایت خبری تحلیلی عصر ایران:

<http://www.asriran.com/fa/news/297150>

«از قیام حسینی و صلح حسنی تا مقاومت و نرمش در جمهوری اسلامی»، آدرس:

<http://www.asriran.com/fa/news/296280>

«شش‌ماه رسانه‌ها در پیوند نرمش قهرمانانه با صلح امام حسن (ع)، آدرس:

<http://www.teribon.ir/archives/232035>

«صلح حدیبیه؛ درس مذاکره و تعامل»، پرویز کاظمی، آدرس:

<http://www.asriran.com/fa/news/211234>

در عرصه سیاسی است و آن را بسیار لازم و بسیار خوب توصیف نموده‌اند با این قید که مسئولین سیاست خارجی بدانند و بفهمند با چه کسی مواجهند و آماج حمله طرف آنها کجاست. لذا به روشنی معلوم است ایشان درباره ملزومات، شرایط و روش‌های کار دیپلماتیک سخن گفته‌اند. اما برخی این کلام را «متشابه» دیده و تفسیر و پیش فرض‌های ذهنی خویش را بر آن حاکم نمودند و بی توجه به «محکامات» فراوان بیانات ایشان در این موضوع، آن را به عقب‌نشینی و سازش در اصول همیشگی نظام اسلامی^۱ و قرار گرفتن در شرایط صلح حدیبیه تأویل نمودند.^۲

۱. متأسفانه در بعضی از تحلیل‌هایی که نرمش قهرمانانه را صلح محسوب کردند، سعی شد تا از سازش با ظالم تصویر مثبتی ارائه گردد: «آیا این همه سازش‌پذیری پیامبر گرامی اسلام در برابر دشمن مذاکره‌کننده، که حتی موجب شد عمر لب به اعتراض بکشاید و این کوتاه‌آمدن و تن به سازش دادن را مصداق ذلت بدانند، نباید موجب تجدینظر ما در بار معنایی مفهوم سازش شود؟ و مهمتر از این، آیا رویه پیامبر در مذاکره منتهی به صلح حدیبیه، نباید درسی برای مذاکره‌کنندگان سازش‌ناپذیری باشد که اسلاف سازش‌پذیر خود را، که برای تامین منافع جامعه اسلامی در برابر دشمن کوتاه آمده و نرمش نشان داده‌اند، به خیانتکاری و تن به ذلت دادن متهم نکنند و از "دیپلماسی پیامبر" توشه‌ای برگیرند برای دیپلماسی نظام جمهوری اسلامی در مواجهه با دشمنان سرسختی که تحریم‌های وحشیانه‌شان جامعه اسلامی ایران را دچار فشار و تنگناهای جدی کرده است؟ آیا درک معنای تعامل هوشمندانه - که حدیبیه مصداقی از آن است - اینقدر سخت و شگرف است؟! آیا اگر برخی مدعیان امروزی در عصر رسول الله (ص) می‌زیستند، با همین ادبیات امروز، ساحت قدسی ایشان را به انواع اتهامات نمی‌آلودند؟» یادداشت «از حدیبیه تا تهران»، مصطفی اعتزالی، سایت خبری تحلیلی عصر ایران. آدرس:

<http://www.asriran.com/fa/news/278410>

۲. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ...»؛ و او کسی است که کتاب را بر تو نازل کرد، بعضی از آیات آن، آیات محکم است که اصل کتابند، و بعضی دیگر آیات متشابهند، اما آن کسانی که در دلها ایشان انحراف است تنها آیات متشابه را پیروی می‌کنند تا به این وسیله فتنه به پا کنند و به همین منظور آن آیات را به دلخواه خود تأویل می‌کنند. (آل عمران، آیه ۷).

آنها «ترمش قهرمانانه» عرصه دیپلماسی را تجدیدنظر در سیاست‌های کلی نظام و مواضع گذشته رهبر معظم انقلاب اسلامی در تهاجم به هویت و حیات سیاسی مستکبرین عالم و مقاومت و دفاع در برابر تهدیدهای دشمن معرفی نمودند. جواب این شبهات، محکماتی است که از بیانات ایشان در برابر تأویل نادرست متشابه کلام سخن آقا می‌آوریم.

در قاموس اندیشه سیاسی رهبر عزیز انقلاب اسلامی که ادامه دهنده، تابع و تکمیل کننده فقه سیاسی مکتب حضرت امام خمینی (قدس سره) در بُعد نظری و عملی است، اصول و قواعد کلی ثابتی وجود دارد که در مصلحت سنجی با فروع و متغیرات دیگر کنار گذاشته نمی‌شوند که یکی از آن اصول این است:

«امروز شرایط، شرایط دیگر و دشمن هم دشمن دیگری است؛ اما اصل عدم تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و اینکه هرگونه تسلیم و نرمش، او را تشویق خواهد کرد، پابرجاست. این اصل، همیشگی است.»^۱

«اصل سیاسی و زیربنای «نه شرقی، نه غربی» ما هم به هر حال محفوظ است. بر اساس این اصل، سیاست ما تابع هیچ رکنی - نه شرق و نه غرب - نخواهد شد و این جزو اصول و مبانی ماست و هیچ شکی هم در این نیست و تغییرپذیر هم نیست.»^۲

لذا این تحلیل که برخی مدعی شده اند:

«ولی فقیه همانند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌تواند به خاطر دستیابی به مصالح اهم، به طور موقت از امور مهم

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱.

چشم پوشی کند: «به خاطر مصلحت بزرگ تر از مصلحت کوچکتر دست بردارد»^۱ که در فقه به آن باب تزاحم و یا باب ترجیح اهم به مهم گفته می‌شود. این باب فقط به امور فردی و عبادی مانند: غسل، تیمم، حیض و نفاس که در کتب فقهی مرسوم است، اختصاص ندارد؛ بلکه کارایی آن در مسائل سیاسی و اجتماعی به مراتب بیشتر است و حتی شامل موضوع ارتباط و گفتگو با آمریکا نیز می‌شود. بنابراین اگر یک وقتی در این ارتباط مصلحت بزرگتر یا مصالح اهمی نهفته باشد به طور طبیعی چشم پوشی از امور مهم و تغییر سیاست بلا مانع خواهد شد.^۲

نیز باطل است، زیرا «اصل همیشگی عدم تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و این که هرگونه تسلیم و نرمش، او را تشویق خواهد کرد» در فقه حکومتی رهبر انقلاب مصلحت اهم و بزرگ تری معرفی شده است که در تزاحم با دیگر موارد مهم، همواره اهم باقی خواهد ماند. به بیان دیگر، ارتباط و مذاکره با آمریکا طبق نظرات مفصل ایشان که قبلاً گذشت، راهی است دوباره برای تسلط دوباره کفار بر کشور مسلمین که اگر هم در برهه ای مهم شود در تزاحم با مصلحت بزرگ تر «نه شرقی، نه غربی» و «قاعده نفی سبیل» کنار گذاشته خواهد شد.

رهبر معظم انقلاب معتقد به کارگیری روش «قهرمانانه» به عنوان یک تاکتیک و فریب در جنگ دیپلماسی،^۳ آن هم با رعایت همه قیودات

۱. شهید مطهری.

۲. «از صلح حدیبیه تا مقتضیات دهه ۹۰ خورشیدی، فقه حکومتی درباره "نرمش قهرمانانه" چه می‌گوید؟»، عبدالرحیم اباذری، سایت خبری تحلیلی عصر ایران:

<http://www.asriran.com/fa/news/297150>

۳. «دیپلماسی، یک جنگ است. شما این را به‌خوبی می‌دانید و آن را مثل جنگ های نظامی و برخورد های اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی و حمله و جابه‌جایی و فریب جنگی دارد، لمس کرده‌اید.

و شرایطش هستند که بر تحرک و فعالیت دستگاه سیاست خارجی می‌افزاید، اما این تاکتیک‌ها و تحرکات فقط کالبد و جسم عملیات دیپلماسی را تشکیل می‌دهد:

«دیپلماسی فقط تحرک و رفتن و نشستن و ملاقات کردن نیست؛ اینها کالبد دیپلماسی^۱ است، اینها آن جسم دیپلماسی است - که البته خیلی هم مهم است - جسم، یک روحی دارد؛ این را بایستی در دستگاه دیپلماسی تقویت کرد.»^۲

که این تحرکات و ملاقات‌ها و رفتن‌ها و نشستن‌ها در عالم دیپلماتیک از نگاه ایشان نباید با تضعیف پایه و اساس و روح دیپلماسی جمهوری اسلامی و در تضاد با آن باشد:

«اگر کسانی خیال می‌کنند راه نجات این کشور و این ملت در این است که ما بالاخره جلوی این قدرتهای گردن کلفت عالم، دم از عدم تعرض و پشیمانی از بعضی از کارهایی که آن‌ها اسمش را تندروی گذاشتند، بزنیم، دروغ می‌گویند. نخیر، این راه ذلت و اسارت ماست. اسارت جمهوری اسلامی در این است که با امریکا بسازد. اسارت

همه دیپلمات‌های دنیا مشغول جنگند.» (بیانات در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱).

۱. تحلیل رهبر معظم انقلاب اسلامی از دیپلماسی دولت یازدهم بعد از سفر نیویورک: «ما از تحرک دیپلماسی دولت حمایت می‌کنیم، پشتیبانی می‌کنیم چه در این قضایای سفر اخیر و چه غیر از آن، اهمیت می‌دهیم و از آنچه دولت ما انجام می‌دهد و تلاش‌های دیپلماتیک و تحرکی که در این زمینه می‌کنند، حمایت می‌کنیم.» (۱۳۹۲/۷/۱۳)

در واقع حمایت معظم له طبق مبنایی که از ایشان در متن آمده است، حمایت از همان کالبد دیپلماسی که فعالیت و تحرک است، می‌باشد و معظم له به اقدامات نایب‌الجاهی تیم دیپلماسی دولت که قطعاً بی توجهی به روح و پایه دیپلماسی جمهوری اسلامی بوده است در همان سخنرانی مذکور اشاره نمودند.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸.

جمهوری اسلامی و ملت ایران در این است که غرب احساس تسلیم و طوع در جمهوری اسلامی بکند. محال است که جمهوری اسلامی در مقابل دشمنان خدا، چنین حالت طوع و تسلیمی پیدا کند؛ آن گاه دیگر جمهوری اسلامی نخواهد بود. آن نظامی که به نام اسلام و به نام قرآن است، ولی در مقابل دشمنان خدا تسلیم می‌شود، دیگر جمهوری اسلامی نیست؛ جمهوری اسلامی امریکایی است، مکتب قرآن و راه انبیا نیست. آن چیزی که در راهش، جوانی‌ها از بین رفت، جانهای طیب و طاهر از تن‌ها خارج گردید، خونها ریخته شد، برایش زحمتها کشیده شد، این دیگر آن نخواهد بود. چهرهٔ جمهوری اسلامی نسبت به دشمنان خدا و متعرضان به حریم ملتها و شرف انسانیت و استقلال ملتها، چهره‌ی متعرض و عدم تسلیم است. ما بی‌اعتماد و مخالف و معارض بودیم و هستیم و خواهیم بود. سیاست جمهوری اسلامی و دیپلماسی ما، بر این پایه است.^۱

۴-۳-۲. نظر فقهی رهبر معظم انقلاب در موضوع مهاده

کسانی که «ترمش قهرمانانه» را همان «صلح حدیبیه» و یا «صلح امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)» تفسیر کردند، وارد حیطة و قلمرویی شدند که تکلیف شرعی و همچنین جزء اختیارات رهبری جامعهٔ اسلامی است. یعنی بر اساس مبانی فقه شیعه و فقه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی، مصالحهٔ با کفار همیشه و در هر شرایطی جایز نیست؛ بلکه جواز آن مشروط به پدید آمدن شرایط و اوضاعی است که «مصلحت» نام دارد. این مصلحت نیز بی ضابطه و بی قاعده و یا منحصر در مواردی که

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۵/۱.

ابتدائاً به ذهن می‌رسد - مانند ضعف مسلمانان و ناتوانی آن‌ها از ایستادگی در برابر کفار، یا امید مسلمان شدن کافران و یا به‌دست آوردن مال از آنان - نیست تا هر کسی بتواند شرایط سیاسی - اجتماعی روز را منطبق با مصلحتی تشخیص دهد که شرط شرعی جواز مصالحه با دشمن است. صلح و مهاندنه (آتش‌بس موقت) با دشمنی که قصد ریشه‌کنی مسلمانان را دارد، وابسته به مصالح متعدد و ضابطه مندی است که تشخیص آن در هر زمان و مکانی به عهده ولی امر و رهبر جامعه اسلامی است که به اعلان صلح و مهاندنه توسط ایشان منجر خواهد شد.^۱ با این توضیح، اگر ما هم اکنون در شرایط صلح حدیبیه با آمریکا قرار گرفته‌ایم و سیاست کلان نظام از مبارزه و ایستادگی در برابر مستکبرین حربی^۲ و دشمنان خونی^۳ به سوی سازش، مصالحه و داد و ستد امتیاز در میز مذاکره تغییر پیدا کرده است، ولی امر جامعه اسلامی، خود به اعلان صریح آن - به این که ما در شرایط صلح حدیبیه ایم - سزاوارتر از دیگرانی است که به ناحق درباره آن تحلیل و نظر ارائه دادند. کما این که ایشان کمی قبل تر درباره وضعیت استراتژیک کشور فرمودند:

«ما در شرائط بدر و خیریم. ما در شرائطی هستیم که ملت ما

۱. برای مطالعه مشروح نظرات فقهی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در باب مهاندنه، بنگرید به متن درس خارج معظم له در این موضوع: <http://farsi.khamenei.ir/page?id=7100>

۲. رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام مهم خویش به امت اسلامی در تاریخ ۱۳۸۳/۸/۲۸ مردم مظلوم عراق را تحت ظلم «مستکبرین حربی» خواندند.

۳. «امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قله‌ی اسلام‌طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته‌اند؛ استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. این‌ها به طور صریح، دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامی‌اند.» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۷/۱۵).

نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آنها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرفرازی دست پیدا کرده است.»^۱

۴-۷. بررسی صلح امام حسن (علیه‌السلام)

۴-۷-۱. یک تاکتیک قهرمانانه؛ نه سازش ذلیلانه

با توضیحی که در قسمت‌های قبل گذشت، تحلیل اقدام حضرت امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) نیز آسان‌تر است. صلح حضرت با مستکبرِ مستبد عصرش - معاویه - استثنایی بر اصل جهاد و مبارزه و ریشه کنی آن ظالم بوده است که به واسطهٔ سست ایمانی، عدم اطاعت از ولیّ و نبودن یاوران صدیق و مقاوم بر ایشان تحمیل شد و الاً مصالحه با معاویه، تصمیمی هم عرض و در کنار اقدام به جنگ و عملیات نظامی نبوده است که حضرت با اختیار و - بر اساس تحلیل نادرست برخی - راه عاقلانه‌تر را از میان آن دو گزینه ابتدائاً انتخاب نمایند؛ بلکه عناصر فرصت طلب و ضعیفی که فقط زبانشان با اسلام آشنا بود، فریب نیرنگ و مکر و حیلۀ مستکبر زمانه را خوردند و امام حق را در جبهۀ جهاد و مبارزه علیه کفر و شرک آراسته به ظواهر اسلام، تنها گذاشتند:

«آن سپاه عظیمی که در نخیلۀ کوفه منتظر بود که برود با شامیان بجنگد، آن سپاه را امیرالمؤمنین در آن جا جمع کرده بود. سردار این سپاه فقط عوض می‌شد. نه هدف و نه راه و نه عناصر عوض نشدند. امام حسن لشکرکشی را شروع کرد، قدرتمندانه، اما دست‌های خائن با استفاده از اوضاعی که بسیار هم دشوار و تاریک و تلخ بود و امام حسن

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ۱۳۹۰/۱۰/۱۹.

این اوضاع را به وجود نیاورده بود، بلکه به او به ارث رسیده بود. این اوضاع، موجب شد که رقیب امام حسن، یا دشمن امام حسن؛ آن کسی که حسن بن علی با او می‌خواست بجنگد، یعنی معاویه بن ابی‌سفیان، توفیق پیدا کرد عناصر فرصت‌طلب، عناصر دو دل، عناصر ضعیف، عناصری که تاب تحمل حکومت علوی را نمی‌آوردند، عناصری که زبانشان فقط با اسلام آشنا بود و دل آنها از اسلام خبر نداشت، این عناصر را یا به طرف خود جذب کند و جلب کند یا اقلأً از دوربر امام حسن آنها را کنار کند. کار بعدی معاویه چه بود؟ کار بعدی این بود که با همان لشکر جرّاری که در اختیار داشت، بر امام حسن تنها، بر امام حسنی که کسی در اطراف او از چهره‌های معروف نمانده بود مگر معدودی، بتازد. حسن بن علی را به شهادت برساند، سربازان و سرداران ممتاز را که صحابه پیغمبر بودند از میان بردارد، بعد به قول شاعر «خلالك الجو فضیضی و اتری» در یک فضای آزاد در یک محیط مساعد تبلیغات خود را شروع کند، ده‌سالی، پانزده سالی بگذرد، دیگر نه نامی از علی بن ابیطالب و اهل بیت پیغمبر و معارف اسلامی باقی بماند و نه خاطره‌ای از ماجراهای تلخی که امیرالمؤمنین با معاویه بن ابی‌سفیان گذرانیده است. چون امام حسن در صورتی شهید می‌شد که قبل از او حسین بن علی شهید شده باشد، ابوالفضل شهید شده باشد، محمد بن حنیفه شهید شده باشد، برادران و پسران شهید شده باشند، حجر بن عدی شهید شده باشد، رشید حجری شهید شده باشد؛ یعنی آن روزی امام حسن به شهادت می‌رسید که همه‌ی این یاران وفادار از اطراف او رفته باشند، در حالی که کار افشاگرانه لازم برای مشخص کردن و معرفی کردن آن جبهه‌ای که با علی بن ابیطالب و با امام حسن جنگیده بود انجام نشده. امام حسن این‌جا هم با یقین آگاهانه، تکلیف خودش را تشخیص داد. تکلیف او چه بود؟ ماندن. زنده ماندن

برای افشای چهره‌یی که با اسلام سینه به سینه شده بود، با علی جنگیده بود و حسن را از میدان خارج کرده بود و زمینه‌سازی برای یک مبارزه‌ی تمام نشدنی دراز مدت با تمام طواغیتی که معلوم بود بعد از آن خواهند آمد. امام حسن زنده ماند تا حسین بن علی بماند، تا حجرین عدی بماند، تا رشید حجری بماند. چهره‌های بزرگ را امام حسن نگه داشت برای شهادت‌های بزرگ تا در طول مدتی که امام حسن زنده بود، بعد از ماجرای صلح با معاویه در طول آن ده سالی که امام حسن مجتبی زنده بود، به کمک برادر و به کمک همه‌ی این اصحاب آن چنان وضعیتی را در جهان اسلام شروع کردند و به وجود آوردند که آن وضعیت نوید می‌داد که اگر یک روز حسین بن علی قیام بکند آن چنان وضعیتی پیش خواهد آمد که شما در تاریخ شاهد آن بودید و شهادت حسین بن علی خواهد توانست بعد از آن تبلیغات، بعد از آن همه کار فکری، بعد از آن همه افشاگری و روشنگری که در طول این سالیان انجام شده است، حادثه‌ی فراموش نشدنی جهان اسلام باشد. لذا امام حسن علی‌الظاهر صلح کرد که این در ظاهر ترک مخاصمه بود. یعنی جنگ نظامی را امام حسن با آن دشمنی که قبلاً باید افشا بشود و سپس با آن مبارزه بشود متوقف کرد تا جنگ سیاسی، جنگ فرهنگی، جنگ تبلیغاتی و جنگ اسلامی خود را با او شروع بکند. نتیجه این شد، که بعد از آنی که امام حسن از دنیا رفت و امام حسین (علیه‌السلام) هم ده سال دیگر همان راه امام حسن را ادامه داد، وضعیت دنیای اسلام به آن جایی رسید که دیگری توانست فرزند و پیغمبر یعنی فرزندی از فرزندان پیغمبر آن چنان شهادتی را بپذیرد که تا آخر تاریخ دنیا آن شهادت بماند، همچنانی که ماند؛ و منشأ آثار مقاومت‌آمیز و بزرگ بشود، همچنان که شد؛ و اسلام را زنده نگه بدارد، همچنان که زنده نگه داشت؛ این کار امام حسن. در مورد کار

امام حسن ما هیچ در صدد نمی‌آییم از موضع دفاع حرف بزنیم که چرا صلح کرد و چه موجباتی داشت. امام حسن اگر صلح نمی‌کرد یقیناً اسلام ضربه می‌دید، برای خاطر این که آن چهره افشا نشده بود، مردم هنوز حقایق را نمی‌دانستند، آن قدر نمی‌دانستند که هزاران نفر یا صدها هزار نفر از سربازان امام حسن حاضر شدند با آن طرفی که با امیرالمؤمنین جنگیده بود، دیگر نجنگند. تبلیغات و پول و کارهای گوناگون سیاسی آن چنان جو بدی به وجود آورده بود که امام حسن اگر آن روز خود را و جان خود را و جان اصحاب نزدیک و معدود خود را از دست می‌داد، چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند. بعد از چند سالی نام علی و نام حسن و نام حسین و نام افتخارات صدر اسلام و نام آن همه حوادث آموزنده اگر در لابلای کتاب‌های می‌ماند هم برای مدت زیادی نمی‌ماند و به درستی و تحریف نشده نمی‌ماند؛ این کار امام حسن بود. وقتی شما جمع‌بندی می‌کنید، می‌بینید کار امام حسن با کار امیرالمؤمنین، با کار امام حسین، با کار همه‌ی ائمه دارای یک مضمون و یک معنا است.»^۱

با این احوال، صلح امام حسن (علیه‌السلام) سازش ذلیلانه و چشم پوشی و بی‌تفاوتی نسبت به ستم پیشگی معاویه نبوده است. بهترین دلیل بر این مدعا نیز مفاد صلح نامه حضرت می‌باشد که معاویه متعهد شده است طبق قرآن و سنت عمل نماید، بر مسلمین شهرهای مملکت اسلامی ظلم نکند، بعد از خود جانشین تعیین ننماید و به شیعیان امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) متعرض نگردد.^۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۴/۳/۱۷.

۲. بنگرید به: علامه مجلسی، محمدباقر، زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، ترجمه محمدجواد نجفی، چاپ دوم اسلامیة، تهران ۱۳۶۲ ش. ص ۵۸-۵۹.

دلیل دیگر آن که حضرت اگر رزم نظامی علیه معاویه را بنا به مصلحت به مصالحه با او تمام کرد، اما از مقاومت، مبارزه و ایستادگی علیه او منصرف نشد و چون معاویه ایشان را در هر حال مانع زیاده خواهی خویش می‌دید، حضرت را به شهادت رساند.

۴-۷-۳. عاشورا تکرار خواهد شد؛ نه صلح امام حسن (علیه السلام)

کسانی هستند که شرایط امروز انقلاب اسلامی را در مواجهه با آمریکا همانند شرایطی می‌دانند که منتهی به تحمیل صلح به امام مجتبی (علیه السلام) شد و «نرمش قهرمانانه» را اشاره‌ای بر صلح حسنی (علیه السلام) می‌خوانند. نکته جالب این تحلیل‌ها نیز اینجا است که حتی صلح امام مجتبی (علیه السلام) را هم صحیح تفسیر نمی‌کنند و از آن به تنش زدایی، صلح طلبی و سازش نام می‌برند.^۱

رهبر معظم انقلاب سال‌ها قبل در جواب آنها تحمیل چنان صلحی را بر انقلاب اسلامی غیرممکن دانستند و این‌گونه فرمودند:

«امام حسن مجتبی (علیه آلاف التَّحیة و التَّناء) آن روز به خاطر یک مصلحت بزرگتر که حفظ اصل اسلام بود، مجبور شد این تحمیل را به جان بپذیرد. حکومت را از امام حسن گرفتند. وقتی حکومت از مرکز دینی خودش خارج شد و در اختیار دنیاطلبان و دنیاداران گذاشته شد، بدیهی است که بعد هم حادثه کربلا پیش می‌آید. آن وقت حادثه کربلا حادثه‌ای نیست که بشود جلوش را گرفت؛ اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

۱. بنگرید به: «منبع تعبیر نرمش قهرمانانه رهبری کجاست؟»، محمدرضا اسدزاده، خبر آنلاین:

[http://www.khabaronline.ir/\(X\(1\)S\(agmgmrptzlsnscswiwdpf2wb\)\)/detail/313512/weblog/asadzadeh](http://www.khabaronline.ir/(X(1)S(agmgmrptzlsnscswiwdpf2wb))/detail/313512/weblog/asadzadeh)

نیز: «نرمش قهرمانانه»؛ اشاره ظریف رهبری به «صلح امام حسن»، مهرداد خدیو، سایت خبری تحلیلی

عصر ایران: <http://www.asriran.com/fa/news/296106>

بیست سال بعد از آن که حکومت اسلامی از دست محور اصلی آن که امامت است گرفته شد، امام حسین فرزند پیامبر در کربلا با آن وضع فجیع به خاک و خون کشیده شد. اساس حمله و نقشه دشمن این است که حکومت را از محور اصلی محور امامت، محور دین خارج کند. بعد خاطرش جمع است که همه کار خواهد کرد! من به شما عرض کنم که امروز دشمن قادر نیست. امروز به برکت ملت هوشیاری مثل ملت ایران، به برکت افکار برانگیخته‌ای مثل افکار ملت ایران، به برکت انقلاب بزرگی مثل انقلاب اسلامی ایران، نه امریکا و نه بزرگ‌تر از امریکا اگر در قدرتهای مادی باشد قادر نیستند حادثه‌ای مثل حادثه صلح امام حسن را بر دنیای اسلام تحمیل کنند. اینجا اگر دشمن زیاد فشار بیاورد، حادثه کربلا اتفاق خواهد افتاد.»^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱.

۵. اصل عدم تقیه

۵-۱. تعریف تقیه

تقیه یعنی انسان در مواجهه با مخالفان و دشمنان از ترس ضرر رساندن دینی و دنیوی آنها، اعتقاد حش را مخفی نماید. تقیه با توجه به شرایط سیاسی - اجتماعی جایز و یا واجب خواهد شد.^۱

۵-۲. تقیه در عصر ائمه (علیهم السلام)

تقیه در دوران خفقان سلطه حاکمیت‌های جبار و ظالمانه، سپری محکم برای حفظ موجودیت نیروها و استعداد‌های انسانی جبهه حق بوده است. وقتی پیروان اندک حق از سوی طاغوت‌ها و مستکبران به اکراه و اضطراب کشانده می‌شدند تا معتقدات و حقانیت خویش را هویدا کنند و به دست خود اسباب کشته شدن یا شکنجه و اسارتشان فراهم شود، تقیه بهترین ابزار دفاعی آنها خواهد بود. گروهی از مسلمانان در چنگال مشرکین گرفتار شدند و آنها با شکنجه درصدد آمدند تا مسلمانان را از

۱. بنگرید به: محمد بن محمد مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه، محقق و مصحح: حسین درگاهی، یک مجلد، چاپ دوم، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۸.

ایمان به خدا برگردانند، یاسر و سمیه - اولین شهدای اسلام - سخت مقاومت کردند، اما عمار پسر آنها ایمان خویش را کتمان نمود و آنچه کفار خواستند بر زبان آورد. بعداً این عمل عمار مورد توبیخ دیگران قرار گرفت و خودش نیز فکر می کرد ایمانش از بین رفته است، اما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از او دلجویی نمود و فرمود: اگر بار دیگر در چنین شرایطی قرار گرفتی، خواسته آنها را اجابت کن و جان خویش را نجات بده! بعد از این واقعه آیه ۱۰۶ سوره نحل نازل شد:^۲

«مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مِنْ أَكْرَهٍ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛^۳ هر کس بعد از آنکه به خدا ایمان آورده باز کافر شد - نه آنکه به زبان از روی اجبار کافر شود و دلش در ایمان ثابت باشد (مانند عمار یاسر) بلکه به اختیار کافر شد و با رضا و رغبت و هوای نفس، دلش آکنده به ظلمت کفر گشت - بر آنها خشم و غضب خدا و عذاب بزرگ دوزخ خواهد بود.

این اولین تجربه به کارگیری تقیه توسط مسلمانانی بود که در عُسر و حرج و بی هیچ قدرت و حاکمیتی باید از موجودیت خویش در مقابل مستکبرین و زورگویان مشرک این چنین دفاع کنند. بعدها در عصر امامان شیعه (علیهم السلام) و مخصوصاً بعد از واقعه کربلا، تقیه به یکی از واجبات و ملزومات رفتار سیاسی ائمه (علیهم السلام) و شیعیانشان برای مبارزه و بقا در محیط حاکمیت طواغیت شد. به عنوان نمونه، دوره امامت امام

۱. بنگرید به: بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، ۵ جلد، دار الکتب الاسلامیه، چاپ، سیزدهم، تهران، ۱۳۸۲ ش، ص ۶۰۳-۶۰۱.
 ۲. بنگرید به: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۴۵۷.
 ۳. نحل، آیه ۱۰۶.

صادق (علیه السلام) که با زمانه بی‌یاوری برای قیام لله و اقامه حاکمیت حق مصادف شده است،^۱ برای پیشبرد مبارزات مخفیانه خویش علیه بنی‌عباس و جلوگیری از ریخته شدن خون یاران اندکش، عدم تقیه توسط آنها را معادل بی‌ایمانی معرفی می‌نماید:

«إِنَّ التَّقِيَّةَ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ، وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ»؛^۲ تقیه سپر مؤمن است و کسی که تقیه ندارد، ایمان هم ندارد.

این بیان برای آن است تا شیعیان و پیروان مکتب امامت به اهمیت رعایت تقیه در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بیش از پیش توجه نمایند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نقش تقیه در عصر ائمه (علیهم السلام) را این گونه تبیین می‌نماید:

«تقیه، یعنی همین که امام سجاد و امام باقر و امام صادق و بقیه‌ی ائمه، این کارهایی که گفتم، بکنند و نگذارند این پوشش و حفاظ از روی کارها برداشته بشود، و اگر کسی هم تندی می‌کند، بهش بگویند تندی نکن. که در آن روایت، حضرت می‌فرماید: «لیس من احتمال امرنا التصدیق بنا»؛ این جور نیستش که کسی که حامل امر ماست و ولایت ما را قبول

۱. گفت و گوی سهل بن حسن خراسانی با امام صادق علیه السلام درباره‌ی خواسته‌ی او برای قیام در راه خدا و جواب امام علیه السلام که فرمودند: «لا تُخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا تَجِدُ فِيهِ خُمُسَةَ مُعَاوِدِينَ لَنَا؛ ما در زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم قیام نخواهیم کرد» تصویری از وضعیت کمی یاوران راستین و شرایط مناسب برای اقامه حاکمیت حق است. (بنگرید به: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷، ص ۱۱۳۴).

۲. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد (ط - الحدیثه)، ۱ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۵.

دارد، فقط همین تصدیق بکند ما راه کافی است نه، بلکه «من احتمال صدقنا - حالا قریب به این الفاظ - کتمان سوتنا» سرّ ما را باید مکتوم بدارید. نباید به کسی بگویید. بعد حضرت می گویند: «هَذَا ابوحنیفه و له اصحاب هذا فلان و له اصحاب»؛ کسی به کار اینها کاری ندارد. من هم خب فرزند پیغمبر هستم، زیر پوشش قرآن و حدیث و معارف می توانستم اصحابی داشته باشم، کسی به کار من کار نداشته باشد. شماها می روید می گویند، به این جا و آن جا می گویند، کتمان اسرار مرا می کنید، این قدر برای ما مشکل درست می کنید. این فرمایش امام صادق است.^۱

«تقیه یعنی عاقلانه رفتار کردن برای این که به دشمن امکان مانع تراشی ندهیم. این، آن مستحصل معنای تقیه است. اینی که می بینید مفهوم تقیه و مصادیق تقیه، عرض عریضی پیدا می کند در زندگی ائمه (علیهم السلام) - کسانی که کار کردند در زندگی ائمه می دانند من چه می گویم - این به خاطر این است که، تقیه یک چنین مفهوم کشداری دارد. یعنی باید کاری کنید که دشمن نتواند جلوی حرکت شما، مانع بوجود بیاورد. حالا یک وقت این است که انسان از روی مانع عبور می کند، یک وقت می بیند مانع هست از کنارش عبور می کند، یک وقت مانع را سوراخ می کند، عبور می کند؛ یک وقت دشمن را خواب می کند که مانع را نگذارد، یک وقت از غفلت دشمن استفاده می کند، بدون این که او بفهمد مانع را یواشکی کنار می زند. توجه می کنید؟ تقیه این است.»^۲

۱. سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم افتتاحیه اجلاسیه کنگره جهانی حضرت رضا (علیه السلام) در مشهد ۲۸/۴/۱۳۶۵.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای حوزه ها و مدارس خارج از کشور ۱۳/۱۱/۱۳۷۶.

پس دلیل اصلی وجوب و جواز به کارگیری تقیه در عصر اهل بیت (علیهم السلام) نداشتن حاکمیت و قدرت و امکانات در تقابل با مستکبران و مستبدان و حفظ نمودن نیروهای اندکی بود که در رویارویی‌های علنی و در مصاف با دشمن، بیم از بین رفتن آنها و نابود شدن گستردهٔ جبههٔ حق وجود داشت.

۳-۵. جایگاه تقیه در دوران معاصر

وقتی حاکمیت ظالمان و دشمنان دین خدا تمام عزم خود را برای ریشه‌کنی اسلام جزم نمودند و به وسیلهٔ استبداد پهلوی قلب دین را در ایران نشانه رفتند، حضرت امام (قدس سره) تقیه را جایز ندانستند و در راه خدا علیه طواغیت قیام کردند و در اولین پیام‌هایشان حرمت تقیه را به علما اعلام نمودند:

«حضرات آقایان توجه دارند اصول اسلام در معرض خطر است. قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال، تقیه حرام است؛ و اظهار حقایق، واجب و لو بَلَّغَ مَا بَلَّغَ»^۱

و عدم تقیه در برابر کفر و شرک به یکی از مبانی حرکت ایشان حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تبدیل شد:

«ما قیامان، شما قیامتان برای خدا باید باشد. وقتی دین خدا را انسان در خطر دید، برای خدا باید قیام کند. وقتی احکام اسلام را در خطر دید، برای خدا باید قیام کند. توانست، عمل کرده به وظیفه و پیش هم برده؛ توانست، عمل به وظیفه کرده. گاهی وقتها تقیه حرام است. آن وقتی که انسان دید که دین خدا در خطر است، نمی‌تواند تقیه بکند.

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۷۸.

آن وقت باید هر چه بشود برود. تقیّه در فروع است، در اصول نیست. تقیّه برای حفظ دین است. جایی که دین در خطر بود جای تقیّه نیست، جای سکوت نیست.»^۱

پیروزی انقلاب اسلامی حادثه بزرگ سده اخیر بود؛ چرا که از درون آن - بعد از سال‌های متمادی که دین از حاکمیت عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کنار گذاشته شده بود - نظام سیاسی منسجمی بر اساس آموزه‌های اسلام علیرغم میل مستکبران عالم تشکیل شد و در طول بیش از سه دهه به بزرگ‌ترین دشمن منافع نامشروع و استثمار و استعمار ملت‌های مظلوم توسط دیکتاتورهای کافر جهانی تبدیل شد. آنها به خوبی دریافته‌اند که اسلام، دلیل اصلی بیداری و رهایی ایرانیان از یوغ بندگی است و هم اکنون موج بیداری اسلامی^۲ و بازگشت به هویت و اصالت برای شکستن هیمنه مستکبران، جهان اسلام را درنور دیده است. به همین دلیل، «امروز مجموعه اسلام، از سوی دشمنان مورد تهدید است. امروز از سوی قدرت‌های استکبار جهانی، اصل دین مورد فشار و تهدید است. امریکا و اذناش خوب فهمیده‌اند که با حاکمیت و شیوع دین و معرفت دینی، نخواهند توانست نظام سلطه عالمی و جهانی را حفظ کنند.»^۳

با توضیحی که گذشت، این دوران عصری است که همه کفر و شرک دست به دست هم داده‌اند تا اسلام را از بین ببرند، حال آیا با توجه

۱. صحیفه امام، ج ۸، ص ۸.

۲. «امروز به برکت پیروزی اسلام در ایران، در همه جای جهان اسلام موج بیداری اسلامی رو به افزایش و اقتدار است.» (پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۷/۱۲/۲۸).

۳. سخنرانی رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با میهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس جهانی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) ۱۳۶۹/۰۳/۰۴.

به قدرت و عظمتی که بر اثر مجاهدت‌ها و شهادت‌ها نصیب حاکمیت حق و پرچمدار اسلام ناب محمدی در جهان - یعنی جمهوری اسلامی - در مقطع حساس پیچ تاریخی شده است، آیا باید در برابر جبهه کفر و شرک بین الملل تقیه نمود و جواز و وجوب تقیه را از وضعیت عسرت پیروان حق به عصر معاصر کشاند؟ آیا می‌توان در مقابل هجوم بی‌امان صهیونیست‌های جرّار به کیان اسلامی و پشتیبانی آمریکا از او تقیه نمود؟

«امام بزرگوار همان کسی است که در مورد مسئله رژیم صهیونیستی از هیچ کس تقیه نکرد؛ اینکه رژیم صهیونیستی یک غده‌ی سرطانی است و باید از بین برود، این حرف امام است. در قبال شرارت‌های قدرت مستکبر و مداخله‌گر آمریکا هیچ تقیه‌ای و ملاحظه‌ای نکرد.»^۱

«تنها پرچمی که در مقابل آنها [آمریکا] ایستاده است، دولت و ملت بدون تفاوت کجاست؟ جمهوری اسلامی، آحاد مردم و دولت، همراه آنها؛ و رئیس جمهور، همراه آنها؛ و مسئولین کشور، همراه آنها، بدون تقیه ظلم را نفی می‌کنند، تبعیض را نفی می‌کنند، دست‌اندازی را نفی می‌کنند.»^۲

«بعضی‌ها مصلحت اندیشانه نگویند حالا خوب بود یک چند سالی شما هیچی نمی‌گفتید، آمریکا را بیدار نمی‌کردید، قدرتهای بزرگ را - مخصوصاً قدرتهای غربی را - که با آنها روبرو هستید، بیدارشان نمی‌کردید تا خوب خودتان را جا می‌انداختید، بعد با آنها مبارزه می‌کردید. این حرف به نظر ما ناشی از عدم توجه به حقیقت این انقلاب است. اولاً انقلابی که در اولین قدمش بزرگترین و پرخرج‌ترین دژهای استکبار و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴.

آمریکا را در منطقه نابود می‌کند، این می‌تواند تقیه کند، بگوید ما با قدرتهای بزرگ مخالف نیستیم؟ سر قدرتها را از این جهت کلاه بگذارد؟ مگر می‌شود چنین چیزی؟ همه می‌دانند و همه می‌فهمند که این انقلاب ضد استکبار جهانی است.»^۱

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با گروه از نیروهای سپاه ۱۳۶۳/۷/۱۰.

۶. اصل عدم حسن ظن و اعتماد

یکی دیگر از ضابطه‌های مهم رفتاری در مواجهه با مستکبرین، بدگمانی و بی‌اعتمادی نسبت به تمامی رفتارها، گفتارها، تعهدات و وعده‌های آنها است. قرآن کریم به مسلمانان تأکید ویژه‌ای می‌نماید که بر اثر اعتماد بی‌جا به غیرخودی و دشمن، آنها را معتمد و محرم فرض نکنید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مِن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید، آنها از هر گونه شر و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند، آنها دوست دارند، شما در زحمت و رنج باشید.

این آیه حامل دو هشدار در عرصه تعاملات بین‌المللی است: اولاً: دشمنان در رساندن شر و فساد نسبت به مسلمانان کوتاهی نمی‌کنند: «لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا»؛ ثانیاً: هرگز سوابق دوستی و رفاقت ظاهری دشمنان، مانع از آن نیست که به خاطر جدایی در مذهب و مسلک،

۱. آل عمران، آیه ۱۱۸.

آرزوی زحمت و زیان مسلمانان را در دل خود نپروراندند، بلکه پیوسته علاقه آنها این است که مسلمانان در رنج و زحمت باشند «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ»^۱. قطعاً به دشمن، آن هم دشمنی که با سوابقش ثابت کرده است که جز ریشه کنی ما هدف دیگری در سر ندارد، نباید به واسطه یک تغییر لحن و ادبیات و یا حتی ندامت از عملکرد گذشته‌اش اطمینان نمود، که اگر این اعتماد به مستکبرین در نظام اسلامی رسوخ نماید، بستر مناسبی برای فریب خوردن از آنان فراهم شده است:

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «جَمَاعُ الْغُرُورِ فِي الْاِسْتِنَامَةِ اِلَى الْعَدُوِّ»^۲؛ اعتماد کردن به دشمن، عامل فریب خوردن [از او] است. همچنین حضرت در فرمانی به مالک اشتر هشدار می‌دهد:

«إِنَّ الْعَدُوَّ رِمًا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ، فَخُذْ بِالْحَزْمِ، وَاتَّهَمْ فِي ذَلِكَ حَسَنَ الظَّنِّ»^۳؛ گاه دشمن، خود را به تو نزدیک می‌کند، تا غافلگیرت سازد؛ پس دوراندیش و محتاط باش و خوش بینی به دشمن را متهم کن.

خوش بینی به مستکبر و گمان به این که تغییر لحن او می‌تواند مقدمه‌ای برای تغییر رفتار خصمانه او باشد، باعث شد تا بعد از اقدامات نابجای هیئت دیپلماتیک دولت یازدهم در نیویورک در کم نمودن سطح بی‌اعتمادی نسبت به دولتمردان مغرور آمریکا و انجام مذاکره تلفنی و ملاقات حضوری دو وزیر امور خارجه، آثار نیرنگ و فریب دشمن با

۱. بنگرید به: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۶۴.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۱۱.

۳. محمد دشتی، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

موضع‌گیری‌های بعدی آنها^۱ آشکار شود تا تجربه‌ای باشد برای کسانی که به اصل عدم حسن ظن و اعتماد به مستکبران غفلت ورزیدند. لذا رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه فرمودند:

«برخی از آنچه در سفر نیویورک پیش آمد، به نظر ما بجا نبود؛ لکن ما به هیئت دیپلماسی ملت عزیزمان و دولت خدمتگزارمان خوشبین هستیم. به آمریکایی‌ها بدبینیم؛ به آنها هیچ اعتمادی نداریم. ما دولت ایالات متحده‌ی آمریکا را دولتی غیرقابل اعتماد، دولتی خودبترترین، دولتی غیرمنطقی و عهدشکن، دولتی سخت در پنجه‌ی تصرف و اقتدار شبکه‌ی صهیونیسم بین‌المللی می‌دانیم.»^۲

-
۱. بعد از مذاکره تلفنی آقای روحانی باراک اوباما در نشست خبری که با نتانیاهو داشت گفت: با چشمانی باز وارد مذاکره شده‌ایم. هیچ گزینه‌ای از جمله گزینه نظامی را از روی میز برنداشته‌ایم. وی افزود: ایران به خاطر تحریم‌ها آماده مذاکره شد و ما هم می‌خواهیم با حسن نیت، اراده آن‌ها را بیازماییم. رئیس‌جمهور آمریکا تصریح کرد که در موضوع ایران، با مقامات اسرائیلی رایزنی مداوم خواهد کرد. وی افزود تا زمانی که طرف ایرانی گام عملی‌ای برندارد، آمریکا نیز اقدامی صورت نخواهد داد.
<http://www.farsnews.com/Mobile/mobnwstxt.aspx?nn=13920708001451>
 ۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دانشکده افسری شهید ستاری ۱۳/۷/۱۳۹۲.

فصل سوم (ضمیمه): گوشه ای از جنایات استکبار جهانی؛ آمریکا

مقدمه (جنایات مستکبران؛ از دیروز تا امروز)
الف) جنایات های صورت گرفته علیه ملت ایران
ب) جنایات های صورت گرفته علیه اسلام و کشورهای اسلامی



مقدمه) جنایات مستکبران؛ از دیروز تا امروز

دین اسلام مانند سایر ادیان الهی در صدد اصلاح بشر و رها ساختن جسم و روح وی از استکبار درونی و بیرونی است. طبیعی است که چنین نگاهی با خواسته‌های نامشروع اربابان زر و زور سازگار نبوده و آنان را برای نابودی اسلام متقاعد خواهد ساخت. لذا در طول تاریخ همواره شاهد نزاع و درگیری بین اسلام و مستکبران عالم هستیم. این صحنه برخورد بین حق و باطل، از صدر اسلام و در شکل‌های مختلفی همچون سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی بوجود آمده است.

جنگ‌های بدر،^۱ احد^۲ و خندق،^۳ حادثه شعب ابیطالب و محاصره اقتصادی مسلمانان،^۴ شکنجه و آزار پیامبر^۵ و مسلمانان^۶ و بکارگیری

۱. بنگرید به: فروغ ابدیت ص ۴۷۱.

۲. همان، ص ۵۲۱.

۳. همان، ص ۶۰۹.

۴. همان، ص ۳۴۰.

۵. همان، ص ۲۶۴.

۶. همان، ص ۲۶۹.

افرادی برای سرودن اشعار رکیک^۱ در صدر اسلام از جمله اقدامات دشمنان برای ضربه زدن و نابودی دین اسلام بوده است. این دشمنی‌ها تا کنون نیز ادامه داشته و گذر زمان باعث کم‌رنگ شدن و از بین رفتن آنها نشده است، بلکه با شدت بیشتری نیز در جریان می‌باشد. برای اثبات این مطلب تنها لازم است به برخی از جنایت‌هایی که آمریکا - این کافر حربی و دشمن امروزی اسلام - علیه دین مبین اسلام، کشورهای اسلامی و به ویژه ایران اسلامی روا شده اشاره کنیم.

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۲ ص ۲۵۰.

الف) جنایات‌های صورت گرفته علیه ملت ایران

۱. جنایات سیاسی

دولت آمریکا در راستای دشمنی‌ها و اقدامات خصمانه خود علیه ملت ایران همواره سعی نموده تا ایران در عرصه‌های بین‌المللی منزوی و تنها گردد. محور شرارت خواندن ایران از سوی آمریکا^۱، تشویق، تهدید و تطمیع کشورهای مختلف برای قطع ارتباط با ایران از جمله این اقدامات در عرصه سیاسی است.^۲ هدف آمریکا از این اقدامات در تنگنا قرار گرفتن ملت ایران برای دست برداشتن از آرمان‌های اسلامی و انقلابی است از همین رو ایران اسلامی در عرصه‌های مختلفی چون فرهنگی، اقتصادی، امنیتی نظامی و... شاهد عداوت‌ها و کینه توزی‌های آمریکا بوده است که در ادامه به برخی از این دشمنی‌ها در عرصه‌های مربوطه اشاره خواهد شد.

۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۹ بهمن ۱۳۸۲.

۲. همشهری آنلاین:

۲. جنایات فرهنگی

مخدوش کردن چهره جهانی ایران و ایجاد تصویری دروغین از آن نزد مردم جهان از جمله اقدامات همیشگی آمریکا و ایادی آن بوده و هست. در همین راستا استکبار جهانی با استفاده از تمامی امکانات خود در جهان اقداماتی را علیه جمهوری اسلامی ایران نموده است که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره داشت:

۲-۱. تحریم صدا و سیمای ایران و شبکه‌های بین‌المللی آن

تحریم شبکه‌های ایرانی و جلوگیری از پخش ماهواره‌ای آنها از جمله اقدامات دولت آمریکا و ایادی آن بر ضد ایران است. این حرکت که منفعلانه و با دستپاچی صورت گرفت، تنها برای خاموش کردن ندای حق‌خواهی ایران در جهان و روشنگری‌های او علیه استکبار جهانی بود. در همین راستا وزارت خزانه‌داری آمریکا در تاریخ ۹۱/۱۱/۱۸ صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و «عزت‌الله ضرغامی» رئیس آن را تحت تحریم‌های جدید خود قرار داد.^۱ طبق گزارشات منتشر شده توسط سایت پرس تی وی، در نشستی رالف شونمان (مولف آمریکایی و کارشناس مسائل سیاسی) اعلام کرد NASA از اول ژانویه شبکه‌های ایرانی را قطع خواهد کرد. در روز ۱۹ ژوئن، ارائه‌دهندگان خدمات ماهواره‌ای «اینتلست» اعلام کردند به دلیل همراهی با تحریم‌های اعمال شده علیه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، دیگر به شبکه‌های ایرانی خصوصاً شبکه پرس تی وی خدمات نمی‌دهند. آنها

تاکنون پخش این شبکه‌ها را در کشورهای انگلیس، فرانسه، آلمان و اسپانیا متوقف کرده‌اند.^۱

اخیرا مسؤولان اینترنت است اذعان کرده بودند که دولت آمریکا به این شرکت توصیه کرده مجوز پخش شبکه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران را تمدید نکند. بر اساس این گزارش، پخش برنامه‌های شبکه انگلیسی زبان پرس‌تی‌وی از ماهواره‌های هاتبرد، یوتل‌ست و اینترنت‌ست و پخش شبکه‌های اسپانیایی زبان هیسپان و شبکه عربی العالم هم از ماهواره یوتل‌ست و گالکسی متوقف شده است. پیش از این نیز شرکت خدمات ماهواره‌ای یوتل‌ست و چند شرکت ماهواره‌ای دیگر در اقدامی مشابه و تحت فشار لابی صهیونیستی پخش ماهواره‌ای شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی ایران را متوقف کرده بودند. این اقدامات به صورت مستقیم و آشکار تحت فشار لابی صهیونیستی در آمریکا و کشورهای غربی صورت گرفته است. منابع آگاه اعلام کرده‌اند که «اداره نظارت بر دارایی‌های خارجی» آمریکا، وابسته به وزارت خزانه‌داری این کشور که ریاست آن را یک یهودی بنام «آدارم اس‌زوبین» بر عهده دارد، عامل اصلی فشار بر شرکت ماهواره‌ای اینترنت‌ست است.^۲

۲-۳. ساخت فیلم‌های ضد ایرانی

تمامی این فیلم‌ها برای مخدوش کردن ذهن مردم جهان علیه ایران و ارائه تصویری وحشتناک و غیر واقعی به آنها درباره وقایع رخ داده و

۱. <http://taraznews.com/content/36439>

۲. <http://www.darichekhabar.ir/News.aspx?ID=60759>

ایستادگی‌های ملت ایران در برابر استکبار جهانی است. برای نمونه تعدادی از این فیلم‌ها به این شرح است:

- * فیلم «آرگو» به کارگردانی بن‌افلک در سال ۲۰۱۲ میلادی با موضوع روایتی تاریخی از واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران.^۱
- * فیلم «زمانی برای خیانت» با کارگردانی ویلیام بالدوین در سال ۲۰۱۲ میلادی با این موضوع که فردی سپاهی جاسوس سیا می‌شود.^۲
- * فیلم «۳۰۰» با کارگردانی زاک اسنایدر در سال ۲۰۰۶ میلادی با موضوع نبرد خشایارشا با سپاه یونان که در آن مردم ایران مردمی وحشی و به دور از تمدن جلوه داده شده است.^۳
- * فیلم «بدون دخترم هرگز» به کارگردانی برایان گیلبرت در سال ۱۹۹۱ میلادی با موضوع فضای غالب در ایران که برای مخدوش جلوه دادن آن ساخته شد.^۴
- * فیلم «سنگسار ثریا» با کارگردانی سیروس نورسته در سال ۲۰۰۸ میلادی با موضوع حدود الهی و نقض حقوق بشر در ایران برای زیر سؤال بردن احکام نورانی اسلام.^۵

۱. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910417000266>

۲. همان.

۳. همان و نیز ویکی پدیا:
<http://fa.wikipedia.org>

۴. ویکی پدیا:
<http://fa.wikipedia.org/wiki>

۵. همان.

۳. جنایات اقتصادی

اقتصاد شریان زندگی یک جامعه است و همواره از جانب مستکبران عالم به عنوان اهرمی برای فشار بر ملت‌های مظلوم مورد استفاده قرار گرفته است. تحریم اقتصادی پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد که از آن جمله می‌توان به تحریم اقتصادی شعب ابی طالب در صدر اسلام اشاره نمود. در این زمان ایران اسلامی نیز که ادامه دهنده راه انبیاء و قیام کننده علیه استکبار جهانی است، از جنبه‌های مختلف مورد تحریم آمریکا و دست‌نشاندهای آن قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۳-۴. بلوکه کردن دارائی‌های ایران در آمریکا

در ۱۲ نوامبر ۱۹۷۹ میلادی برابر با ۲۳ آبان ۱۳۵۸ هجری شمسی تمامی دارایی‌ها و اموال منقول و غیر منقول ایران توسط ایالات متحده آمریکا توقیف شد و هنوز پس از گذشت بیش از سه دهه، دولت آمریکا همچنان ثروت ملی ایران را غاصبانه نگه داشته است.^۱

۳-۲. تحریم بانک‌ها، موسسات و ارگان‌های ایرانی

* در تاریخ ۹۰/۱۱/۴ وزارت خزانه‌داری آمریکا در اقدامی پس از تصویب تحریم‌هایی علیه بانک مرکزی ایران، تحریم‌هایی را علیه بانک تجارت جمهوری اسلامی ایران نیز اعلام کرد.^۲

۱. سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی:

<http://www.irdc.ir/fa/calendar/163/default.aspx>

۲. <http://www.asriran.com/fa/news/>

* دی ماه سال ۱۳۸۵ بانک سپه ایران به اتهام ارتباط با یک مؤسسه مرتبط با فناوری موشکی در کره شمالی مورد تحریم یک جانبه آمریکا قرار گرفت.^۱

* در تاریخ ۸۹/۱۰/۲۴ وزارت خزانه‌داری آمریکا در اقدامی ۲۴ شرکت کشتیرانی بین‌المللی را به علت تجارت با ایران تحریم کرد.^۲

* در تاریخ ۹۰/۴/۲ آمریکا تحریم‌هایی را علیه شرکت «ایران ایر» اعمال کرد و آمریکایی‌ها را از انجام هرگونه معامله با این شرکت هواپیمایی منع کرد.^۳

* در تاریخ ۹۰/۱۱/۲۸ وزارت خزانه‌داری آمریکا در اقدامی وزارت اطلاعات ایران را به دلیل آنچه که آن را حمایت از دولت سوریه خواندند در لیست تحریم‌های آمریکا قرار داد. طبق این تحریم‌ها، دارایی‌های وزارت اطلاعات ایران توقیف شده و به مقامات این وزارتخانه برای سفر به آمریکا روایت داده نمی‌شود.^۴

* در تاریخ ۹۲/۳/۱۰ هشت شرکت پتروشیمی ایرانی تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفتند. این نخستین بار بود که واکنش صنعت پتروشیمی ایران را تحریم می‌کند و منبع گسترده‌ای از درآمدهای خارجی ایران پس از نفت را هدف قرار داده است.^۵

۱. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۹۶۰ به تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۲، صفحه ۱۲

۲. <http://www.asriran.com/fa/news/>

۳. <http://www.asriran.com/fa/news/>

۴. <http://www.asriran.com/fa/news/>

۵. <http://www.asriran.com/fa/news/>

۳-۳. تحریم شرکتهای طرف قرارداد با ایران

* دولت آمریکا در سال ۱۹۹۶ قانونی با عنوان داماتو به تصویب رساند که بر اساس آن شرکتهایی که در یک سال بیش از چهل میلیون دلار در ایران سرمایه گذاری کنند از داد و ستد با دولت آمریکا محروم خواهند شد.^۱

* دولت آمریکا در راستای تحریمهای ایران، قانونی را تصویب نمود که بر اساس آن، دارائیهای تمام شرکتهای طرف قرارداد با ایران را بلوکه خواهد نمود.^۲ در پی اعمال این قانون، وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد هیلاری کلینتون وزیر خارجه این کشور شرکت دولتی «ژوهای ژنرونک» چین، شرکت نفتی «کوئو» در سنگاپور و شرکت نفتی «فال» در امارات را به خاطر فروش بنزین به ایران با تحریمهای سنگینی روبرو کرده است براساس تحریمهای اعمال شده هر سه شرکت از دریافت مجوزهای صادرات به آمریکا، خدمات بانکی و پرداخت وامهای بیش از ۱۰ میلیون دلاری موسسههای مالی آمریکایی محروم خواهند شد.^۳

۳-۴. تحریم نفت و گاز ایران

از جمله تأثیرگذارترین تحریمها علیه ایران می توان به تحریم صادرات نفت ایران و بانک مرکزی ایران اشاره کرد که به موجب آن اقتصاد تک محصولی ایران (نفت) و نقش بانک مرکزی در وصول درآمد حاصل از

۱. <http://fa.wikipedia.org/wiki/>

۲. منبع: همشهری آنلاین، چاپ شده در تاریخ سه شنبه ۲۷ دی ۱۳۹۰
<http://www.hamshahronline.ir/news-157250.aspx>

۳. <http://www.tabnak.ir/fa/news/219478>

فروش نفت به کشورهای جهان هدف قرار گرفته است. با توجه به تحریم هردو بخش نامبرده، اقتصاد ایران دچار مشکل جدی شده است.^۱

۴. جنایات امنیتی - نظامی

استفاده از زور و قدرت نظامی، اقدام دیگر آمریکا برای ضربه زدن به ایران و سرنگون کردن جمهوری اسلامی است و از لحظه طلوع انقلاب اسلامی تاکنون ادامه یافته است. به همین مناسبت در اینجا به سیاهه‌ای از این اقدامات پیدا و پنهان آمریکا علیه ایران اسلامی اشاره می‌شود:

۴-۱. کودتای ۲۸ مرداد

در ۱۹ اگوست ۱۹۵۳ میلادی برابر با ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هجری شمسی سازمان سیا کودتایی را علیه دولت مصدق به راه می‌اندازد که به کودتای ۲۸ مرداد در ایران معروف است. طراح و برنامه‌ریز این کودتای آمریکایی کسی نبود جز «کیم روزولت»، نوه «تئودور روزولت» که طی سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۹ میلادی ریاست جمهوری آمریکا را برعهده داشت.^۲

۴-۲. کودتای نوژن

پس از واقعه تسخیر لانه جاسوسی و تقویت خط مشی ضدامپریالیستی انقلاب، سیاست دولت آمریکا بر سرنگونی دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت. در همین راستا در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۵۹ کودتایی به رهبری آمریکا و توسط عمال سرسپرده آن شکل گرفت. برنامه‌ریزی کودتاچیان چنین بود که

۱. مجتبی محمدی، دولت دهم و چالش تحریم بانک مرکزی و نفت، روزنامه ایران نوزدهم، ش. ۵۳۶۴ (۲۳ اردیبهشت): صفحه ۹.

۲. <http://fa.wikipedia.org/wiki/>

کودتا از پایگاه هوایی شهید نوژه همدان آغاز شود و با انهدام مراکز مهم قدرت همچون بیت امام(ره)، پادگان‌های اصلی سپاه و ساختمان رادیو تلویزیون توسط هواپیماهای جنگی آغاز شده و در ادامه نیروی زمینی که برخی از واحدهای زرهی ارتش را نیز به همراه داشتند وارد عمل شوند. این کودتا پس از کشف و سرکوبی، به «کودتای نوژه» شهرت یافت.^۱

۳-۴. حمله نظامی به طبرس

حمله به طبرس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ اتفاق افتاد. در این عملیات هواپیماها و بالگردهای آمریکایی برای آزادی ۵۳ گروگان در تهران وارد فضای پروازی ایران شدند و سپس در منطقه‌ای دور افتاده در صحرای طبرس بدون متوجه شدن نیروهای نظامی ایرانی فرود آمدند. اما وقوع طوفان شن در آن شب موجب برخورد هواپیمای C130 و بالگرد CH53 شد و ۸ تن از نظامیان آمریکایی در این حادثه کشته شده و این تجاوز نیز در نهایت با شکست مواجه شد.^۲

۴-۴. ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران

پرواز مسافربری شماره ۶۵۵ شرکت هواپیمایی ایران ایر از بندر عباس به مقصد دبی در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۶۷ در حرکت بود که با شلیک مستقیم موشک هدایت شونده از ناو «یواس اس وینسنس» متعلق به نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا بر فراز خلیج فارس سرنگون شد و تمامی ۲۹۰ سرنشین آن که شامل ۴۶ مسافر غیر ایرانی و ۶۶ کودک بودند، جان باختند.^۳

۱. همشهری آنلاین:

<http://www.hamshahrionline.ir>

۲. <http://fa.wikipedia.org/wiki>

۳. <http://fa.wikipedia.org/wiki/>

۴-۵. کمک به عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران

کمک‌های آمریکا به عراق در طول جنگ تحمیلی از جمله اموری است که بر هیچ آزاد اندیشی پوشیده نیست. این کمک‌ها از سال ۱۹۸۰ میلادی شروع شد و از اطلاعات محرمانه از درون مرزهای ایران تا کمک‌های مستقیم تسلیحاتی و فروش تکنولوژی‌های پیشرفته نظامی را شامل می‌شود.^۱ وزارت دفاع آمریکا اطلاعات و مشخصات دیپلمات‌های ایرانی و برنامه‌های تدوین شده برای حمله به ایران، با ذکر نقاط حساس برای بمباران نقاط مختلف ایران را به طور دائم در اختیار دولت عراق قرار می‌داد.

نوامبر ۱۹۸۳ آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد که «دولت آمریکا هر آنچه لازم، و از نظر قانون موجه است را انجام می‌دهد تا عراق در جنگ با ایران مغلوب نشود»^۲ در مقطعی حتی با وجود اطلاع آمریکا از قصد عراق برای استفاده از تسلیحات شیمیایی علیه نیروهای ایرانی، اطلاعات ماهواره‌ای و تسلیحاتی به عراق قطع نشد.^۳

خبرگزاری آمریکایی یونایتدپرس پس از دستگیری صدام در گزارشی نوشت «این حقیقت نیز اکنون آشکار شده‌است که برنامه‌های شیمیایی و میکروبی صدام در دهه ۸۰ میلادی بدون حمایت آمریکا ممکن نبوده‌است.» در این گزارش «پیتر گالبری»، یکی از کارمندان وقت کمیته

۱. محمد درودیان، آغاز تا پایان سیری در جنگ ایران و عراق، چاپ چهارم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران، ۱۳۸۰، ص ۲۶-۲۲.

۲. «A National Security Directive [NSDD 114] states that the US will do whatever was necessary and legal to prevent Iraq from losing its war with Iran» Studies in international strategic issues, Volume 9. Forum for Strategic & Security Studies, 2006 pp.10

۳. فارین پالیسی: طبق اسناد سیا، آمریکا به صدام در حمله شیمیایی به ایران کمک کرد بی‌بی‌سی فارسی، ۴ شهریور ۱۳۹۲.

روابط خارجی سنا می گوید که «حقیقت این است که هرگاه عراق قوانین بین المللی را نقض می کرد و از سلاح های کشتار جمعی استفاده می کرد بیش از پیش کمک ها و حمایت های مالی و سیاسی از آمریکا دریافت می کرد» وی می افزاید: «قطعاً ما بر رفتار صدام تأثیر داشتیم زیرا او را به این باور رسانده بودیم که بسیار مهم است که به علت قتل هایی که داخل کشور خود انجام می دهد، تحت تعقیب قرار نگیرد.»^۱

روزنامه البیان مدعی شد تنها در یک مورد، رژیم عراق ۴۰ میلیارد دلار از آمریکا وام بلاعوض دریافت کرده است.^۲ در نهایت و در آخرین سال جنگ، نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس عملاً به نفع عراق وارد جنگ شد.^۳ این کمک ها تنها گوشه ای از اقدامات خصمانه آمریکا علیه ایران اسلامی است.

۴-۶. ایجاد فتنه و اغتشاش در ایران

استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا با اقدامات خرابکارانه خویش بارها سعی در سرنگونی حکومت مشروع و قانونی ایران نموده است. ایجاد فتنه، اغتشاش و آشوب - که در قالب انقلاب های رنگی سابقه چندین و چند ساله در کشورهای مختلف دارد - از جمله اقدامات آمریکا در چند دهه انقلاب در ایران است. از بارزترین این فتنه ها می توان به اغتشاشات ۱۳۷۸ و کوی دانشگاه و نیز فتنه ۱۳۸۸ اشاره نمود. تجربه

۱. ایرسا: علی شیمیایی نام همدستان خارجی اش را به گور می برد:

http://www.irsanews.ir/fa/index.php?option=com_content&task=view&id=4052

۲. روزنامه البیان: اسناد حملات شیمیایی رژیم صدام بر ضد ایران در سازمان ملل موجود است. خبرگزاری مهر:

<http://old.mehmews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsId=240995>

<http://fa.wikipedia.org/wiki>

۳. ویکی پدیا:

نشان داده، این آشوب‌ها که با بهانه‌های واهی توسط عوامل خود فروخته و خائن کلید خورده و به وسیلهٔ افراد فریب خورده ادامه پیدا می‌کند، همواره به سرکردگی استکبار و از آن سوی مرزها رهبری و خط دهی می‌شوند. در وقایع رخ داده در ایران نیز ردپای استکبار جهانی خصوصاً آمریکای جنایتکار را به عیان می‌توان مشاهده کرد. چنان که کمک‌های مادی، اطلاعاتی و حمایت‌های پیدا و پنهان آمریکا در فتنهٔ ۸۸ بر اساس اسناد و اعترافات مقامات آمریکایی بر هیچ کس پوشیده نیست. «کنت تیمرن» از عناصر تندروی فعال در حوزه براندازی و رئیس «بنیاد دفاع از دموکراسی در ایران» در بخش فارسی شبکهٔ VOA، از دستور مستقیم وزارت خارجه آمریکا برای حمایت از میرحسین موسوی خبر می‌دهد.^۱

«هیلاری کلیتون» وزیر سابق امور خارجهٔ آمریکا در سال ۸۸ طی سخنرانی خود در شورای روابط خارجی آمریکا اغتشاشگران را افرادی دموکرات خواند. خبرگزاری رویترز در گزارشی سخنان هیلاری کلیتون را چنین انعکاس داد: «آمریکا در تلاش است تا به طریقی که فعالیت نیروهای دموکراتیک در ایران تضعیف نشود و همچنین این نیروها به خطر نیفتند، از آنها حمایت کند... فکر نمی‌کنم هیچ تردیدی وجود داشته باشد که ایران در حال تغییر شکل از یک نظامی دیکتاتوری و با ظاهر مذهبی - ایدئولوژیکی است... من فکر نمی‌کنم جمهوری اسلامی ایران آن چیزی باشد که انقلاب ایران قرار بود برای مردم ایران به ارمغان آورد... من می‌دانم که فعالیت‌های بسیاری در داخل ایران در حال انجام است که ما شدیداً سعی در حمایت آنها داریم در عین حال، ما قصد

۱. فارس نیوز، به نقل از روزنامهٔ کیهان، یکشنبه ۹۲/۳/۵ به آدرس:

نداریم مردمانی را که در این زمینه فعالیت می‌کنند به خطر اندازیم یا فعالیت‌های آنان را تضعیف کنیم. و این بار آمریکا به جای اینکه تنها بنشیند و از تلاش‌های داخل ایران حمایت کند، قصد دارد اقداماتی را صورت دهد.^۱

روزنامهٔ آمریکایی «وال استریت ژورنال»، در گزارش می‌نویسد: برخی مقامات عالی‌رتبه آمریکایی اعلام کردند که دولت «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا به طور فزاینده‌ای در حال زیر سؤال بردن ثبات طولانی مدت دولت تهران است و تلاش می‌کند تا راه‌هایی برای حمایت از «جنش سبز» مخالفان ایران بیابد. این گزارش می‌افزاید: آمریکا به دنبال راه‌هایی است تا به مخالفان ایران کمک کند... کاخ سفید تحریم‌های اقتصادی جدیدی را با هدف فشار بر نهادهای ایرانی و افرادی که در سرکوب نیروهای مخالف ایران شرکت داشتند، تهیه می‌کند.^۲

اقدامات خصمانهٔ آمریکا به همین جا ختم نشد به طوری که مقامات آمریکایی در اظهاراتی مداخله جویانه در مورد انتخابات ۹۲ موضع‌گیری کردند. «وندی شرمن» معاون وزیر خارجه آمریکا با انتقاد از رد صلاحیت هاشمی و مشایب چنین گفت که آمریکا انتخابات ایران را آزاد و عادلانه نمی‌داند. جان کری وزیر امور خارجهٔ آمریکا نیز با حمله به شورای نگهبان همین سخنان را تکرار نمود.^۳

۱. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8906180058>.

۲. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8810191384>.

۳. فارس نیوز، به نقل از روزنامهٔ کههان، یکشنبه ۹۲/۳/۵ به آدرس:
<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13920305000077>

۷-۴. بمب گذاری و کشتار مردم بی‌گناه

بمب گذاری، گسترش ناامنی و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم از جمله اقدامات آمریکا برای انتقام از مردم مقاوم و استکبارستیز ایران است. این اقدامات عمدتاً توسط افرادی صورت می‌گیرد که مستقیماً به وسیلهٔ آمریکایی‌ها و عوامل آنها آموزش دیده‌اند. این افراد که غالباً که گرایش‌های سلفی و وهابی دارند همواره مورد حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی دشمنان ایران قرار گرفته‌اند که بارزترین نمونهٔ آن در سال‌های اخیر گروهک تروریستی جنرالته به سرکردگی عبدالمالک ریگی است.

روزنامهٔ آمریکایی «کریستین ساینس مانیاتور» از ملاقات یک ژنرال آمریکایی در سال ۲۰۰۴ با عبدالمالک ریگی خبر داد. از سوی دیگر روزنامه انگلیسی «گاردین» نیز فاش کرد «آمریکا در سال ۲۰۰۷، مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار به گروه عبدالمالک ریگی کمک مالی کرده است.» شبکه خبری «ای بی سی» در آوریل سال ۲۰۰۷ گزارش داد که جنرالته (گروهک تروریستی ریگی) به طور مخفیانه از سال ۲۰۰۵ به بعد از سوی «سیا» مورد تشویق و حمایت قرار گرفته و مشورت‌های لازم به این گروه داده می‌شده است.^۱

از جمله اقدامات این گروه و گروه‌های مشابه آن می‌توان به این موارد اشاره داشت:

* انفجار در اهواز: در جریان دستگیری عوامل بمب گذاری‌های پیاپی سال ۱۳۸۴ در اهواز، روشن شد که از مجموع ۴۶ دستگیر شده، ۴۴ نفر دارای عقاید

وهابیت هستند. بر اساس اطلاعات موثق، این عده از سوی اسرائیل، امریکا و انگلیس حمایت می‌شدند و از عوامل وهابیت در ایران بودند.^۱

* عملیات تروریستی تاسوکی: در این عملیات گروه تروریستی عبدالمالک ریگ با لباس مأموران انتظامی، در منطقه تاسوکی - جاده زابل زاهدان - ایستگاه ایست و بازرسی ایجاد کردند و با متوقف ساختن خودروهای مسئولان محلی و مردم عادی، سرنشینان آنها را پیاده و شماری را در همان منطقه به صورت دست‌بسته، به گلوله بستند. در طی این عملیات ۲۲ نفر از هموطنان به شهادت رسیدند که برخی از آنان دانش‌آموزان ۱۳ و ۱۴ ساله بودند. و همچنین تعداد ۷ نفر نیز به عنوان گروگان روبرو شدند.^۲

* جمع‌آوری اطلاعات از ایران برای سرویس‌های بیگانه توسط گروهک جنائله.^۳

* عملیات داززین توسط گروهک جنائله؛ در طی آن ۱۵۰۰ کیلوگرم تریاک از طریق پاکستان وارد شهرستان بم شده و به هنگام بازگشت در مسیر داززین کرمان ۱۲ نفر کشته شدند.^۴

۱. روزنامه ایران، ۱۹ فروردین ۱۳۸۵، صفحه بین الملل.

۲. <http://www.fardanews.com/fa/news/۳۲۳۷۶> .

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=۱۸۹۱۶۹۵>

<http://fa.wikipedia.org/wiki/>

۳. <http://www.fardanews.com/fa/news/۳۲۳۷۶>

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=۱۸۹۱۶۹۵>

<http://fa.wikipedia.org/wiki/>

۴. <http://www.fardanews.com/fa/news/۳۲۳۷۶>

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=۱۸۹۱۶۹۵>

<http://fa.wikipedia.org/wiki/>

۴-۸. ترور دانشمندان ایرانی

استیصال و سردرگمی استکبار جهانی در برابر ملت ایران، همواره آمریکا را وادار بر استفاده از ابزار قتل و ترور نموده است. گزینه‌ای که در طول سه دهه انقلاب به صورت مستقیم و غیر مستقیم مکرراً مورد استفاده آمریکا و ایادی آن قرار گرفته است. ترور شخصیت‌های انقلابی، علمی و دینی و افرادی که به نوعی پشتوانه‌های انقلاب محسوب می‌شدند ضربه‌های مهلکی بود که از سوی آمریکا بر پیکرده انقلاب وارد شد. فجایه‌ای که الی الأبد جبران ناپذیر است.

مزدوران استکبار جهانی با حمایت آمریکا در اقدامات اخیر خویش دست به ترور دانشمندان هسته‌ای ایران زدند. اقدام به ترور «دکتر مسعود علی محمدی»، «دکتر مجید شهریاری» استاد فیزیک دانشگاه شهید بهشتی، «دکتر فریدون عباسی» استاد دانشگاه شهیدبهشتی و در نهایت «مصطفی احمدی روشن» معاون بازرگانی سایت هسته‌ای نطنز از جمله جنایاتی است که در این راستا صورت گرفته است. ترور دانشمندان هسته‌ای ایران موجب شد که «ریک سنتروم» یکی از نامزدهای ریاست جمهوری حزب جمهوری‌خواه آمریکا از این اقدام اظهار خوشحالی و رضایت نماید.^۱

ب) جنایات‌های صورت گرفته علیه اسلام و کشورهای اسلامی

جنایات‌های آمریکا فقط منتهی به ایران نبوده بلکه سراسر جهان و خصوصاً کشورهای ضعیف و مسلمانان و کشورهای اسلامی را هدف گرفته است. در این بخش پاره‌ای از این جنایات‌ها را یادآور می‌شویم:

۱. کاهش جمعیت در دنیا

دستورالعمل و طرح جنگ جمعیتی در اوایل دهه هفتاد میلادی توسط «هنری کیسینجر» و دستیاران او تنظیم شد. این پروژه روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و استراتژی‌ها و سیاست‌هایی برای مدیریت جمعین جهان و ترغیب رهبران کشورهای در حال توسعه برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کرد. تشویق به کاهش بارداری و سقط جنین، اشاعه همجنس‌بازی، آلوده کردن مردم با عوامل بیماری‌زایی که به مرگ تدریجی منجر شده و افراد را از دایره تداوم نسل خارج می‌سازد همچون ایدز، ایجاد جنگ‌های داخلی و حمایت تسلیحاتی از کشتار مردم به خصوص در آفریقا، ایجاد

مراکز عقیم سازی مردان و زنان در سراسر جهان و آرایه مشوق‌هایی برای این کار، همگی از جمله استراتژی‌های تعیین شده توسط کیسینجر برای مقابله با رشد جمعیت کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای اسلامی بوده است.^۱

۲. تولید ویروس ایدز

ویروس ایدز نتیجه سرمایه‌گذاری ده میلیون دلاری کنگره آمریکا بر روی پروژه‌های است که در جهت کاهش رشد جمعیت جهان، حذف ملت‌هایی که از نظر ایشان عقب مانده‌اند، بالاخص کشورهای اسلامی و با هدف سودآوری کلان برای کارخانه‌های داروسازی آمریکا از طرف وزارت دفاع این کشور طراحی و اجرا شده است. بر اساس اسناد درز شده از کنگره آمریکا، در جولای ۱۹۶۹ دکتر مک آرتور (Dr. MacArthur) از مدیران آژانس پروژه تحقیقات پیشرفته ارتش آمریکا (ARPA Advanced Research Project Agency) در کنگره (کمیته تخصیص بودجه کاخ سفید) حاضر می‌شود و طی یک سخنرانی ابراز می‌کند: در پنج الی ده سال آینده این امکان وجود خواهد داشت که یک عامل بیولوژیک مصنوعی تولید شود که طبیعی نبوده و به همین دلیل سیستم ایمنی طبیعی در برابر آن کارایی نخواهد داشت. «مک‌ناما» وزیر دفاع سابق آمریکا از حامیان اصلی و کلیدی تولید این عامل بیولوژیک بود.^۲

۱. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/175253>

۲. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/84259>

۳. ماجرای ۱۱ سپتامبر؛ بهانه‌ای برای آغاز اسلام هراسی در جهان

انهدام برجهای دوقلو بهانه‌ای برای ایجاد رعب و وحشت بر علیه مسلمانان بود. سران استکبار جهانی نهایت تلاش خود را در استفاده از این ماجرا نمودند. به‌عنوان مثال در آمریکا کتابی در همین زمینه برای کودکان به چاپ رسید که در بخشی از آن آمده است: «بچه‌ها! حقیقت این است که عملیات ترویستی ۱۱ سپتامبر به‌وسیلهٔ مسلمانان افراطی انجام شد که از آزادی متنفرند. این آدم‌های افراطی، از راه و رسم زندگی آمریکایی‌ها متنفرند؛ چون آمریکا جامعه‌ای آزاد است.»^۱

۴. اشغال نظامی افغانستان به بهانه مبارزه با تروریسم

۷ اکتبر ۲۰۰۱ افغانستان، توسط نیروهای ایالات متحده آمریکا و به بهانهٔ حملهٔ القاعده به نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ اشغال شد. این حملهٔ نظامی با هشدار جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا به گروه طالبان مبنی بر اخراج گروه تروریستی القاعده از افغانستان و رد این درخواست توسط طالبان آغاز شد.^۲

۵. حمله به عراق با هدف دفاع از اسرائیل

از جمله جنایت‌های آمریکا در سالهای اخیر، حمله به عراق به بهانه کشف سلاح‌های شیمیایی و مبارزه با تروریسم بود. این تجاوز به علت حمایت از اسرائیل و برای تحقق نقشه شوم این رژیم یعنی نقشه نیل تا

۱. <http://ibna.ir/vdcdfk0f5yt0ff6.2a2y.html>

۲. <http://fa.wikipedia.org/wiki>

فرات صورت گرفت. رئیس سابق ضد اطلاعات ارتش اسرائیل «عاموس مالکا» یکی از اهداف پشت پرده آمریکا از اشغال عراق را چنین بیان می‌نماید: «تلاش برای تغییر نقشه کنونی عراق و ضربه زدن به یکپارچگی و تمامیت این کشور، یکی از علائم تلاش آمریکا برای دور کردن اسرائیل از تهدیدات ناشی از کشورهای منطقه است و در واقع برای آمریکا، جهان بدون عراق یکپارچه، بهتر از جهان عرب با عراق یکپارچه است.»^۱

«عمر نجیب» تحلیلگر سیاسی نیز در زمینه حمله به عراق چنین می‌گوید: «صهیونیست‌ها به شدت به دنبال خرید و فروش زمین و املاک در عراق، مخصوصاً در مجاورت رودهای دجله و فرات هستند تا در آینده نزدیک، آرزوی همیشگی خود، یعنی حکومت بر نیل تا فرات را محقق کنند.»^۲

۱-۵. گشتار مردم بی‌دفاع در عراق

اشغال عراق ۶ سال به طول انجامید که در این مدت خسارات بسیاری را بر مردم عراق تحمیل شد. روزنامه انگلیسی «اینديپندنت» با ارائه آماری، نشان می‌دهد که ۳۹٪ از افرادی که در بمباران‌های هوایی و توپخانه‌ای نظامیان آمریکایی کشته شدند کودک و ۴۶٪ زن هستند^۳ و به نقل از نشریه پزشکی انگلیسی «لانسیت» تنها در سه سال ابتدایی جنگ ۶۰۰،۰۰۰ عراقی کشته شده‌اند. تعداد افرادی که در این جنگ و

۱. Woodward, Bob. Plan of Attack: how and why President George W. Bush decided

to go to war with Iraq, 2004 اهداف عراق به حمله از آمریکا واقعی

۲. <http://www.middle-east-online.com/?id=59006=59006>

۳. <http://www.thelancet.com/journals/lancet/article/PIIS-0140>

ناامنی به کشورهای همسایه مهاجرت کرده یا به اردوگاه‌های آوارگان سازمان ملل متحد پناه بردند، بالغ بر یک میلیون و ۷۵ هزار عراقی است.^۱ استفاده از گاز شیمیایی خردل و سلاح‌های میکروبی بر علیه مردم عراق در سال ۲۰۰۵^۲ و استفاده از گاز فسفر سفید در منطقه فلوجه^۳ از جمله اقدامات ددمنشانه آمریکا در عراق است که یکی از نتایج آن بدنیا آمدن کودکان ناقص الخلقه می‌باشد.^۴

۲-۵. به تاراج بردن منابع انرژی عراق

* روزنامه دیلی رکورد چاپ لندن نوشت: شرکتهای نفتی آمریکا و انگلیس قصد دارند بیش از ۱۰۰ میلیارد پوند از منابع انرژی عراق را غارت کنند.^۵

* روزنامه اماراتی «الخلیج» با ارائه گزارشی از توافقات نفتی تحمیل شده به عراق از سوی اشغالگران، می‌نویسد: «بر اساس قرارداد و توافق دولت عراق با شرکت نفتی «شل»، این شرکت برای مدتی طولانی و تقریباً به طور رایگان حداقل ۴۹ درصد گاز عراق را به دست خواهد گرفت و طرف آمریکایی با عقد این قرارداد می‌تواند در کمتر از دو سال، تمام آنچه را که در عراق هزینه کرده بود باز گرداند.^۶

۱. <http://www.parsine.com/fa/pages/?cid=54334>

۲. <http://www.news.com.au/dailytelegraph/story/5006003,00-0,22049,20567099.html>

۳. همان

۴. <http://mondediplo.com/03/03/2008surge>

<http://www.farsnews.com/printable.php?nn=8409010526>

۵. خبرگزاری فارس:

۶. <http://www.middle-east-online.com/?id=76847>

۳-۵. ترور نخبگان و دانشمندان عراق

ترور و نابودی دانشمندان و نخبگان کشورهای مسلمان از جمله اقدامات کشورهای مستکبر برای جلوگیری از پیشرفت علمی آن کشورها بوده است. سازمان جاسوسی موساد با همکاری وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) برنامه حذف دانشمندان و اساتید دانشگاههای عراق را که از همکاری با اشغالگران سر باز می‌زنند، دنبال می‌کند. از آوریل ۲۰۰۳ میلادی آگوست ۲۰۰۴ میلادی یعنی ظرف تنها ۱۶ ماه، بیش از ۲۵۰ استاد دانشگاه در عراق ترور شدند که آخرین آنها رئیس دایره ترجمه دانشگاه موصل بود و این آشکارا بیانگر وجود توطئه‌ای جهت از بین بردن نخبگان و اندیشمندان عراقی بود، این درحالی است که در همین مدت زمانی، بیش از ۱۵۰۰ پزشک و متخصص عراقی ربوده شدند. همین امر موجب شد تا بسیاری از پزشکان و متخصصان عراقی از کشور خارج و به دیگر کشورهای مهاجرت کنند.^۱ همچنین ترور دانشمندان ایرانی،^۲ مصری^۳ نمونه‌هایی از جنایات دول استکباری در این باره می‌باشد.^۴

۴-۵. ایجاد فجایع فرهنگی در عراق

تجاوز و هتک حرمتِ نوامیس مسلمانان، از جمله دستاورهای مستکبران عالم در حمله به کشورهای مسلمان است. گزارش‌های بین‌المللی حکایت از آن دارد که سالانه بیش از ۴۰۰۰ دختر و زن عراقی

۱. <http://www.javanonline.ir/vdcb5aba8rhbswp.uuir.html>

۲. مانند شهید احمدی روشن، شهید شهریار، شهید رضایی نژاد و محمدی.

۳. برای مثال، دکتر "سمیرا موسی" در سال ۱۹۵۲ در یک تصادف رانندگی در آمریکا به طور مشکوکی کشته شد. وی دانشمند هسته‌ای مصر بود و راننده عامل این تصادف هم شناسایی نشد.

۴. <http://www.mehnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1511018>

ر بوده می‌شدند که تعداد آنها در هر هفته به صورت تقریبی، به ۵ تا ۱۰ نفر می‌رسید.^۱ یکی از فعالان تجارت انسان در عراق، در مصاحبه با روزنامه «الشرق الاوسط» در لندن می‌گوید: «باند‌های تجارت زنان، پس از ربودن دختران و زنان و بهره برداری جنسی از آنان، آنها را به فروش می‌رسانند.»^۲ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نیروهای آمریکایی و انگلیسی را مسئول تجاوز به دهها زن عراقی دانسته است. دکتر «شذی جعفر» از اعضای موسس هیئت زنان عراقی معتقد است که زنانی که بازداشت می‌شوند، یا مورد تجاوز به عنف واقع شده و یا به کشورهای همسایه فروخته می‌شوند.^۳ این در حالی است که چنین اعمال ددمنشانه‌ای تنها در عراق نبوده؛ بلکه در کشورهایی چون افغانستان^۴ و بحرین^۵ نیز در جریان است.

۵-۵. تهدید و توقیف اموال و دارایی‌های کشورهای اسلامی

دولت آمریکا با اهداف استیلا بر منطقه و در راستای اعمال فشار بر علیه دولت عراق، مبنی بر پذیرش توافق نامه امنیتی، عراق را به توقیف اموال و دارایی‌های موجود این کشور در آمریکا تهدید نمود.^۶

۱ . <http://noorportal.net/news/ShowNews.aspx?ID=31049> .

<http://almoslim.net/node/99418>

۲ . <http://almoslim.net/node/99418>

۳ . <http://noorportal.net/news/ShowNews.aspx?ID=31049> .

<http://almoslim.net/node/99418>

۴ . <http://www.islamtimes.org/vdcaiene.49nmy15kk4.html> .

<http://edition.presstv.ir/detail/fa/159978.html>

۵ . <http://www.humanrights-iran.ir/news-22459.aspx>

۶ . <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=788086>

۶. نسل‌کشی مسلمانان در میانمار

هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه وقت آمریکا در سفر خود به میانمار - یعنی تنها چند روز قبل از وقوع این جنایات - با «تین سن»، رئیس‌جمهور میانمار دیدار نموده و از دولت این کشور تداوم اصلاحات را خواستار شد و آن را تنها راه همراهی میانمار با جامعه جهانی معرفی نمود. پس از این دیدار، «تین سین» در یک سخنرانی اعلام کرد: «مسلمانان روهینگیا جزو شهروندان میانمار نبوده و باید از کشور اخراج شده و به اردوگاه‌های پناهندگان سازمان ملل منتقل شوند.»^۱ بدین ترتیب و در سکوت مجامع بین‌المللی و سازمانهای حقوق بشر، نسل‌کشی گسترده‌ای آغاز شد.

۷. تهاجم به لبنان برای در هم شکستن مقاومت حزب الله

با چراغ سبز آمریکا، رژیم صهیونیستی با هدف از بین بردن حزب الله لبنان و سلاح مقاومت اقدام به حمله نظامی به لبنان نمود. بر اساس آماری که خبرگزاری فرانسه، در جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان اعلام کرد، دست کم ۳۷۰۰ شهروند لبنانی زخمی و ۱۳۰۰ نفر به شهادت رسیدند که حدود ۱۰۸۴ نفر آنها از شهروندان لبنانی بودند. خسارت مالی وارده در این هجوم حدود ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده که شامل تخریب ۱۵ هزار واحد مسکونی، ۶۳۰ کیلومتر از راههای لبنان، ۹۰۰ کارگاه و مرکز تجاری، ۱۴۵ پل اصلی و فرعی، ۳۲ پمپ بنزین و

تأسیسات زیربنایی از جمله فرودگاه بین‌المللی بیروت، لنگرگاهها، شبکه‌های آبرسانی و تصفیه‌خانه‌ها و نیروگاه‌های برق است.^۱

۸. حمله به غزه و ارتکاب جنایات جنگی

مبارزان فلسطینی که همواره خنجری در پهلوی اسرائیل محسوب شده و آرامش را از این رژیم سلب کرده‌اند با حمایت آمریکا و بایکوت خبری از سوی استکبار جهانی، تجاوزی وحشیانه را بر مردم بی‌دفاع غزه تحمیل نمود. این جنگ تمام عیار که ۲۲ روز به طول انجامید، بی‌تردید نقض فاحش حقوق بشر بوده و در زمره جنایات جنگی است. توجه به حملات گسترده و سازمان یافته رژیم صهیونیستی به غزه، که با استفاده از سلاح‌های ممنوعه، بمب‌های خوشه‌ای و فسفری انجام گرفت با هدف نسل‌کشی و نابود کردن مسلمانان صورت گرفت. در این جنگ نابرابر ۱۳۱۰ نفر شهید شدند که ۴۱۸ نفر از این شهدا کودک، ۱۱۱ نفر زن، ۱۲۳ نفر سالخورده و ۱۶ نفر امداد رسان بودند. تعداد مجروحان در این جنگ بالغ بر ۵۵۰۰ نفر اعلام شد.^۲ مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «جنایت هولناک رژیم صهیونیستی در غزه و قتل عام صدها مرد و زن و کودک مظلوم، بار دیگر چهره‌ی خونخوار گرگ‌های صهیونیست را از پشت پرده تزویر سال‌های اخیر بیرون آورد و حضور این کافر حربی را در قلب سرزمین‌های امت اسلام، به غافلان و مسامحه‌کاران گوشزد کرد.»^۳

۱. <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=374189>

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1376683>

۲. <http://www.chemical>

۳. پیام رهبر معظم انقلاب درباره مصیبت هولناک قتل عام مردم مظلوم غزه ۱۳۸۷/۱۰/۰۸

۹. استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین در کشتار مسلمانان
از سال ۲۰۰۴ میلادی تاکنون هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی
۱۰۶ بار حریم هوایی پاکستان را نقض نموده که بر اثر این حملات،
۱۳۵۰ نفر از مردم پاکستان کشته شدند. هرچند منابع نظامی آمریکا ادعا
می کنند که بیشتر کشته ها از طالبان و القاعده هستند، اما منابع محلی در
مناطق قبایلی پاکستان اعلام کرده اند: بیشتر کشته ها غیرنظامیان از جمله
کودکان و زنان بوده اند.^۱ «حملات مرگبار هواپیماهای بدون سرنشین به
خانوارهای بی دفاع در روستاها و مناطق محروم در افغانستان و پاکستان
بارها جشن عروسی آنها را به عزا مبدل کرده است.»^۲

۱۰. آموزش تروریست و تأسیس گروه های شبه نظامی (طالبان و القاعده)

جنایتهای القاعده و طالبان علیه مسلمانان بر کسی پوشیده نیست.
هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه سابق آمریکا در همین زمینه اذعان به
نقش آمریکا در تاسیس این گروه نموده است.^۳ روزنامه انگلیسی دیلی
تلگراف در زمینه تشکیل القاعده می نویسد: یک گروه از مجاهدین
افغانستان که تحت حمایت انگلیس قرار گرفتند و به طور مخفیانه توسط
سازمان سیا نیز حمایت مالی می شدند، در سال های بعد شبکه تروریستی
القاعده را بنیان نهادند.^۴ همچنین یک مقام آمریکایی در گفتگو با

۱. <http://www.hamshahronline.ir/news-109989.aspx>

۲. 1390/04/03 پیام به همایش بین المللی مبارزه جهانی با تروریسم

۳. <http://www.kayhannews.ir/891011/2.htm#other208>

۴. <http://www.disarmament.ir/terrorism/104-formation-of-al-qaeda>

آسوشیتدپرس گفت: «آموزش گروه‌های سوری به مدت چند ماه است که آغاز شده و ما این کار را در اردن انجام می‌دهیم. در این گزارش همچنین به این نکته اشاره شده که آموزش تروریست‌های مخالف ملت و نظام سوریه، توسط مأموران ویژه سازمان سیا انجام می‌شود.»^۱

۱۱. ترویج فحشا و بی بند و باری در کشورهای اسلامی

استفاده از ترویج فساد و فحشا همواره راهکاری برای نفوذ در سدّ پولادین جوامعی بوده است که در برابر زورمندان، از خود مقاومتی نشان داده‌اند. ماجرای اندلس نمونه بارزی از کشورهای اسلامی و مبارزی است که اروپاییان برای درهم شکستن مقاومت آن از ترویج فحشا و ابزار شهوترانی استفاده کردند. در خبرهایی در این باره چنین می‌خوانیم:

* طبق آمار موجود هر ساله بیش از ۲۵۰ هزار جهانگرد فاسد برای دامن زدن به بی‌بندوباری و معضلات اخلاقی به آسیا سفر می‌کنند که ۲۵ درصد از آنها را جهانگردان آمریکایی، ۱۶ درصد را جهانگردان آلمانی و ۱۳ درصد را جهانگردان استرالیایی و انگلیسی تشکیل می‌دهند.^۲

* به گزارش سرویس بین الملل خبرگزاری زنان ایران، سه هزار توریست فاسد و آموزش دیده در کشورهای آسیای شرقی برای ایجاد بی‌بند و باری در حال تلاش برای ورود به ایران هستند.^۳

۱. <http://www.jahannews.com/vdcgu79xzak9un4.rpra.html>

۲. خبرگزاری زنان ایران:

<http://www.wafa.ir/beinolmelal/asia/875.txt>

<http://www.wafa.ir/beinolmelal/asia/875.txt>

۳. خبرگزاری زنان ایران:

۱۲. به خدمت گرفتن رسانه برای رسیدن به اهداف شوم خود امروزه قدرت پیام از مهم‌ترین عوامل اقتدار اجتماعی کشورها محسوب می‌شود. کسی که رسانه را در اختیار داشته باشد و خوب مدیریت و هدایت نماید، می‌تواند نقش کنترل اجتماع را به راحتی ایفا نماید. یکی از این کشورها که توانسته از ابزار رسانه بهترین بهره برداری را بنماید، دولت آمریکاست. این رژیم هرگاه که عزم جنگی می‌کند یا می‌خواهد یکی از استراتژی‌های کلان خود را به اجرا درآورد، از هالیوود کمک می‌گیرد. در چنین مواقعی زبان هنر و رسانه‌ای آمریکا به گونه‌ای مصلحتی ارزشی می‌شود، یعنی قائل به تفکیک حق و باطل یا خیر و شر می‌گردند. در چنین حالتی به بیننده و یا شنونده اینگونه التاء می‌کند که باید یکی را انتخاب کنی.

آمریکا همیشه خودش را در جناح حق می‌داند. اگر کسی هم با او مخالفتی داشت در جناح شیطان یا شر قرار می‌گیرد و می‌گوید چون ما قدرتمند و برحقیم، در قبال سرنوشت انسان‌های دیگر هم به شدت مسئولیم و نباید بی‌تفاوت باشیم و وظیفه داریم نیروهای سرکش و متمدن و تروریست را بر سر جای خود بنشانیم.

هالیوود در این عرصه بسیار کمک کار آمریکا بوده و هست. مثلاً سینمای هالیوود در مورد جنگ ویتنام کمک‌های بزرگی به دولت آمریکا نمود تا افکار عمومی جامعه آمریکا را جهت ورود به جنگ آماده سازد.^۱

۱. قاسمی، علی، نقش هالیوود در اسلام ستیزی، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره هفدهم

۱۳. توزیع مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین جوانان

بر اساس گزارش سایت المسلم در زمان اشغال عراق توسط آمریکا و انگلیس زمین‌های کشاورزی بسیاری از مناطق دیاله تا مناطق جنوبی عراق به کشت خشخاش اختصاص یافت.^۱ همچنین در گزارشات آمده است که آمریکا و رژیم صهیونیستی قاچاق مشروب به ایران را به گونه‌ای بیمه کرده‌اند که قیمت تمام شده این کالا برای قاچاقچیان مجانی تمام شود.^۲

۱۴. ممنوعیت استفاده از نمادهای اسلامی

همزمان با ترویج بی‌بندوباری و توسعه افکار و عقاید باطل در میان مسلمانان که اسلام را از درون هدف گرفته است، آمریکا و سرسپردگان آن با وضع قوانینی سعی نموده تا ظواهر و نمادهای اسلام را نیز از بین ببرند. آنان برای جلوگیری از ترویج اسلام و در راستای منزوی ساختن آن، اقدام به ممنوعیت استفاده از نمادهایی چون حجاب، پوشیه (نقاب برای زنان)، ساخت مناره برای مساجد و... نموده‌اند. این پدیده، تهاجمی استعماری و با هدف مسخ هویت اسلامی مردم، ایجاد انشقاق و جدائی در میان ملل مسلمان، ترویج فرهنگ غرب، رواج ابتدال در جوامع اسلامی و نهایتاً انهدام اساس استقلال مسلمانان می‌باشد.^۳ به عنوان نمونه؛ مسوولان دانشگاه ماساچوست^۴ و نیز مقامات ایالت «اورگان» آمریکا با ارائه طرحی

۱. <http://almoslim.net/node/99418>

۲. <http://www.epe.ir/NSite/FullStory/News/?Id=2504>

۳. سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی: <http://www.irdc.ir/fa/content/4868/default.aspx>

۴. <http://www.jahannews.com/vdci5zav.t1a3y2bcct.html>

خواستار ممنوعیت استفاده از حجاب و نمادهای مذهبی توسط معلمان در مدارس این کشور شدند.^۱ همچنین در سال‌های اخیر، اقدامات تبعیض آمیز بسیاری از جمله حذف مناره از مساجد در سوئیس و ممنوعیت استفاده از نقاب در بسیاری از کشورها از جمله سوئد، فرانسه، ایتالیا، اتریش، یونان، آلمان و اسلوانی صورت گرفته است.^۲

۱۰. اهانت به قرآن

اهانت به قرآن با هدف در هم شکستن پشتوانهٔ اسلام از اهداف ویژهٔ آمریکا محسوب می‌شود. از همین رو هتک حرمت به ساحت مقدس قرآن، عملی است که همواره از سوی مزدوران آمریکایی صورت گرفته است. در همین راستا مدیر کلیسای «مرکز پیگیری جهانی یمامه» در اقدامی وقیحانه روز ۱۱ سپتامبر را به عنوان روز جهانی سوزاندن قرآن کریم اعلام کرده است و خواستار به آتش کشیدن قرآن در این روز به همراه جشن و پایکوبی شده است.^۳ همچنین سربازان آمریکایی پس از حمله به یکی از مدارس اسلامی افغانستان و کشته و زخمی نمودن ۷ غیر نظامی، با تیراندازی به قرآن‌های موجود در آنجا، این کتاب آسمانی را مورد هتک و توهین قرار دادند.^۴

۱. <http://www.hijabs.blogfa.com/post/744>

۲. <http://www.taghribnews.ir/vdcev8zjh8wzi9bbj.html>

۳. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8906151186>

۴. <http://www.payam-af-tab.com/fa/print/13343/>

۱۶. اهانت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام)

حضرات معصومین (علیهم السلام) که به عنوان ثقل اصغر و مفسر واقعی قرآن شناخته می‌شوند نیز از بی‌حرمتی‌ها و جسارت‌های اجانب آمریکایی مصون نماندند. نوشتن مقالات و کتاب‌های موهن و مطالب مستهجن در مورد پیامبر اسلام و کشیدن تصاویری از همان قبیل در قالب کاریکاتور تنها گوشه‌ای از کینه تیزی‌های آمریکا و ایادی آنها است. در اینجا به نمونه‌هایی از این جنایات اشاره می‌کنیم:

* بیست سال پس از انتشار کتاب آیات شیطانی توسط سلمان رشدی، ملکه انگلیس طی مراسمی به نویسنده این کتاب منحوس لقب «سِر»^۱ و منصب «شوالیه گری»^۲ اعطا نمود.^۳

* سخنگوی جرج بوش ریاست جمهوری آمریکا در حمایت از اقدام موهن نشریه دانمارکی تصریح کرد: مردم حق دارند نظرات خود را بیان کنند، حتی اگر غلط و توهین آمیز باشد.^۴

* شبکه خبری نومحافظه کار «فاکس نیوز»، در مقاله‌ای اهانت آمیز به قلم «دانیل پایپز»، خواستار آن شد تا رسانه‌های غربی هر روز به ساحت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) جسارت کنند. در این گزارش می‌خوانیم: «چه می‌شود اگر صاحبان انتشارات و مدیران رسانه‌های بزرگ به این توافق برسند که معروف‌ترین کاریکاتورهای پیامبر اسلام را که در یک نشریه

۱ sir.

۲ knighthood.

۳. روزنامه ایران تاریخ ۱۳۸۶/۰۳/۲۷، پایگاه الکترونیکی تبیان.

۴. <http://www.orvah.com/farsi/muhammad/text/1/12.htm>.

دانمارکی منتشر شده بود، هر روز منتشر کنند تا اسلام‌گرایان خسته شده و دیگر اعتراض نکنند؟ چه می‌شود اگر قرآن مستمراً سوزانده شود؟^۱

۱۷. ایجاد و ترویج فرقه‌های ضاله

۱۷-۱. شیطان پرستی

آمریکایی‌ها که سلامت اخلاقی و روحی و روانی انسان‌ها را همواره به منزله تهدیدی جدی برای منافع ملی خود می‌بینند، در اقداماتی گوناگون مبادرت به ساخت جریان‌های مسموم فرهنگی همچون شیطان پرستی نموده‌اند. این گروه‌ها به لحاظ فلسفه اولیه و بسترهای معرفتی ارتباط مستحکمی با استکبار جهانی داشته و نحله‌های مختلف آن توسط دو سازمان عمده جاسوسی یعنی CIA و موساد سازماندهی، هدایت و تغذیه می‌شوند. بودجه، نظارت، پشتیبانی و... شیطان پرستان فعال در کشورهای اسلامی خصوصاً در ایران به صورت مستقیم توسط سازمان سیا و موساد تأمین شده و این سلسله اقدامات با اهداف امنیتی دنبال می‌شود به گونه‌ای که از اعضای این گروه‌ها برای مقاصد شوم سیاسی و جاسوسی بهره برده و خشونت‌بارترین اعمال بر عهده آنها گذاشته می‌شود.^۲ مقام معظم رهبری در بیانی در مورد این نوع از اقدامات می‌فرماید: «برای اینکه ایمان مردم را به اسلام و مقدسات اسلامی کم کنند. در داخل کشور، از طرق مختلف، پایه‌های ایمان مردم، بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه‌ی بی‌بندوباری و اباحیگری، تا ترویج

۱. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910701000592>.

۲. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8610080128>

عرفانهای کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه‌ی کلیساهای خانگی؛ اینها کارهائی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد.»^۱

۱۷-۲. فرقه‌های شبه مذهبی (بائیت، بهائیت و وهابیت)

شیعیان و اهل تسنن عمدهٔ مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند. از جمله برنامه‌هایی که استکبار جهانی برای نابودی اسلام به اجرا درآورد ساخت اسلام دروغین و ترویج آن بود. از همین رو بهائیت و بائیت را از مذهب شیعه و وهابیت را از مذهب اهل تسنن منشعب ساختند و همان‌ها به عنوان اسلام واقعی به شیعیان و اهل تسنن معرفی نمودند. به عنوان نمونه دربارهٔ «بائیت» در خبرها چنین می‌خوانیم:

* بنابر اسناد موجود در بایگانی وزارت خارجهٔ انگلیس به تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۸۵۰ یک مأمور انگلیسی که فعالیتهای علی محمد باب و پیروانش را به لندن گزارش می‌نمود، در مورد این فرقه ضاله چنین گزارشی را به لندن ارسال نمود: «جناب لرد پالمستون، برحسب تعلیمات جناب لرد اینجناب افتخار دارد شرحی را دربارهٔ مسلک جدید باب ارسال دارم... در یک جمله؛ این [مذهب در شمار] ساده‌ترین مذاهب است که اصول آن در ماتریالیزم، کمونیزم و لاقیدی نسبت به خیر و شرّ کلیهٔ اعمال بشر خلاصه می‌شود.»^۲

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

۲. اسناد وزارت امور خارجهٔ انگلیس، پرونده شماره ۳۷۹-۱۵۲۶۰، به نقل از: حقوق بگیران انگلیس در ایران؛ اسماعیل رایین، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۲، ص ۱۲.

این فرقه‌های ضالّه که در ابتدای امر توسط انگلستان ایجاد شدند در ادامه مورد حمایت و بکارگیری آمریکا و ایادی آن قرار گرفتند. چنانچه در خبرهایی در این باره می‌خوانیم:

* حمایت‌های آمریکا از بهائیت پس از جنگ جهانی با توجه به روابط آنها از مسلمات تاریخ بوده و پیوند سران بهائیت با مستشاران آمریکایی و سران ارتش آمریکا و سفارتخانه و سازمان سیا براساس اسناد و مدارک، حمایت علنی و هدفدار آمریکا از بهائیت کاملاً آشکار است. حمایت‌های کلان مالی دولت آمریکا از بهائیت به اندازه‌ای بوده که هیچ‌یک از دولت‌های استعماری روس و انگلیس تا این اندازه از این فرقه حمایت نکرده‌اند. برخی از اعضای فراماسونها دارای نزدیک‌ترین روابط با آمریکا بودند بطوری که مدت‌ها کارداری سفارت این کشور را بر عهده داشته‌اند.^۱

* هم اکنون نیز دو شهر حیفا و عکا در اسرائیل مقر اصلی بهائیان محسوب شده و رژیم منحوس اسرائیل با حمایت‌های همه جانبه خویش از این فرقه ضالّه، کینه خود به اسلام را نشان می‌دهد.^۲

در میان این فرقه‌های ضالّه، «وهابیت» نقش عمده‌ای در ضربه زدن به اسلام برعهده دارد. این فرقه دارای شاخه نظامی بوده و عقاید و خرافات ارائه شده از سوی خود را به‌عنوان اسلام ناب معرفی می‌نماید. این گروه پس از تأسیس توسط انگلستان همواره مورد حمایت آمریکا و

۱. <http://www.noormags.com/view/fa/ArticlePage/14293/50/text>

بازتاب اندیشه، آبان ۱۳۸۶، شماره ۹۱

۲. www.aenebahai.org

<http://www.bahai-israel.blogfa.com/post-20.aspx>

انگلیس قرار داشته و در ادامهٔ حیات منحوس خویش دست به جنایات بیشماری زده است.

۱۸. تجهیز و حمایت همه جانبه از وهابی‌های سلفی

در کشور سوریه گروه‌های تروریستی بسیاری توسط آمریکا و هم‌پیمانان آنها ایجاد شده که شاخص‌ترین آنها دو گروه موسوم به جبههٔ النصره و ارتش آزاد سوریه است و عناصر آن عمدتاً گرایش‌های سلفی دارند و همگی تحت حمایت‌های مستقیم مالی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و حتی اعزام نیروهای جنگی از سوی آمریکایی‌ها و ایادی آن از جمله عربستان و ترکیه قرار دارند.

* به نقل از شبکهٔ «بلومبرگ» رئیس‌جمهور آمریکا با ارسال محموله‌ای به ارزش ۱۰ میلیون دلار برای مخالفان دولت سوری موافقت کرد. آمریکا و کشورهای غربی مدعی‌اند که این کمک‌ها شامل تجهیزات «غیرکشنده» از جمله دوربین‌های دید در شب، جلیقه‌های ضدگلوله و همچنین اقلام دارویی است. «جان کری» وزیر خارجه آمریکا در حاشیه نشست گروه «جی ۸» که در لندن برگزار شد، با سران مخالفان سوری دیدار و آنها را به اتحاد بیشتر و مبارزه قوی‌تر با دولت دعوت کرد.^۱

* خبرگزاری فرانسه در خبری از تماس تلفنی «باراک اوباما» و «ملک عبدالله» خبر داد. بر اساس این خبر کاخ سفید اعلام کرد که این

تلفن درباره ارسال کمک‌های نظامی به نیروهای مخالف سوریه و همچنین وضعیت مصر صورت گرفته است.^۱

* به گزارش شبکه سی ان ان «جان مک‌کین» سناتور جمهوری خواه آمریکا با اطمینان از ارسال سلاح برای گروه‌های مسلح و شورشی سوریه خبر داد.^۲

* به گزارش خبرگزاری فارس یک فروند هواپیمای C-130 آمریکایی در تاریخ ۹۲/۰۴/۰۲ در استان «هاتای» ترکیه فرود آمده است. این هواپیمای آمریکایی حامل یک‌سری تجهیزات مخابراتی برای کمک به تروریست‌ها در سوریه بوده و ۵۷ افسر بازنشسته ارتش آمریکا را نیز برای فرماندهی عملیات‌های نظامی تروریست‌ها به هاتای برده است. این افسران آمریکایی پس از استراحتی کوتاه به همراه تجهیزات فوق به ریحانلی رفته و از آنجا وارد خاک سوریه شده‌اند. در نشست دو روزه به اصطلاح دوستان سوریه در دوحه نیز، آمریکا و برخی کشورهای غربی به همراه ترکیه، قطر و عربستان متعهد شده‌اند که میزان کمک‌های خود را به مخالفان مسلح در سوریه و گروهک‌های تروریستی وابسته به جریان القاعده افزایش دهند.^۳

۱۸-۱. جنایات وهابی‌های سلفی در کشورهای اسلامی

قتل عام شیعیان بحرین و هتک نوامیس آنها در زندان‌های این کشور، ایجاد آشوب و بلوا در لبنان و سناریو سازی علیه حزب الله لبنان،

۱. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920422000090>

۲. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920309000361>

۳. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920402001076>

از بین بردن زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی سوریه و عراق، استفاده از بمب‌های شیمیایی علیه مردم سوریه، سربریدن مردم سوری و حتی شهروندان مسیحی سوریه به جرم حمایت از ارتش سوریه، کشتار اطفال و کودکان، مُثله و تکه تکه کردن اجساد کشته شدگان - از جمله به دندان کشیدن جگر یک شهروند سوری - همگی گوشه‌ای از این جنایات است که به خاطر مستندات فراوان آن بیان مستندات اطالۀ کلام خواهد بود. تنها کافیست برای اطلاع از این اخبار جستجوی اندکی در فضای مجازی و اینترنت صورت بگیرد که در اینجا به اندکی از آنها اشاره می‌شود:

۱۸-۱-۱. تخریب مساجد، تکایا، مشاهد شریفه

در سال‌های نه چندان دور، یعنی در سال ۱۳۴۴ و هابییون پس از به قدرت رسیدن، قبور ائمه بقیع و دیگر قبور همچون قبر ابراهیم فرزند پیامبر و زنان آن حضرت، قبر ام البنین مادر حضرت عباس، قبه عبد الله پدر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، اسماعیل پسر امام جعفر صادق (علیه السلام) و قبه همه صحابه و تابعین را بدون استثنا خراب کردند. به گونه‌ای که در ادامه جنایات خود زادگاه امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در مدینه، قبور شهدای بدر و نیز بیت الاحزانی را که امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای حضرت زهرا (سلام الله علیها) ساخته بود ویران کردند^۱ پیشروی‌های آنها از سال ۱۲۱۶ تا ۱۲۲۵ قمری ادامه یافت و از جمله آنها حمله به کربلای معلی بود. در این حمله نزدیک به دو هزار تن از اهالی کربلا به دست وهابیهای سلفی

۱. پایگاه اطلاع رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی. [فقط کاربران عضو میتوانند این لینک را مشاهده نمایند].

کشته شدند. گنبد حرم امام حسین (علیه السلام) را ویران و صندوق روی قبر را که از زمرد و یاقوت و جواهرات دیگر زینت یافته بود به غارت بردند.^۱ در سال‌های اخیر نیز همین روند ادامه یافت چنان که به گزارش شبکه خبری المنار، در سرکوب مسلمانان بحرین توسط رژیم آل خلیفه و با چراغ سبز آمریکا، تاکنون ۲۵ مسجد و ۱۷ حسینیه ویران و بیش از ۳۷۵ حسینیه آسیب دیده است.^۲

در عراق نیز در ۲۲ فوریه ۲۰۰۶ میلادی برابر با ۳ اسفند ۱۳۸۴ هجری شمسی نیز حرم عسکریین (علیهم السلام) توسط عمال آمریکایی تخریب شد. این اقدام که با به کارگیری ۲۱۵ کیلوگرم مواد منفجره انجام شده منجر به آسیب کلی مرقد امام هادی و امام حسن عسکری (علیهم السلام) شد. و در ۱۳ ژوئن ۱۲۰۷ یعنی ۲۳ خرداد ۱۳۸۶ مناره‌های این حرمین شریفین با خاک یکسان شد.^۳

در سوریه نیز حرم زینب کبری (سلام الله علیها) چند بار مورد اصابت خمپاره قرار گرفت.^۴ بدن پاک و مطهر حجر بن عدی یار و صحابی امیرالمؤمنین که به دست معاویه به شهادت رسیده بود از قبر بیرون کشیده شد و به مکان نامعلومی انتقال یافت.^۵

۱. محمدباقر حسینی زفره ای اصفهانی، قصه عجیب استعمار، دارالنشر قم، چاپ اول، بهمن ۶۸ ص ۱۱۸.

۲. روزنامه ایران، شماره ۴۷۷۳، تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱

<http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2270981>

۳. بنگرید به: خبرگزاری مهر ۸۶/۳/۱۳، روزنامه کیهان، ۲۴ خرداد ۱۳۸۶، ۲۸ جمادی الأول ۱۴۲۸، ۱۴ ژوئن ۱۲۰۷، سایت مجمع جهانی محبین اهل البیت ۲۳ خرداد ۱۳۸۶.

<http://antivahhabi.blogspot.com/>

۴. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910616000466>

۵. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920214001076>

۱۸-۱-۲. قتل عام عزاداران حسینی

یکی از نمونه های این جنایت، بر اثر انفجار خودروی بمب گذاری شده در منطقه النیل در ۱۵ متری شمال حله رخ داد که منجر به، ۱۶ کشته و زخمی شدن ۶۱ نفر شد. همچنین بر اثر انفجار بمب در مسیر کاروان عزاداران عراقی در بغداد دست کم ۲۸ نفر شهید و بیش از ۷۸ نفر زخمی شدند. یک منبع در پلیس عراق گفت: بر اثر انفجار خودروی بمب گذاری شده در مسیر کاروان شیعیان در منطقه اور واقع در شمال شرق بغداد، ۸ نفر کشته و ۱۸ نفر زخمی شدند.^۱ همچنین در مراسمی در روز عاشورا بر اثر بمب گذاری و حملات انتحاری به عزاداران حسینی، در افغانستان ۵۵ نفر شهید و ۱۳۵ نفر زخمی و در نیز پاکستان یک نفر شهید و ۵ نفر زخمی شدند.^۲ در شهادت امام کاظم (علیه السلام) وهابیون با پخش غذاهای مسموم در اطراف حرم آن امام و نیز انجام انفجارهای متعدد در کاظمین بین صفوف عزاداران امام موسی کاظم (علیه السلام)، باعث شهادت ۱۵۰۰ نفر از شیعیان عزادار شدند.^۳

به گزارش فارس به نقل از شبکه تلویزیونی الجزیره انگلیسی، در نتیجه انفجار سه بمب قوی در مراسم عزاداری حضرت علی (علیه السلام) امام اول شیعیان جهان در شهر لاهور پاکستان حداقل ۳۵ عزادار شیعه شهید و ۱۷۰ نفر دیگر مجروح شدند.^۴

۱. <http://www.shabestan.ir/NSite/FullStory/News/?Serv=۰&Id=۸۹۱۴۴&Mode>

۲. روزنامه کیهان:

<http://www.bidarynews.com/data.aspx?id=۴۷۷۱>

۳. salaf.blogfa.com/www

۴. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8906110606>

۱۹. ایجاد اختلاف و تفرقه بین مذاهب و گروه‌ها

از بهترین گزینه‌ها برای انهدام اسلام ایجاد تفرقه در میان مسلمانان و مشغول کردن آنها به خود است تا مسلمانان به دست خودشان یکدیگر را قلع و قمع نموده و اندک اندک زمینه برای ریشه کنی اسلام فراهم گردد. استفاده از اختلافات مذهبی در قالب تفرقه میان شیعیان و اهل تسنن از آن جمله است، امری که کم هزینه‌ترین و بی‌خطرترین راه برای دشمنان جهت دستیابی به اهدافشان است.

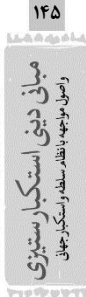
* مایکل برانت یکی از معاونان سابق سیا در کتاب خود به نام «نقشه‌ای برای جدایی مکاتب الهی» آورده است: «ما به این نتیجه رسیدیم که به‌طور مستقیم نمی‌توان با مذهب شیعه رو در رو شد و امکان پیروزی بر آن بسیار سخت است و باید پشت پرده کار کنیم. ما به جای ضرب‌المثل انگلیسی «تفرقه بیانداز، حکومت کن» از سیاست «اختلاف بیانداز، نابود کن» استفاده کردیم و در همین راستا برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای را برای سیاست‌های بلند مدت خود طرح کردیم.»^۱

* نقل است که روزی در یکی از خیابان‌های بغداد درگیری شدیدی بین شیعیان و اهل تسنن رخ داد که بر اثر آن عده زیادی زخمی شدند. هر دو طرف در اعتراض به هتک مقدساتشان یکدیگر را متهم می‌نمودند که با ورود پلیس و دستگیری عاملان از گسترش این مسئله جلوگیری نمود. وقتی از دستگیرشدگان سوال شد که علت نزاع چه چیزی بوده، همه‌ی آنها اظهار بی‌اطلاعی کرده و می‌گفتند: ما در حال عبور از خیابان بودیم و متوجه شدیم که بین شیعه و سنی درگیری ایجاد شده که ما هم

وارد ماجرا شدیم. بعد از تحقیق مأموران کشف شد که سبب اصلی درگیری دو نفر بوده‌اند که یکی از آنها به امیرالمومنین (علیه‌السلام) و دیگری هم به عمر بن خطاب دشنام داده است و بعد از تحقیق مجدد برای پلیس روشن شد که این دو نفر مسیحی بوده و از طرف سفارت انگلستان مأمور انجام این کار بودند.^۱

۱. بنگرید به: لکی لا تنازعوا، آیت الله سید محمد شیرازی، ص ۱۴۴

گوته ای از جنایات استعمار جهانی؛ آمریکا



فصل سوم

فصل چهارم:

وظیفه مسلمانان در برابر دشمنان اسلام

۱. اهتمام به امور مسلمانان و مظلومان جهان

۲. ضرورت حفظ وحدت با اهل تسنن

۳. شناخت دشمنان امروزی اسلام

۴. نفرت و انزجار درونی از دشمنان اسلام

۵. ابراز دشمنی و جهادت با مستکبران



آنچه در فصل قبل ذکر شد، تنها اندکی از جنایات مستکبران عالم علیه مسلمانان است که با کمی دقت، زوایای بیشتری از ظلمها و جنایتهای ایشان آشکار خواهد شد. حال با مشاهده چنین گستره عظیمی از ظلمها از یک سو و بیداری اسلامی از سوی دیگر، وظیفه یک مسلمان و پیرو مکتب ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) در چنین شرایطی چیست؟ با تامل در آیات قرآن و روایات اسلامی وظایف مسلمانان را چنین می‌یابیم:

۱. اهتمام به امور مسلمانان و مظلومان جهان

در روایات اسلامی اهتمام و توجه به مستضعفان و مظلومان به عنوان یکی از وظایف قطعی مسلمانان مطرح شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در این باره می‌فرماید:

«مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۱؛ اگر کسی درخواست ندا دهنده‌ای را که طلب یاری و کمک دارد، بشنود ولی او را یاری نکند مسلمان نیست.

۱. الشیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی، وسایل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی، الطبعة الثانیة، بی تا، ص ۱۰۸.

همچنین در سفارشی از امام علی (علیه السلام) نسبت به حسنین (علیهما السلام) چنین روایت شده است:

«کونا... للمظلوم عوناً»^۱ همواره یاریگر مظلوم باشید.

بنابراین بی توجهی به مظلومیت مسلمان یمن، بحرین، فلسطین و... که در تحت ظلم مستکبران عالم قرار دارند جرمی نابخشودنی خواهد بود. چنانچه مقام معظم رهبری در حمایت از ملت مظلوم عراق، خطاب به دولتها و ملت‌های مسلمان فرمودند:

«ندای یا للمسلمین خانواده‌ها و مردم از عراق به گوش می‌رسد، آیا این به دولتها و ملت‌ها تکلیف نمی‌کند که حداقل در برابر این ظلم بزرگی که از سوی مستکبرین حربی بر جمعی مسلمان مظلوم می‌رود، حداقل صدا به اعتراض بلند کنند؟ این جانب از امت اسلامی در هریک از نقاط جهان به‌ویژه از دولتها و مجامع و نخبگان مسلمان و عرب انتظار دارم که به وظیفه خود در این دورانی که برای امت اسلامی سرنوشت ساز است عمل کنند.»^۲

۲. ضرورت حفظ وحدت با اهل تسنن

امام خمینی (قدس سره) در این رابطه بیانات متعددی دارند:

«ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند.»^۳

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۲. پیام مهم ولی امر مسلمین خطاب به امت اسلامی ۱۳۸۲/۸/۲۸.

۳. صحیفه امام، ج ۶ ص ۱۳۳.

«مسئله اختلاف بین پیروان دو طایفه و دو مذهب، ریشه‌اش از صدر اسلام است. در آن وقت خلفای اموی، و خصوصاً عباسی، درصدد بودند که اختلاف ایجاد کنند. مجالس درست می‌کردند و [به اختلاف] دامن می‌زنند.»^۱

«بین شیعه و سنی ابداً تفرقه نیست؛ بین شیعه و سنی نباید تفرقه باشد. باید وحدت کلمه را حفظ کنید. ائمه اطهار ما سفارش کردند به ما که بپیوندید با هم؛ و با هم اجتماعمان را حفظ کنیم. و کسی که این اجتماع را بخواهد که به هم بزند، یا جاهل است و یا مغرض.»^۲

«دشمن اصلی یعنی استعمار هنوز با وسایل مختلف دست‌اندرکار سنگ‌اندازی و تفرقه افکنی است تا بدین وسیله بار دیگر بر مخازن ما سیطره پیدا کرده و به چپاول و غارت این ملت پردازد. من به شما فرزندانم توصیه می‌کنم که گول نیرنگ‌های استعمار را نخورید و حکم خدای بزرگ که *وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا* را با همکاری و همگامی با سایر برادران هم‌رمز خود کما کان ادامه دهید.»^۳

در سال ۱۳۲۸ هجری قمری چند سال قبل از جنگ جهانی اول، هنگامی که دولت انگلیس و روس قصد تجزیه ایران به دو بخش را داشتند، علمای اسلام؛ آخوند خراسانی، ملا عبدالله مازندرانی، شیخ الشریعۀ اصفهانی، حاجی نورالدین اصفهانی، حاجی شیخ حسین و میرزا محمد تقی شیرازی جهت حفظ وحدت بین مسلمین اعلامیه‌ای صادر نمودند که در بخشی از آن آمده است؛ «به جهت مدافعه نمودن از شریعت شریفه محمدیه (صلی الله علیه و آله و سلم) آراء مجتهدین عظام از روسای

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۹۴.

۲. صحیفه امام، ج ۶، ص ۸۴.

۳. صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۸۴.

شیعه جعفریه و علمای کرام اهل تسنن از مقیمین دارالسلام بغداد، متفق گردیده بر وجوب چنگ زدن به رشته اسلام، چنانچه خداوند متعال در کتاب مجید خود امر فرمود «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» و وجوب اتحاد کافه مسلمین در حفظ اسلام و نگاهداشتن ممالک اسلامی.^۱

۳. شناخت دشمنان امروزی اسلام

اولین قدم در راه مبارزه با دشمنان اسلام، شناخت آنهاست و باید توجه داشت که دشمنان امروزی اسلام تنها در نام و عنوان با دشمنان صدر اسلام تفاوت دارند اما نقطه مشترک بین همه آنها ضدیت با اسلام ناب محمدی است و همین مطلب علت دشمنی ما با آنان خواهد بود پس ما «شمر را لعنت می‌کنیم، برای اینکه ریشه‌ی شمر شدن و شماری عمل کردن را در دنیا بکنیم؛ ما یزید و عبید الله را لعنت می‌کنیم، برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت یزیدی، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم.»^۲ بنابراین دشمنان امروزی اسلام یعنی آمریکا، انگلیس و اسرائیل ادامه دهنده راه معاویه‌ها، یزیدها و شمرها هستند. اما نکته قابل توجه این است که شناخت دقیق دشمن و ترفندهای او نیازمند راهبری عالم و بصیر است که در اتفاقات و حوادث رنگارنگ دچار گمراهی و تحیر نگردد؛ حضرت حجت (عج) خود، راهکار رهایی از تحیرها و سردرگمی‌ها در اتفاقات دوره غیبت را به انگشت اشاره الهی خویش نشان داده‌اند، و آن راهکار همانا تمسک به «ولایت فقیه» است: «وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا

۱. <http://fa.wikipedia.org/wiki>

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم ۱۳۸۶/۱۰/۱۹.

حُجَّةُ اللَّهِ»؛ در حوادث واقعه و امور و قضایای سانشه، به راویان حدیث ما رجوع نمایید؛ زیرا که آنها حجت ما بر شمایند و من حجت خدا بر همه.

۴. نفرت و انزجار درونی از دشمنان اسلام

مسلمانی تنها به دوست داشتن اهل بیت (علیهم السلام) نیست بلکه یک مسلمان واقعی همراه با این دوستی و محبت به اهل ایمان باید از دشمنان ایشان نیز برائت و انزجار قلبی داشته باشد. چه اینکه تولی و تبری همپا و همراه یکدیگر از واجبات دین به شمار آمده‌اند و اساساً دین چیزی غیر از همین حب و بغض نیست. چنان که امام صادق فرموده‌اند که:

«هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ»؛ آیا ایمان چیزی غیر از حب و بغض است؟^۱

آن حضرت افرادی را که مدعی محبت به اهل بیت (علیهم السلام) بوده ولی از دشمنان ایشان برائت نمی‌جویند، دروغ‌گویانی بیش نشمرده و چنین می‌فرمایند:

«هِيَ هَات كَذَبَ مَنْ ادَّعَى مَحَبَّتَنَا وَ لَمْ يَتَّزِرْ مِنْ عَدُوِّنَا؛ هیهات دروغ می‌گوید کسی که مدعی است ما را دوست می‌دارد ولی از دشمنان ما بیزاری نمی‌جوید.»^۲

بنابراین مؤمن واقعی فردی است که علاوه بر محبت به معصومان (علیهم السلام) و اهل ایمان، برائت و انزجار قلبی از دشمنان ایشان نیز داشته باشند. چنان که امام رضا (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرمایند:

۱. کافی، ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۵.

«كَمَالُ الدِّينِ وَلَا يَسْتَأْ وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا»؛^۱ دین کامل به دو چیز بستگی دارد: ولایت ما اهل بیت و برائت و دوری جستن از دشمنان ما.

۵. ابراز دشمنی و جهاد با مستکبران

نفرت و کینه نسبت به دشمنان اسلام اگر چه شرط مسلمانی است ولی کافی نیست؛ بلکه باید خشم و نفرت درونی به جهاد و اقدام عملی تبدیل گردد. چنانچه خداوند تعالی در این زمینه چنین می‌فرماید:

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ وَ مِنكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبُغْضَاءُ أَبَدًا»^۲ ابراهیم و همراهان او را الگو و نمونه خوبی برای شما است، آنگاه که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم و نسبت به شما کافریم و میان ما و شما کینه و دشمنی همیشگی آشکار شده است.»

البته توجه به این نکته لازم است که دشمنی و جهاد دارای مراتب و صورت‌های مختلفی می‌باشد. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید:

«جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَيْدِيكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِأَلْسِنَتِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَجَاهِدُوا بِقُلُوبِكُمْ»؛^۳ در راه خدا با دست [جنگ مسلحانه] جهاد کنید؛ اگر نتوانستید، با زبان جهاد کنید و اگر باز هم نتوانستید، با قلبتان جهاد کنید.

۱. بحار الأنوار ج ۲۷، ص ۵۸.

۲. ممتحنه، آیه ۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۴۹.

بنابراین دشمنی و جهاد با مستکبران امری لازم و اجتناب ناپذیر است چنانچه بسیاری از آیات قرآن کریم بر این امر دلالت دارند: «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً»^۱ «و قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»^۲ «قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً»^۳ و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً»^۴.

پس مبارزه بین این دو گروه تا از بین رفتن تمام ظلمها و فتنهها در سراسر عالم ادامه خواهد داشت و در نهایت جبهه حق پیروز خواهد شد.

«هان ای مسلمانان جهان! و مستضعفان تحت سلطه ستمگران! بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدّرات خود دفاع کنید، و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است.»^۵

۱. بقره، آیه ۱۹۳.

۲. بقره، آیه ۱۹۰.

۳. توبه، آیه ۳۶.

۴. توبه، آیه ۱۲۳.

۵. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۲۵.